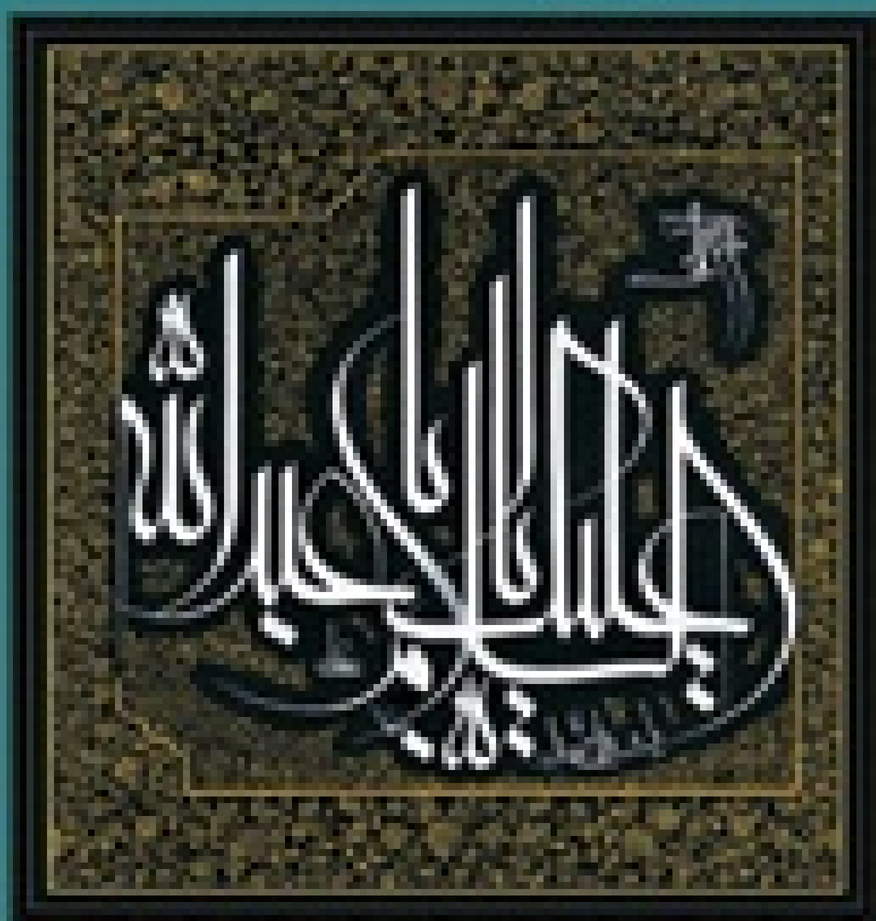
فرهنگنامه

مرثیه سرایی و عزاداری سیدالشهدا



محمد محمدی اشتهاردی

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، 1325 -

عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ نامه مرثیه سرایی و عزاداری سیدالشهدا علیه السلام / محمد محمدی ری شهری.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، 1387.

مشخصات ظاهری : 111 ص.

شابک : 8000 ریال:978-964-540-142-7

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص. 101 - 108؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، 4 - 61ق. -- سوگواری ها.

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، 4 - 61ق. -- مراثی.

رده بندی کنگره : BP260/3/م35ف4 1387

رده بندی دیویی : 297/74

شماره کتابشناسی ملی : 1303125

ص : 1

اشاره

پیش گفتار

پیش گفتارمرثیه سرایی و عزاداری برای سید الشهدا ، به دلیل اهداف بلند و نقش سازنده فردی ، اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی آن ، از جایگاه ویژه ای در سخن و سیره اهل بیت برخوردار است . اما باید توجّه داشت که این حرکت پر برکت ، مانند همه اقدامات مفید و سودمند ، بدون آفت نیست . بی تردید شیاطین جن و انس ، تلاش می کنند تا هر حرکت سازنده فرهنگی را دچار آفت نمایند تا آن را بی اثر کنند ، یا لااقل از آثار و برکات آن بکاهند ، و از این رو ، هر چه فعالیت های فرهنگی مؤثرتر باشد ، آفات خطرناکتری آنها را تهدید می نماید . بدین جهت ، نقش فوق العاده سازنده فرهنگ عاشورا در زمینه سازی جهت حاکمیت ارزش ها ، سبب شده تا دشمنان پیدا و ناپیدای اسلام ناب ، از دیرباز برای تحریف این فرهنگ ، برنامه ریزی نمایند ، و این تلاش ها پس از نقش آفرینی فرهنگ عاشورا در پیروزی انقلاب اسلامی ایران ، تشدید گردیده است .

.

و بدین سان ، بر همه مرزبانان اسلام ناب و پاسداران فرهنگ اصیل عاشورا ، و علاقه مندان به اهل بیت علیهم السلام ، فرض است ، که همه توان خود را در جهت آفت زدایی و پالایش فرهنگ عاشورا ، و فرهنگ سازی صحیح مرثیه سرایی و عزاداری سید الشهداء به کار گیرند ، و نقشه دشمنان را نقش بر آب نمایند . تا آن جا که ما می دانیم نخستین کتابی که بدین منظور تألیف شده کتاب «لؤلؤ و مرجان»(1) نوشته محدّث نوری است ، همچنین استاد شهید ، علامه مطهری رحمه اللّٰه علیه در «حماسه حسینی» همین هدف را تعقیب کرده است . اما فرهنگ نامه مرثیه سرایی و عزاداری سید الشهدا ، ضمن ادامه راه «لؤلؤ و مرجان» و «حماسه حسینی» اشاره به این نکته مهم دارد که در نظام جمهوری اسلامی برای آفت زدایی فرهنگ عاشورا نباید به گفتن و نوشتن و رهنمود بسنده کرد ، بلکه باید به گونه ای برنامه ریزی نمود که مرثیه سرایی و عزاداری به شیوه صحیحی که مورد رضای خدا و اهل بیت است به صورت یک فرهنگ ، همگانی گردد ، و همه نهادهای فرهنگی نظام ، به ویژه صدا و سیما برای این فرهنگ سازی ، برنامه ریزی و تلاش کنند . فصل یکم این فرهنگ نامه (2) اختصاص به تبیین جایگاه مرثیه سرایی و عزاداری برای سید الشهدا در سخن و سیره اهل بیت

.

1- .این کتاب در سال 1319 هجری قمری ، یکصد و ده سال پیش ، نگارش یافته است .

2- .گفتنی است که این فرهنگ نامه ، بخشی از دانش نامه امام حسین علیه السلام است که به دلیل شدت نیاز به آن ، به صورت مستقل نیز تقدیم علاقمندان می گردد .

دارد . در این فصل ، به مرثیه سرایان آن حضرت پیش از واقعه کربلا و نخستین مرثیه سرایان ، پس از این واقعه اشاره شده ، و زنده نگهداشتن یاد سید الشهدا و تداوم عزاداری برای آن حضرت مورد تأکید قرار گرفته است . در فصل دوم توضیح داده شده که اصلی ترین فلسفه قیام وشهادتامام حسین علیه السلام جهل زدایی و زمینه سازی برای حاکمیت ارزش های انسانی و اسلامی به رهبری اهل بیت علیهم السلام است . فصل سوم که بزرگترین فصل این فرهنگ نامه است اختصاص دارد به آسیب شناسی فرهنگ عاشورا ، در این فصل ، تحریف هدف عزاداری سید الشهدا ، استناد به منابع غیر معتبر در مرثیه سرایی ، گزارش های ذلت بار از واقعه کربلا ، غلو درباره اهل بیت ، دروغ در مرثیه سرایی ، و بدعت در نحوه عزاداری به عنوان مهم ترین آسیب های مرثیه سرایی و عزاداری ، مورد بررسی قرار گرفته است . در فصل چهارم توضیح داده شده که مجالس عزاداری هدفمند دارای سه ویژگی است ، اول : خدا محوری ، دوم : ارائه تاریخ و تحلیل صحیح از حادثه عاشورا ، و سوم : تبلور عاطفه وارادت به اهل بیت علیهم السلام . در فصل پنجم ، کتاب شناسی تاریخ عاشورا و عزاداری ، مورد بررسی قرار گرفته است ، در این فصل ، منابع تاریخ عاشورا و عزاداری به چهار گروه تقسیم شده و منابع قابل استناد و غیر قابل استناد که آشنایی با آنها به شدت مورد نیاز اهل منبر و مرثیه سرایان

.

است به تفصیل ، تبیین گردیده است .(1) در آخرین فصل این فرهنگ نامه ، به تحلیلی درباره متفرّدات منابع متأخّر پرداخته ایم، که ابتدا دلائل بهره نبردن خود از منابع متأخّر و اقسام گزارش های این منابع ، بیان شده و در ادامه ، شماری از گزارش هایی که در منابع متأخر آمده یا در افواه ، شهرت یافته اند ، امّا در منابع اصلی دیده نمی شوند ، گردآوری شده است . از خداوند منان می خواهم که در کنار دانش نامه امام حسین علیه السلام به این فرهنگ نامه ، برکتی عنایت کند که در سال نوآوری (2) ، حرکتی نو در راه فرهنگ سازی صحیح مرثیه سرایی پدید آید و دست اندرکاران امور فرهنگی کشور ، و خطبا و مرثیه سرایان با مطالعه دقیق آن ، موجبات شکوفایی هر چه بیشتر فرهنگ عاشورا و بهره برداری از آن در جهت زمینه سازی حکومت جهانی اسلام به رهبری مهدی آل محمد صلی اللّٰه علیه و آله را فراهم سازند ، آمین . اللّهمّ ارزقنا شفاعه الحسین علیه السلام یوم الورود وثبت لنا قدم صدق عندک مع الحسین وأصحاب الحسین الّذین بذلوا مهجهم دون الحسین علیه السلام . محمدی ری شهری 10 / 5 / 1387 28 رجب 1429

.

1- .گفتنی است که این فصل توسط فاضل ارجمند جناب آقای عبدالهادی مسعودی تهیه شده که در همین جا از ایشان صمیمانه تشکر می کنم . جزاه اللّٰه عن اهل بیت نبیه خیر الجزاء .

2- .سال 1387 هجری شمسی توسط رهبر انقلاب اسلامی آیت اللّٰه خامنه ای «سال نوآوری و شکوفایی» نامیده شده است .

فصل یکم : جایگاه مرثیه سرایی و عزاداری در سخن و سیره پیشوایان

اشاره

فصل یکم : جایگاه مرثیه سرایی عزاداری در سخن و سیره پیشوایان بر پایه روایات ، مرثیه سرایی برای سالار شهیدان و یارانش ، و عزاداری برای آنان و گریه بر مصایبی که بر ایشان گذشت ، خصوصاً در دهه اول محرم و بالاخص در روز عاشورا مورد تأکید خاندان رسالت است . عزاداری برای سید الشهدا در حقیقت اظهار محبت به خاندان رسول خدا صلی اللّه علیه و آله است که قرآن مودت آنها را واجب کرده است :(قُل لَّا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبَی .(1) بگو در برابر این (رسالت) مزدی از شما نمی خواهم ،جز دوست داشتن خویشاوندان (مرا)) . عزاداری برای سید الشهدا ، اظهار همدردی در بزرگ ترین مصایبی است که برای اهل بیت علیهم السلام و در واقع برای اسلام پیش آمد . شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام روایت کرده که می فرماید : ...رَحِمَ اللّهُ شیعَتَنا ، شیعَتُنا - وَاللّهِ - هُمُ المُؤمِنونَ ، فَقَد - وَاللّهِ - شَرِکونا

.

1- .شورا : آیه 23 .

فِی المُصیبَهِ بِطولِ الحُزنِ وَالحَسرَهِ .(1) خداوند شیعیان ما را رحمت کند -به خدا سوگند- آنان حقیقتاً مؤمنند. به خدا سوگند، آنان در اندوه و حسرتی مدام، در عزای ما سهیمند. و در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده :اللّهمّ ... وَارحَم تِلکَ الأَعیُنَ الَّتی جَرَت دُموعُها رَحمَهً لَنا ، وَارحَم تِلکَ القُلوبَ الَّتی جَزِعَت وَاحتَرَقَت لَنا ، وَارحَمِ الصَّرخَهَ الَّتی کانَت لَنا .(2) بار خدایا ... و بر آن چشم هایی که از سر ترحم بر ما اشک هایشان روان شد، رحم کن، و بر آن دل هایی را که بی تاب شدند و به حال ما سوختنند، رحم نما، و بر شیون هایی که برای ما بلند گردیدند، ترحم آور. عزاداری برای سید الشهدا یکی از بزرگ ترین مصادیق تعظیم شعائر الهی و نشانه تقوای دل ها است .(3) تحقیقاً یکی از مهم ترین امتیازات جامعه شیعه ، برخورداری از چشمه پر فیض نورانیت و معنویت عاشورا است . این چشمه جوشان از نخستین روزی که موضوع ذکر مصیبت سید الشهدا و یارانش مطرح شد ، جریان یافت و تا امروز همچنان جاری است و پس از این هم ادامه خواهد داشت .

.

1- .ثواب الأعمال : ص 257 ح 3 .

2- .الکافی : ج 4 ص 583 ح 11 .

3- .(وَ مَن یُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَی الْقُلُوبِ ؛ و هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد ، در حقیقت این [حاکی] از پاکی دلهاست) (حج : آیه 32) .

1. مرثیه سرایان سید الشهدا پیش از واقعه کربلا

ائمه اهل بیت علیهم السلام به جز تأکیدهای مستقیم قولی به گونه های دیگری نیز بر اهمیت عزاداری و زنده نگه داشتن آن تأکید داشته اند که به مواردی اشاره می گردد:

1. مرثیه سرایان سید الشهدا پیش از واقعه کربلابر پایه روایات ، نخستین کسی که قبل از واقعه کربلا برای سید الشهدا مرثیه سرایی کرده خداوند متعال است که آدم ابو البشر ، ابراهیم خلیل و خاتم انبیا علیهم السلام را از مصایبی که برای آن حضرت پیش خواهد آمد ، آگاه فرموده است ، و آنان بر این مصیبت گریسته اند .(1) همچنین حضرت عیسی علیه السلام هنگام عبور از کربلا به مصیبت حسین علیه السلام اشاره کرده و همراه با حواریون خود بر مصایب آن حضرت گریسته است .(2) پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام نیز بارها به حوادث خونبار کربلا اشاره کرده و همراه با فاطمه زهرا علیها السلام بر فرزند عزیز خود اشک ریخته اند .(3)

.

1- .کمال الدین : ص 282 ح 36 ، الخصال : ص 58 ح 79 ، عیون اخبار الرضا علیه السلام : ج 1 ص 209 ح 1 ، الارشاد : ج 2 ص 130 ، کامل الزیارات : ص 125 ح 139 ، کشف الغمه : ج 2 ص 270 ، بحار الأنوار : ج 44 ص 245 ح 44 .

2- .کمال الدین : ص 531 ح 1 ، الأمالی ، صدوق : ص 695 ح 951 ، الخرائج والجرائح : ج 3 ص 1143 ح 55 ؛الفتوح : ج 2 ص 553 .

3- .الأمالی ، صدوق : ص 197 ح 208 ، المناقب ، کوفی : ج 2 ص 279 ح 746 .

ص: 14

2. نخستین مرثیه سرایان سید الشهدا پس از واقعه کربلا

2. نخستین مرثیه سرایان سید الشهدا پس از واقعه کربلاپس از واقعه عاشورا ، نخستین مرثیه سرایان سید الشهدا و یارانش فرزندش زین العابدین ، خواهر بزرگوارش زینب کبرا ، دختران امام ، امّ کلثوم و فاطمه صغرا و همسرش رباب بوده اند که در کربلا ، کوفه و شام ، با مرثیه سرایی های هدفمند خود ، راه سالار شهیدان را ادامه دادند . اما در مدینه ، نخستین مرثیه سرا همزمان باشهادتامام حسین علیه السلام ، ام سلمه همسر بزرگوار پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه و آله بود ، یعقوبی در این باره می نویسد : کانَ أوَّلُ صارِخَهٍ صَرَخَت فِی المَدینَهِ اُمَّ سَلَمَهَ زَوجَ رَسولِ اللّٰهِ . نخستین ضجه زننده ای که در مدینه ضجّه اش بلند شد، ام سلمه همسر رسول خدا بود. پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه و آله شیشه ای که در آن خاکی قرار داشت به ام سلمه داده بود و فرموده بود که : «هر گاه این خاک تبدیل به خون تازه شود حسین علیه السلام کشته شده است» . روز عاشورای سال 61 هجری آن خاک تبدیل به خون تازه شد ، و ام سلمه با دیدن آن فریاد کشید : وَا حُسَیناه ! وا ابنَ رَسولِ اللّٰهِ ! واحسینا، وا پسر رسول خدا شیون و زاری و مرثیه سرایی ام سلمه برای امام حسین علیه السلام به

.

گونه ای بود که به دنبال آن ، مدینه یکپارچه عزادار شد : وتَصارَخَتِ النِّساءُ مِن کُلِّ ناحِیَهٍ ، حَتَّی ارتَفَعَتِ المَدینَهُ بِالرَّجَّهِ الَّتی ما سُمِعَ بِمِثلِها قَطُّ.(1) و زنان شیون کردند تا این که در مدینه چنان ولوله ای شد که تا آن زمان شنیده نشده بود. سال 61 هجری سال حزن نامیده شد(2) و بر پایه گزارش دعائم الاسلام از امام صادق علیه السلام پس از واقعه عاشورا سه سال تمام بر آن حضرت مرثیه سرایی می شد(3) ، همچنین طبق گزارشی دیگر ، ازشهادتآن حضرت تا هلاکت ابن زیاد اهل بیت از عزا بیرون نیامدند : مَا اختَضَبَت مِنَّا امرَأَهٌ ، ولَا ادَّهَنَت ، ولَا اکتَحَلَت ، ولا رَجَّلَت ، حَتّی أتانا رَأسُ عُبَیدِ اللَّهِ بنِ زِیادٍ ، وما زِلنا فی عَبرَهٍ بَعدَهُ.(4) هیچ یک از زنان ما خضاب نکرد، و روغنی استفاده نکرد و سرمه نکشید، و شانه نزد تا این که سر عبیداللّه بن زیاد را برایمان آوردند، ما همواره پس از آن ماجرا گریان بودیم.

.

1- .تاریخ الیعقوبی : ج 2 ص 245 .

2- .مقتل الحسین ، خوارزمی : ج 2 ص 40 ، التذکره ، قرطبی : ج 2 ص 453 .

3- .دعائم الاسلام : ج 1 ص 227 .

4- .کامل الزیارات : ص 167 ح 219. نیز، ر. ک: التذکره الحمدونیه: ج 9 ص 150 ش 359 ؛ هنگامی که حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید، در هر خانه ای در مدینه به مدت یک سال تمام نوحه سرایی بود، و در سال دوم، در هر جمعه و در سال سوم، در دو ماه سوگواری به پا می شد. نیز ، ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : بخش دوازدهم / فصل یکم : تداوم سوگواری اهل بیت امام تا کشته شدن ابن زیاد .

3. پوشیدن لباس سیاه در عزای سید الشهدا

4. تأکید بر زنده نگهداشتن یاد سید الشهدا

3. پوشیدن لباس سیاه در عزای سید الشهدانخستین کسانی که در عزای امام حسین علیه السلام لباس سیاه پوشیدند ، ام سلمه همسر پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و زن های بنی هاشم بودند .(1) این اقدام ، نشان می دهد که لباس سیاه از زمان های گذشته علامتِ عزا بوده ، ابو مسلم هم در آغاز قیام خود برای استفاده تبلیغاتی علیه حکومت بنی امیه لباس سیاه را انتخاب کرد . آنها می گفتند : هذَا السَّوادُ حِدادُ آلِ مُحَمَّدٍ وشُهداءِ کَربَلا وزَیدٍ ویَحیی .(2) این لباس سیاه ، عزای آل محمد و شهیدان کربلا و زید و یحیی است . در زمان معاصر نیز در میان پیروان اهل بیت علیهم السلام لباس سیاه نشانه عزاداری است .

4. تأکید بر زنده نگه داشتن یاد سید الشهدادر روایات تأکید فراوان بر تداوم یاد سید الشهدا شده است ، در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده که هنگام یاد آن حضرت سه بار بگو :صَلَّی اللَّهُ عَلَیکَ یا أبا عَبدِ اللَّهِ . (3) درود بر تو ای ابو عبداللَّه.

.

1- .المحاسن : ج 2 ص 195 ح 1564 ، الأمالی ، شجری : ج 1 ص 164 ، شرح الأخبار : ج 3 ص 171 ح 1119 .

2- .المناقب ، ابن شهر آشوب : ج 3 ص 300 .

3- .الکافی : ج 4 ص 575 ح 2 ، تهذیب الأحکام : ج 6 ص 103 ح 180 ، المزار، مفید : ص 214 ح 1 ، الأمالی ، طوسی : ص 54 ح 73 .

5 . تأکید بر تداوم عزاداری

که این سلام از نزدیک و دور به او ابلاغ می شود . همچنین یاد کردن آن حضرت هنگام نوشیدن آب توصیه شده است :وما مِن عَبدٍ شَرِبَ الماءَ فَذَکَرَ الحُسَینَ علیه السلام وأهلَ بَیتِهِ ولَعَنَ قاتِلَهُ ، إلّا کَتَبَ اللّهُ عَزَّ وجَلَّ لَهُ مِئَةَ ألفِ حَسَنَةٍ ، وحَطَّ عَنهُ مِئَةَ ألفِ سَیِّئَةٍ ، ورَفَعَ لَهُ مِئَةَ ألفِ دَرَجَةٍ .(1) هیچ کس نیست که آب بنوشد و یاد حسین علیه السلام و خاندانش کند و کشنده اش را لعن کند، مگر این که خداوند، برایش یک صد هزار حسنه بنویسد، و یک صد هزار گناه را از او بزداید و یک صد هزار درجه برایش بدهد .(2) با عنایت به نیاز مکرر انسان در شبانه روز به نوشیدن آب ، توصیه به سلام بر آن حضرت و لعن بر قاتلانش هنگام نوشیدن آب ، بدین معنا است که پیروان اهل بیت علیهم السلام هیچ گاه نباید ماجرای کربلا را فراموش کنند و خاطره مبارزه با ظلم و ظالم وشهادتجانگداز سلاله پاک رسول خدا صلی اللّه علیه و آله در این راه ، برای همیشه ، باید در تاریخ زنده بماند .

5 . تأکید بر تداوم عزاداری تأمل در توصیه اهل بیت علیهم السلام بر اقامه مجالس عزا برای شهدای کربلا و

.

1- .الکافی : ج 6 ص 391 ح 6 ، کامل الزیارات : ص 212 ح 304 .

2- .ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : بخش دوازدهم / فصل دوم : به یاد مصیبت حسین علیه السلام بودن در هنگام آشامیدن آب .

زنده نگاه داشتن خاطره عاشورا ، تشویق آنان به سرودن شعر درباره این فاجعه بزرگ تاریخ اسلام ، بشارت به پاداش های بزرگ در گریاندن و گریستن بر این مصیبت عظمی ، تأکید بر اهمیت عزاداری در دهه اول محرم ، خصوصاً در روز عاشورا(1) ، به روشنی بیانگر این حقیقت است که عزاداری برای سید الشهدا و یارانش ، هدف بزرگی را تعقیب می کند که تا آن هدف تحقق نیافته ، سنت عزاداری در میان پیروان اهل بیت باید تداوم یابد . بنا بر این مسئله مهم این است که هدف و حکمت ضرورت تداوم عزاداری برای سید الشهدا چیست ؟

.

1- .ر . ک : روایات مربوط به این عناوین به تفصیل در کتاب دانش نامه امام حسین علیه السلام بخش دوازدهم آمده است .

فصل دوم : فلسفه عزاداری شناخت فلسفه عزاداری امام حسین علیه السلام ، نخستین گام در راه تأمین اهداف بلند این سنت مهم و سرنوشت ساز پیروان اهل بیت علیهم السلام است . زیرا عزاداری بدون معرفت نه تنها ارزشی ندارد ، بلکه چه بسا به زیان اهداف اصلی این حرکت ارزشمند نیز باشد . بر پایه روایتی در رهنمودهای امام علی علیه السلام به کمیل آمده که می فرماید :ما مِن حَرَکَهٍ إلّا وأنتَ مُحتاجٌ فیها إلی مَعرِفَهٍ .(1) هیچ حرکتی [برای انجام کاری] نیست، مگر این که تو در آن به شناخت نیازمندی. ممکن است در پاسخ به فلسفه عزاداری ، گفته شود که مطابق نص صریح و روشن قرآن محبت خاندان رسالت واجب است (2) ، بنا بر این می توان گفت فلسفه گریه بر امام حسین علیه السلام و اقامه عزا برای مصایب ایشان ، اظهار ارادت به پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام آن بزرگوار است .

.

1- .تحف العقول : ص 171 . و نیز ، ر . ک : دانش نامه عقاید اسلامی : ج 2 ص 310 ح 1431 .

2- .ر . ک : ص 11 .

بی تردید ، اظهار محبت نسبت به خاندان پیامبر از طریق سوگواری برای سالار شهیدان همانطور که اشاره شده پسندیده و تعظیم شعائر الهی است ، لیکن تأمل در روایاتی که توصیه و تأکید بر تداوم اقامه ماتم بر سید الشهدا دارند ایجاب می کند که عزاداری برای ایشان ، فلسفه ای بسیار فراتر از اظهار محبت به اهل بیت علیهم السلام داشته باشد . بلکه از نگاه سید بن طاووس ، اگر امتثال امر کتاب و سنت نبود ، اظهار محبت نسبت به اهل بیت علیهم السلام ایجاب می کرد که به دلیل منزلت والایی که امام حسین علیه السلام و یارانش به واسطهشهادتبدان دست یافتند ، اظهار مسرّت و شادمانی کنیم ، متن سخن ایشان این است : اگر نبود که پوشیدن لباس سوگ و مصیبت ، به خاطر از میان رفتن نشانه های هدایت و تأسیس پایه های گمراهی ، و تأسف بر سعادتی که از دست دادیم و افسوس بر چنین شهادتی امتثال امر کتاب و سنت است ، ما در برابر آن نعمت بزرگ لباس شادی و خوشحالی می پوشیدیم . و چون در بی تابی و سوگواری ، خشنودی صاحب روز معاد هست و نیکان در آن غرضی دارند ، ما لباس عزا پوشیدیم و همواره اشک ریختیم و به چشم هایمان ، گفتیم : همواره بگریید و به دل هایمان گفتیم : همانند زنان جوان مرده ماتم بگیرید .(1) بنا بر این ، باید دید حکمتِ آن همه تأکید بر عزاداری و گریه برای ابی عبد اللّه علیه السلام چیست ؟

.

1- .الملهوف : ص 83 .

بنا بر این هر چه فلسفهشهادتاو باشد ، فلسفه عزاداری برای او نیز هست .

فلسفهشهادتامام حسین علیه السلام اصلی ترین فلسفه قیام وشهادتسید الشهدا علیه السلام مبارزه با جهل و از این طریق زمینه سازی برای حاکمیت ارزش های انسانی و اسلامی به رهبری اهل بیت علیهم السلام است . بر پایه آن چه بسیاری از منابع معتبر از امام صادق علیه السلام گزارش کرده اند ، ایشان در این باره می فرماید :...وبَذَلَ مُهجَتَهُ فیکَ لِیَستَنقِذَ عِبادَکَ مِنَ الجَهالَهِ وحَیرَهِ الضَّلالَهِ .(1) و خونش را به خاطر تو بذل کرد تا بندگانت را از جهالت و سرگردانی گمراهی بیرون آورد . همه آن چه در تبیین فلسفه قیام وشهادتامام حسین علیه السلام ذکر شده (2) ، در فلسفه جهل زدایی خلاصه می شود . جهل زدایی نه تنها فلسفه قیام سید الشهدا بلکه فلسفه بعثت خاتم الانبیا و نزول قرآن است :(کِتَبٌ أَنزَلْنَهُ إِلَیْکَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَتِ إِلَی النُّورِ .(3) [این قرآن] کتابی است که آن را به سوی تو فرو فرستادیم، تا مردم

.

1- .تهذیب الأحکام : ج 6 ص 113 ح 201 ، المزار الکبیر : ص 514 ح 10 ، الأقبال : ج 3 ص 102 ، مصباح المتهجد : ص 788 ، المصباح ، کفعمی : ص 649 .
2- .ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : ج 4 (تحلیلی درباره اهداف قیام امام حسین علیه السلام) .
3- .ابراهیم : آیه 1 .

را از تاریکی ها به سوی روشنایی بیرون آوری) . فلسفه بعثت انبیاء پیشین نیزجهل زدایی بوده است :(وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَی بِآیَتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَکَ مِنَ الظُّلُمَتِ إِلَی النُّورِ .(1) ما موسی را با آیات خود فرو فرستادیم (ودستور دادیم) قومت را از ظلمات به نور بیرون آر) . در حقیقت ، «جهل» ریشه همه مصایب و مفاسد جامعه بشر است ، چنان که در روایتی از امام علی علیه السلام آمده :الجَهلُ أصلُ کُلِّ شَرٍّ .(2) نادانی ، ریشه همه بدی هاست . و بر این اساس اصلی ترین کار انبیاء و اولیای الهی ریشه کن کردن بیماری جهل از جامعه است ؛ زیرا تا این بیماری علاج نگردد نمی توان انتظار داشت که ارزش های دینی بر جامعه حاکم گردد . امام حسین علیه السلام نیز برای تحقق این آرمان بلند ، خون پاک خود را در راه خدا اهداء کرد و بدین سان اصلی ترین فلسفه زنده نگهداشتن مکتبشهادتبه وسیله عزاداری آن حضرت نیز ، جهل زدایی جامعه اسلامی است و تا درمان کامل این بیماری خطرناک اجتماعی و حاکمیت مطلق ارزش های اسلامی در جهان ، تداوم این مکتب ضروری است .

.

1- .ابراهیم : آیه 5 . نیز ، ر . ک : دانش نامه عقاید اسلامی : ج 2 ص 44 .
2- .غرر الحکم : ح 819 .

فصل سوم : آسیب شناسی مرثیه سرایی و عزاداری

اشاره

فصل سوم : آسیب شناسی مرثیه سرایی و عزاداری در عصر حاضر ، آشنایی با آفاتی که هدف و فلسفه عزاداری سالار شهیدان را تهدید می کنند ، مهم ترین و اساسی ترین گام در راه تحقق اهداف ارزشمند این دستورالعمل سازنده اهل بیت عصمت و طهارت است و از این رو این مسأله با شرح و بسط بیشتری ارائه می شود . نقش فرهنگ اصیل عاشورا در جهل زدایی جوامع اسلامی و زمینه سازی برای حکومت جهانی اسلام ، ایجاب می کند که اسلام ستیزان مستکبر - اعم از آنها که رسماً در مقابل اسلام قرار دارند یا کسانی که به نام اسلام بر مسلمین حکومت می کنند - در دوران های مختلف تاریخ برای تحریف آن برنامه ریزی کنند ، چرا که آنان از جهل مردم تغذیه می کنند ، و بیداری امت اسلامی بنیاد حاکمیت آنها را فرو می ریزد . نقش فرهنگ عاشورا در پیروزی انقلاب اسلامی ایران و نهضت های آزادیبخش اسلامی ، موجب گردیده که تلاش های استکبار جهانی و در رأس آنها آمریکا برای تحریف فرهنگ عاشورا

.

1 . تحریف هدف عزاداری

مضاعف گردد و با توطئه های پیچیده تری وارد عرصه نبرد با این میراث گرانبهای فرهنگی شوند .(1) اکنون باید دید چگونه فرهنگ اصیل عاشورا به وسیله دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه تحریف می شود ؟ و چه آفاتی مجالس عزاداری سالار شهیدان را تهدید می کند ؟ پاسخ اجمالی این سؤال این است که : هر چه با فلسفه عزاداری یعنی : جهل زدایی جامعه اسلامی و نیز با ویژگی های مجالس عزاداری هدفمند ، یعنی : خدامحوری ، ارائه تحلیل واقع بینانه از حادثه عاشورا و بهره گیری صحیح از احساسات و عواطف مردم نسبت به اهل بیت علیهم السلام ، در تضاد باشد ، آفت مجالس عزاداری سید الشهدا است . اینک برای توضیح این اجمال به مهم ترین آسیب ها اشاره می کنیم :

1 . تحریف هدف عزاداری خطرناکترین آفت عزاداری سید الشهدا ، تحریف هدف آن است . پیش از این اشاره کردیم که فلسفه عزاداری امام حسین با فلسفهشهادتآن حضرت یکی است ، بنا بر این تحریف هدف عزاداری ، تحریف هدفشهادتآن بزرگوار نیز هست .

.

1- .برای نمونه بنگرید به کتاب نقشه ای برای جدایی مکاتب الهی... ، روزنامه جمهوری اسلامی 16 / 12 / 1384 ، ش 7722 .

این تحریف به دو گونه می تواند تجلی یابد : یکی آن که به جای روشنی بخشی و احیاگری تنها به آمرزش گناهان و پاک سازی معنوی خلاصه گردد . و دیگر آن که به جای تأکید بر بُعد حماسی به جنایت یزیدیان و ستمگران در این حادثه پرداخته شود . این سخن بدان معنا نیست که آمرزش گناهان و پاکسازی معنوی بر عزاداری بار نیست و یا این که نباید جنایت های ستم پیشگان را برشمرد ، بلکه غرض پرهیز از نگاه تجزیه ای است . اینک به توضیح این دو مطلب می پردازیم : اگر به جای جهل زدایی و احیاء ارزش های اسلامی ، فلسفه عزاداری برای سالار شهیدان ، در پاک سازی گنه کاران از گناه خلاصه شود ، در واقع هدفشهادتامام و عزاداری برای آن حضرت تحریف شده است ، یعنی دقیقاً همان تحریفی که در آیین مسیحیت در مورد حضرت عیسی علیه السلام تحقق یافت . استاد شهید مطهری در این باره می گوید : من نمی دانم کدام جانی یا جانی هایی جنایت را به شکل دیگری بر حسین بن علی علیهما السلام وارد کردند، و آن این که هدف حسین بن علی علیهما السلام را مورد تحریف قرار دادند و همان چرندی را که مسیحی ها در مورد مسیح گفتند درباره حسین گفتند که حسین کشته شد برای آن که بار گناه امت را به دوش بگیرد ، برای این که ما گناه بکنیم و خیالمان

.

راحت باشد ، حسین کشته شد برای این که گناهکار تا آن زمان کم بود ، بیشتر بشود ... .(1) استاد مطهری درباره نوعی دیگر از تحریف هدف عزاداری و گریه بر امام حسین علیه السلام چنین می گوید : چرا ائمه اطهار علیهم السلام (حتی از پیغمبر اکرم روایت است) گفتند که این نهضت باید زنده بماند ، فراموش نشود ، مردم برای امام حسین بگریند ؟ هدف آنها از این دستور چه بوده است ؟ ما آن هدف واقعی را مسخ کردیم . گفتیم فقط به خاطر این است که تسلّی خاطری برای حضرت زهرا علیها السلام باشد ! با این که ایشان در بهشت همراه فرزند بزرگوارشان هستند ، دائماً بی تابی می کنند تا ما مردم بی سر و پا یک مقدار گریه کنیم تا تسلی خاطر پیدا کنند ، آیا توهینی بالاتر از این برای حضرت زهرا پیدا می کنید ؟ !(2) خیال می کنیم حسین بن علی در آن دنیا منتظر است که مردم برایش دلسوزی کنند یا العیاذ باللّه حضرت زهرا علیها السلام بعد از هزار و سیصد سال ، آن هم در جوار رحمت الهی ، منتظر است که ... برای او گریه بکنند تا تسلّی خاطر پیدا کند ! چند سال پیش در کتابی دیدم که نویسنده مقایسه ای میان حسین بن علی و عیسی مسیح کرده بود ، نوشته بود که عمل مسیحیها بر عمل مسلمین (شیعیان) ترجیح دارد ، زیرا آنها روزشهادتعیسی مسیح

.

1- .حماسه حسینی : ج 1 ص 127 .
2- .حماسه حسینی : ج 1 ص 78 .

را جشن می گیرند و شادمانی می کنند ، ولی اینها در روزشهادتحسین بن علی مرثیه خوانی و گریه می کنند . عمل آنها بر عمل اینها ترجیح دارد ، زیرا آنهاشهادترا برای عیسی مسیح موفقیّت می دانند نه شکست ، و چون موفقیّت می دانند شادمانی می کنند . امّا مسلمینشهادترا شکست می دانند و چون شکست می دانند گریه می کنند . خوشا به حال ملّتی کهشهادترا موفقیّت بشمارد و جشن بگیرد و بدا به حال ملّتی کهشهادترا شکست بداند و به خاطر آن مرثیه خوانی بکند . جواب این است که اوّلاً دنیای مسیحی که اینشهادترا جشن می گیرد ، روی همان اعتقاد خرافی است که می گوید عیسی کشته شد تا بار گناه ما بریزد ، و چون به خیال خودش سبکبال شده و استخوانش سبک شده آن را جشن می گیرد ، در حقیقت او جشن سبکی استخوان خودش را به خیال خودش می گیرد ، و این یک خرافه است . ثانیاً این همان فرق اسلام و مسیحیّت تحریف شده است که اسلام یک دین اجتماعی و مسیحیّت ، دینی است که همه آن چیزی که دارد اندرز اخلاقی است . از طرف دیگر گاه به یک حادثه از نظر فردی نگاه می کنیم و گاه از نظر اجتماعی . از نظر اسلامشهادتحسین بن علی علیهما السلام از دیدگاه فردی یک موفّقیّت بود .(1) گفتنی است که آن چه تحریف هدف عزاداری برای امام حسین علیه السلام است خلاصه کردن آن در پاک سازی گناهان شبیه باور خرافی

.

1- .حماسه حسینی : ج 1 ص 128 .

مسیحیان درباره مصلوب شدن حضرت عیسی است و این به معنای نفی نقش عزاداری در آمرزش گناهان نیست . به سخن دیگر ، هدف عزاداری بر امام حسین علیه السلام جهل زدایی و احیاء ارزش های دینی است و عزاداری با این هدف برکات فراوانی برای فرد و جامعه دارد(1) که یکی از آنها آمرزش گناهان و سالم سازی روانی انسان هاست که این برکت نیز دقیقاً در جهت احیاء ارزش های اسلامی قرار دارد . از سوی دیگر حادثه عاشورا در یک نگاه کلی و واقع بینانه ، دارای دو بُعد است : یکی بُعد جنایت و مظلومیت و دیگری بُعد حماسه ، عزت و عظمت . از این رو تحلیل و تبیین صحیح این حادثه در صورتی امکان پذیر است که این دو بُعد در کنار هم دیده شود و ارائه گردد ، در غیر این صورت ، مخاطب درک درستی از این جریان مهم تاریخ اسلام پیدا نخواهد کرد . استاد مطهری قدس سرّه در این باره می گوید : حادثه عاشورا و تاریخچه کربلا دو صفحه دارد : یک صفحه سفید و نورانی و یک صفحه تاریک ، سیاه و ظلمانی که هر دو صفحه اش یا بی نظیر است و یا کم نظیر . اما صفحه سیاه و تاریکش از آن نظر سیاه و تاریک است که در آن فقط جنایت بی نظیر و یا کم نظیر می بینیم ... .

.

1- .ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : بخش یازدهم / فصل چهارم : گریستن و گریاندن بر سید الشهدا و یارانش / ثواب گریه بر آنان .

از این نظر حادثه کربلا یک جنایت و یک تراژدی است ، یک مصیبت است ، یک رثاء است . این صفحه را که نگاه می کنیم ، در آن ، کشتن بی گناه می بینیم ، کشتن جوان می بینیم ، کشتن شیرخوار می بینیم ، اسب بر بدن مرده تاختن می بینیم ، آب ندادن به یک انسان می بینیم ، زن و بچّه را شلاق زدن می بینیم ، اسیر را بر شتر بی جهاز سوار کردن می بینیم . از این نظر قهرمان حادثه کیست ؟ واضح است وقتی که حادثه را از جنبه جنایی نگاه کنیم ، آن که می خورد قهرمان نیست ، آن بیچاره مظلوم است . قهرمان حادثه در این نگاه یزید بن معاویه است ، عبید اللّٰه بن زیاد است ، عمر سعد است ، شمر بن ذی الجوشن است ، خولی است و یک عدّه دیگر . لذا وقتی که صفحه سیاه این تاریخ را مطالعه می کنیم ، فقط جنایت ورثاء بشریّت را می بینیم . پس اگر بخواهیم شعر بگوییم چه باید بگوییم ؟ باید مرثیه بگوییم و غیر از مرثیه گفتن چیز دیگری نیست که بگوییم . باید بگوییم :ز آن تشنگان هنوز به عیّوق می رسدفریاد العطش زبیابان کربلا(1) امّا آیا تاریخچه عاشورا فقط همین یک صفحه است ؟ آیا فقط رثاء است ؟ فقط مصیبت است و چیز دیگری نیست ؟ اشتباه ما همین است . این تاریخچه یک صفحه دیگر هم دارد که قهرمان آن صفحه ، دیگر پسر معاویه نیست ، پسر زیاد نیست ، پسر سعد نیست ، شمر نیست . در آنجا ، قهرمان حسین است . در آن

.

1- .دیوان محتشم .

صفحه ، دیگر جنایت نیست ، تراژدی نیست ، بلکه حماسه است ، افتخار و نورانیّت است ، تجلّی حقیقت و انسانیّت است ، تجلّی حقّ پرستی است . آن صفحه را که نگاه کنیم ، می گوییم بشریّت حقّ دارد به خودش ببالد . امّا وقتی صفحه سیاهش را مطالعه می کنیم می بینیم که بشریّت سرافکنده است و خودش را مصداق آن آیه می بیند که می فرماید : (قَالُواْ أَتَجْعَلُ فِیهَا مَن یُفْسِدُ فِیهَا وَ یَسْفِکُ الدِّمَآءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ وَ نُقَدِّسُ لَکَ)(1) . مسلّماً جبرئیل امین در مقابل اعلام خدا که فرمود : (إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَهً)(2) سؤالی نمی کند ، بلکه آن دسته از فرشتگان که فقط صفحه سیاه بشریّت را می دیدند و صفحه دیگر آن را نمی دیدند ، از خدا این سؤال را کردند که آیا می خواهی کسانی را در زمین قرار دهی که فساد کنند و خون ها بریزند ؟ و خدا در جواب آنها فرمود : (إِنِّی أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ) .(3) آن صفحه ، صفحه ای است که ملک اعتراض می کند ؛ بشر سرافکنده است و این صفحه ، صفحه ای است که بشریّت به آن افتخار می کند . چرا باید حادثه کربلا را همیشه از نظر صفحه سیاهش مطالعه کنیم ؟ و چرا باید همیشه جنایتهای کربلا گفته شود ؟ چرا همیشه باید حسین بن علی از آن جنبه ای که مورد جنایت جانیان است مورد

.

1- .ملائکه گفتند : پروردگارا ! آیا در زمین کسی را خواهی گماشت که در آن فساد کند و خونها بریزد و حال آنکه ما خود ، تو را تسبیح و تقدیس می کنیم ؟ (بقره : آیه 30) .
2- .من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد (بقره : آیه 30) .
3- .من می دانم چیزی را که شما نمی دانید (بقره : آیه 30) .

2 . استناد به منابع غیر معتبر

مطالعه ما قرار بگیرد ؟ چرا شعارهایی که به نام حسین بن علی می دهیم و می نویسیم ، از صفحه تاریک عاشورا گرفته شود ؟ چرا ما صفحه نورانی این داستان را کمتر مطالعه می کنیم ، در حالی که جنبه حماسی این داستان صد برابر جنبه جنائی آن می چربد و نورانیت این حادثه بر تاریکی آن خیلی می چربد ، پس باید اعتراف کنیم که یکی از جانی های بر حسین بن علی علیهما السلام ما هستیم که از این تاریخچه فقط یک صفحه اش را می خوانیم و صفحه دیگرش را نمی خوانیم .(1)

2 . استناد به منابع غیر معتبریکی از آسیب هایی که خصوصاً در قرن های اخیر عزاداری امام حسین علیه السلام را تهدید می کند ، استناد و استفاده اهل منبر و مرثیه سرایان از منابع غیر معتبر و غیر قابل استناد(2) است . نکته قابل توجه این که تاریخ عاشورا بیش از هر موضوع دیگر ، دارای منابع معتبر و قابل استناد است ، و مرثیه سرایان متعهد و آگاه اصولاً نیازی به استفاده از منابع غیر قابل استناد ندارند . به گفته شهید مطهری : اگر کسی تاریخ عاشورا را بخواند می بیند از زنده ترین و مستندترین و

.

1- .حماسه حسینی : ج 1 ص 121 - 125 .
2- .برای اطلاع از منابع قابل استناد و منابع غیر قابل استناد تاریخ عاشورا مراجعه کنید به فصل پنجم این کتاب .

از پر منبع ترین تاریخ ها است . مرحوم آخوند خراسانی (1) فرموده بود آنها که به دنبال روضه نشنیده می روند ، بروند روضه های راست را پیدا کنند که آنها را احدی نشنیده است .(2) شماری از مرثیه سرایان می پندارند هر چه چاپ و منتشر شد قابل استناد است و کاری با اعتبار منبع ندارند ، نویسنده ارجمند کتاب لؤلؤ و مرجان درباره برخی از مطالب نادرستی که بر زیارت معتبر وارث افزوده شده می گوید : روزی طلبه ای را دیدم که آن دروغ های قبیحه را برای شهدا می خواند ، دستی بر کتفش گذاشتم ، ملتفت من شد ، گفتم : از اهل علم قبیح نیست چنین اکاذیب در چنین محضری ؟! گفت : مگر مروی نیست ؟ تعجب کردم ، گفتم : نه . گفت : در کتابی دیدم . گفتم : در کدام کتاب ؟ گفت : مفتاح الجنان (3) . ساکت شدم ، کسی که در بی اطلاعی کارش به اینجا رسد که جمع کرده بعضی عوام را کتاب شمرد و مستند قرار دهد ، قابل سخن گفتن نیست . (4)

.

1- .آخوند شیخ محمد کاظم بن حسین هروی خراسانی متولد سال 1255 ق در مشهد و متوفی سال 1329 در نجف از اکابر علما امامیه واصولی نامی است که در تدریس اصول فقه ، یگانه عصر خود بود ونسبت به مشروطه و انقلاب سیاسی ایران کمک شایانی نمود .

2- .حماسه حسینی : ج 1 ص 56 .

3- .مفتاح الجنان در ادعیه و اعمال روزها و ماه ها و زیارت ها و برخی وردها و ختومات که بارها چاپ شده و مؤلفش ناشناخته است ، برخی مطالب را آورده که سندش مشخص نیست ، بلکه مطالبی دارد که قطعاً سند ندارند (الذریعه : ج 21 ص 324 ش 5294) .

4- .لؤلؤ و مرجان : ص 164 .

3 . گزارش های ذلّت بار

اشاره

بسیاری از مطالب بی اساس و دروغ که موجب وهن اهل بیت علیهم السلام است و متأسفانه به عنوان مرثیه مطرح می گردد ریشه در منابع غیر معتبر دارد ، و از این رو منبع شناسی (1) در کنار اخلاص نخستین شرط ذاکران و مرثیه سرایان راستین تاریخ خونبار عاشورا است و کسانی که فاقد این شرط باشند ، شایستگی برای ذکر مصیبت اهل بیت علیهم السلام ندارند : شخصی در شهر کرمانشاه خدمت عالم کامل جامع فریدی ، آقا محمدعلی صاحب مقامع و غیره - قدس سره - رسیده و عرض کرد : در خواب می بینم به دندان خود گوشت بدن مبارک حضرت سید الشهداء علیه السلام را می کَنَم ! آقا او را نمی شناخت ، سر به زیر انداخت و متفکر شد ، پس به او فرمود : شاید روضه خوانی می کنی ؟ ! عرض کرد : بلی . فرمود : یا ترک کن یا از کتب معتبره نقل کن . (2)

3 . گزارش های ذلّت بارحسین بن علی علیه السلام مظهر عزّت الهی و عاشورا جلوگاه حماسه و عزّت حسینی ، و شعار دشمن شکن «هیهات منّا الذّلّه» میراث گرانبهای اوست ، در منابع معتبر گزارش شده که آن حضرت ضمن یک سخنرانی حماسی در روز عاشورا خطاب به سپاه دشمن فرمود :ألا وإنَّ الدَّعِیَّ ابنَ الدَّعِیِّ قَد رَکَزَ بَینَ اثنَتَینِ ، بَینَ السِّلَّهِ وَالذِّلَّهِ ،

.

1- .برای آشنایی با منابع معتبر و غیر معتبر تاریخ عاشورا مراجعه کنید به کتابهایی چون : معرفی و نقد منابع عاشورا ، عاشورا پژوهی ، کتاب شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام . نیز ، ر . ک : فصل پنجم : کتاب شناسی تاریخ عاشورا و عزاداری .

2- .لؤلؤ و مرجان : ص 253 - 254 .

وهَيهاتَ مِنّا الذِّلَّهُ ، يَأبَى اللَّهُ لَنا ذلِکَ ورَسولُهُ وَالمُؤمِنونَ ، وحُجورٌ طابَت ، وحُجورٌ طَهُرَت ، واُنوفٌ حَمِيَّهٌ ونُفوسٌ أبِيَّهٌ ، مِن أن تُؤثَرَ طاعَهُ اللِّئامِ عَلى مَصارِعِ الکِرامِ .(1) هان ! خوانده شده ، پسر خوانده شده ، مرا میان دو چیز قرار داده است : شمشیر و خواری . خواری از ما دور است و خداوند ، آن را برای ما نمی پذیرد ، و نیز پیامبرش و مؤمنان و دامن هایی پاک و پاکیزه و جان هایی غیرتمند و خوددار که اطاعت از لئیمان را بر مرگی کریمانه ، مقدّم نمی دارند . و نیز در پاسخ به کسانی که به او گفتند :لا نُخَلّیکَ حَتّی تَضَعَ یَدَکَ فی یَدِ عُبَیدِ اللَّهِ بنِ زِیادٍ . تو را رها نخواهیم ساخت تا دست در دست عبید اللّه بن زیاد نگذاری . فرمود :لا وَاللَّهِ ، لا اُعطی بِیَدی إعطاءَ الذَّلیلِ ، ولا أفِرُّ فِرارَ العَبیدِ ، (إِنِّی عُذْتُ بِرَبِّی وَ رَبِّکُمْ أَن تَرْجُمُونِ)(2)(إِنِّی عُذْتُ بِرَبِّی وَ رَبِّکُم مِّن کُلِّ ّ مُتَکَبِّرٍ لَّا یُؤْمِنُ بِیَوْمِ الْحِسَابِ) (3) .(4)

.

1- .الملهوف : ص 155 ، الاحتجاج : ج 2 ص 97. نیز ، ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : بخش هفتم / فصل دوم : احتجاج های امام در برابر سپاه کوفه .

2- .دخان : آیه 20 .

3- .غافر : آیه 27 .

4- .مثیر الأحزان : ص 51. نیز ، ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : بخش دوم / فصل چهارم : شایستگی های مکارم اخلاقی امام حسین علیه السلام / عزت نفس .

نه به خدا سوگند که نه بسان ذلت زدگان ، دست ذلت به دست خود کامگان خواهم داد و نه بسان بردگان پا به فرار خواهم نهاد (من به پروردگار خویش وپروردگار شما پناه می برم از اینکه مرا سنگباران نمایید) . (من از شرارت هر عنصر حق ناپذیر ومتکبری که به روز حساب ایمان نمی آورد به پروردگار خود وشما پناه می برم) . بنا بر این هر گزارشی از تاریخ عاشورا که حاکی از پذیرش ذلت توسط آن حضرت است ، دروغ و ساخته و پرداخته دشمنان اوست مانند آن چه گزارش شده که فرموده :اِختاروا مِنّی خِصالاً ثَلاثاً : إمّا أن أرجِعَ إلَی المَکانِ الَّذی أقبَلتُ مِنهُ ، وإمّا أن أضَعَ یَدی فی یَدِ یَزیدَ بنِ مُعاوِیَهَ ، فَیَری فیما بَینی وبَینَهُ رَأیَهُ ، وإمّا أن تُسَیِّرونی إلی أیِّ ثَغرٍ مِن ثُغورِ المُسلِمینَ شِئتُم ، فَأَکونَ رَجُلاً مِن أهلِهِ ، لی ما لَهُم ، وعَلَیَّ ما عَلَیهِم .(1) یکی از سه پیشنهاد مرا بپذیرید:یا به همان جایی که از آنجا آمده ام بازگردم و یا دستم را در دست یزید بن معاویه بگذارم و میان من و خود حکم کند و یا مرا به هر یک از مرزهای مسلمانان که می خواهید بفرستید و من هم مانند یکی از ساکنان همانجا شوم با همان وظایف و حقوق. یا آن چه کتاب نور العین به آن حضرت نسبت داده که وقتی شمر

.

1- .تاریخ الطبری : ج 5 ص 413. نیز ، ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : فصل یکم : دیدار امام و ابن سعد میان دو لشکر .

چرا ذلت فرزندم حسین را خواندی ؟!

می خواست آن حضرت را به قتل برساند ، فرمود :إذاً ولا بُدَّ مِن قَتلی فَاسقِنی شَربَةَ ماءٍ ، فَقالَ : هَیهاتَ أن تَذوقَ الماءَ! بَل تَذوقُ المَوتَ غُصَّةً بَعدَ غُصَّهٍ ، وجُرعَةً بَعدَ جُرعَهٍ .(1) بنابراین ، حال که کشتنم قطعی است ، پس جرعه ای آب به من بده . او گفت : هرگز اگر قطره ای آب بچشی! بلکه مرگ را به صورت گلوگیر و جرعه جرعه ای می چشی . این گونه گزارش ها علاوه بر این که با محکمات تاریخ عاشورا و موضع گیری های امام در طول زندگی افتخارآمیز او ، منافات دارد ، مخالف اصول باورهای شیعه در مورد جایگاه والای خاندان رسول خدا صلی اللّه علیه و آله است . و بر این اساس یکی از آفات مجالس عزاداری سید الشهداء مرثیه سرایی ذلت آمیز برای آن حضرت است ، و بر ذاکران مخلص اهل بیت علیهم السلام فرض است که از هر سخن و تعبیری که حاکی از اظهار ذلت آن بزرگوار و یا اهل بیت ایشان در حادثه عاشورا باشد ، جدّاً اجتناب کنند . در این باره محدّث نوری در کتاب لؤلؤ و مرجان رؤیای صادقه ای را از روضه خوان معروفی بدون ذکر نام نقل کرده که حقیقتاً تکان دهنده است !

چرا ذلت فرزندم حسین را خواندی ؟!«سید فاضلی از معتبرین روضه خوانان ، شبی در خواب دید که : گویا

.

1- .نور العین ، اسفراینی : ص 50 .

قیامت برپا شده و خلق در نهایت وحشت و حیرت ، و هر کس به حال خود مشغول ، و ملائکه ایشان را می رانند به سوی حساب ، و با هر تنی دو موکل بود . من چون این داهیه را دیدم در اندیشه عاقبت خود که با این بزرگی امر به کجا خواهد کشید ؟ در این حال دو نفر از آن جماعت مرا امر نمودند به حضور در محضر خاتم النبیین صلی اللّه علیه و آله ، چون مآل کار خطرناک بود مسامحه کردم ، قهراً مرا کشاندند ، یکی در پیش ، دیگری در عقب و من در وسط . هراسان و ترسناک سیر می کردیم که دیدم عماری بسیار بزرگی بر دوش جماعتی از طرف راست راه می روند ، با الهام الهی دانستم که در آن عماری سیده زنان عالم است - صلوات اللّه علیها - و چون به عماری نزدیک شدم فرصت را غنیمت دانسته از دست موکلان فرار و خود را به زیر عماری رساندم . آن را قلعه ای محکم و محل منیعی دیدم که پیش از من جمعی از گناه کاران به آنجا پناه برده بودند ، و موکلین را دیدم از عماری دور و قدرت بر نزدیک شدن به عماری ، ندارند و به همان اندازه دوری با ما سیر می کنند و به اشاره التماس کردند برگردیم ، قبول نکردیم ، آن گاه به اشاره ما را تهدید کردند ، چون تکیه گاه خود را محکم دیدیم ما نیز ایشان را تهدید می کردیم . و با همین قوت قلب سیر می کردیم که ناگاه رسولی از جانب رسول خدا صلی اللّه علیه و آله رسید و به آن معظمه از جانب آن جناب گفت که : جمعی از گناهکاران امت به تو پناه آورده اند ، ایشان را روانه کن که به حساب ایشان برسیم ، پس آن مخدره اشاره فرمود که موکلان از هر

.

طرف رسیدند و ما را به موقف حساب کشاندند . در آنجا منبری دیدیم بسیار بلند که پله های زیادی داشت و سید انبیاء صلی اللّه علیه و آله بر بالای آن نشسته و امیرالمؤمنین علیه السلام بر پله اول آن ایستاده و مشغول است به رسیدن حساب خلایق . و آنها در پیش روی آن حضرت صف کشیده ، چون نوبت حساب به من رسید مرا مخاطب کرد و به نحو سرزنش و توبیخ فرمود : «چرا ذلت فرزندم حسین را خواندی و او را به مذلت و خواری نسبت دادی ؟» . پس در جواب متحیر شدم و جز انکار چاره ای ندیدم ، پس منکر شدم که نخواندم . پس دیدم دردی به بازویم رسید گویا میخ آهنی در آن فرو رفته ملتفت شدم به طرف خود مردی را ، دیدم که در کفش طوماریست ، آن را به من داد ، گشودم دیدم صورت مجالس من در آن بود و در هر جا و هر وقت و هر چه خوانده بودم در آن ثبت شده بود و از آن جمله همان فقره که از من سؤال کردند . پس حیله دیگر به خاطرم آمد ، گفتم : مجلسی رحمه اللّه علیه آن را در جلد دهم بحار ذکر کرده ، پس به یکی از خدام حاضرین فرمود : برو از مجلسی آن کتاب را بگیر ، پس ملتفت شدم دیدم از طرف راست منبر صفوف بسیار است که اول آن جنب منبر و آخر آن خدای داند که به کجا منتهی می شود و هر عالمی مؤلفاتش در پیش رویش گذاشته ، شخص اول در صف اول مرحوم مجلسی است . چون رسول حضرت پیغام را به او رساند در میان کتب آن کتاب را برداشت به او داد ، گرفت آورد . اشاره فرمود به من دهد ، گرفتم و در بحر تحیر فرو

.

4 . غلوّ

رفتم ؛ زیرا که غرض از آن حیله و افتراء خلاصی از آن مهلکه بود . پس پاره ای اوراق آن را بیهوده به هم زدم ، در آن حال حیله دیگر به خاطرم آمد ، پس گفتم : آن را در مقتل حاجی ملا هادی برغانی دیدم ، باز به خادمی فرمود : برو به او بگو کتاب را بیاورد ، و رفت و گفت : در صف ششم یا هفتم شخص ششم یا هفتم حاجی مذکور بود ، کتاب را خود برداشت و آورد . پس امر فرمود آن فقره را در آن کتاب پیدا کنم ، دو مرتبه خوف برگشت و مضطرب شدم و راه چاره از هر طرف بسته شد ، بیهوده مشغول بر گرداندن اوراق بودم با قلب هراسان . تا آن که می گوید : چون از خواب بیدار شد جماعتی از اهل صنف خود را جمع کرد و آنچه در خواب دیده بود نقل نمود و گفت : اما من پس در خود قوه اقامه شروط روضه خوانی را نمی بینم ، آن را ترک می کنم و هر که مرا تصدیق می کند سزاوار است او نیز دست از آن بکشد . با آنکه سالیانه مبالغ خطیری از این راه به او می رسید از آن چشم پوشیده دست از روضه خوانی کشید» .(1)

4 . غلوّگزارش های ذلت بار ، پایین آوردن و غلوّ بالاتر بردن اهل بیت علیهم السلام از جایگاه واقعی آنها است که متأسفانه ، هر دو آفت در برخی مجالس

.

1- .لؤلؤ و مرجان : ص 270 - 272 .

مرثیه سرایی مشاهده می شود . شیخ المحدثین ، ابن بابویه روایتی را از امام رضا علیه السلام نقل کرده که دلالت دارد بر این که غلوّ یک توطئه حساب شده دشمنان اهل بیت علیهم السلام برای بدبین کردن مردم به آنان و منزوی کردن خاندان رسالت بوده است ، متن سخن امام این است :إنَّ مُخالِفینا وَضَعوا أخباراً فی فَضائِلِنا وجَعَلوها عَلی ثَلاثَهِ أقسامٍ : أحَدُهَا الغُلُوُّ ، وثانیهَا التَّقصیرُ فی أمرِنا ، وثالِثُها التَّصریحُ بِمَثالِبِ أعدائِنا ؛ فَإِذا سَمِعَ النّاسُ الغُلُوَّ فینا كَفَّروا شیعَتَنا ونَسَبوهُم إلی القَولِ بِرُبوبِیَّتِنا ، وإذا سَمِعُوا التَّقصیرَ اعتَقَدوهُ فینا ، وإذا سَمِعوا مَثالِبَ أعداءِنا بِأَسمائِهِم ثَلَبونا بِأَسمائِنا . (1) مخالفین ما سه نوع خبر در فضایل ما جعل کرده اند : 1 - غلو ، 2 - کوتاهی در حق ما ، 3 - تصریح به بدی های دشمنان ما ودشنام به آنان. وقتی مردم اخبار غلو را می شنوند، شیعیان ما را تکفیر می کنند ومی گویند: شیعه قائل به ربوبیت ما می باشد ووقتی کوتاهی در حق ما را می شنوند به آن معتقد می شوند ووقتی بدی های دشمنان ما را می شنوند ما را دشنام می دهند. بنا بر این ، کسانی که در مجالس عزاداری ، اهل بیت علیهم السلام را جایگزین خدا می کنند و به جای خدا محور کردن مجالس امام حسین علیه السلام و پیوند دادن دل ها به خدا از طریق اهل بیت که ابواب الهی

.

1- .عیون أخبار الرضا علیه السلام : ج 1 ص 304 ح 63 ، بشاره المصطفی : ص 221 ، بحار الأنوار : ج 26 ص 239 ح 1 .

5 . دروغ

اشاره

هستند ، مردم را به «حسین اللهی» شدن و «زینب اللهی» گردیدن دعوت می نمایند و یا برای بزرگداشت اهل بیت ، انبیاء بزرگ الهی را کوچک جلوه می دهند ، آگاهانه یا ناخودآگاه ، در خدمت اهداف دشمنان اهل بیت قرار گرفته اند و سید الشهدا از آنان بیزار است .(1)

5 . دروغ زشت ترین و خطرناک ترین دروغ ها(2) ، دروغ بستن به خدا و پیامبر خدا و اهل بیت است که از گناهان کبیره شمرده شده و موجب بطلان روزه می گردد .(3) مرثیه سرایانی که بدون حجت شرعی ، سخنی را به خدا و اهل بیت نسبت می دهند نه تنها خادم و ذاکر امام حسین علیه السلام نیستند بلکه باید بدانند که کار آنها گناه کبیره است . حقیقتاً برای بسیاری از مردم باور کردن این معنا سخت است که روضه خوانی دروغ مرثیه سرایی کند ، ولی با کمال تأسف باید به این واقعیت تلخ اعتراف کرد ، بلکه برای این مصیبت بزرگی که تاریخ عاشورا بدان مبتلا گردیده باید بیش از مصیبت عاشورا گریست ، چرا که این مصیبت پامال کردن نهضت مقدس حسینی است !

.

1- .برای آگاهی بیشتر درباره خطر غلو درباره اهل بیت مراجعه کنید به کتاب اهل بیت علیهم السلام در قرآن و حدیث : بخش سیزدهم : غلوّ درباره اهل بیت .
2- .برای آشنایی با اقسام دروغ مراجعه کنید به کتاب لؤلؤ و مرجان : «مقام چهارم» .
3- .الکافی : ج 2 ص 340 ح 9 .

دروغ در مرثیه سرایی در دوران گذشته

برای توضیح این اجمال ، علاقمندان می توانند به کتاب لؤلؤ و مرجان که توسط محدّث نوری در سال 1319 هجری قمری تألیف شده و کتاب حماسه حسینی اثر استاد شهید مطهری مراجعه کنند . و اینک نگاهی کوتاه به این دو کتاب از این منظر :

دروغ در مرثیه سرایی در دوران گذشته می توان گفت از موقعی که کتاب روضه الشهداء نوشته شد یعنی حدود سال نهصد هجری آسیب دروغ وارد عرصه مرثیه سرایی گردید ، و به تدریج این آفت گسترش یافت به گونه ای که در اوایل قرن چهاردهم محدّث نوری از گسترش این آفت احساس خطر کرد و به پیشنهاد یکی از علمای هندوستان اقدام به نوشتن کتاب لؤلؤ و مرجان کرد(1) . وی درباره انگیزه نوشتن این کتاب در آغاز آن می گوید : جناب العالم العامل الجلیل الفاضل الکامل ... سید محمّد مرتضی جونپوری هندی - ایده اللَّه تعالی - مکرر از آنجا به حقیر شکایت از ذاکرین و روضه خوانان آن صوب کرده که در گفتن دروغ حریص و بی باک[اند]و اصرار تام در نشر اکاذیب و مجعولات دارند ، بلکه نزدیک به آن رسیده که آن را جایز دانند و مباح شمارند ، چون سبب گریانیدن مؤمنین است از دائره عصیان و قبح او را بیرون دانند ! و امر

.

1- .استاد مطهری درباره این کتاب می گوید : «با این که کتاب کوچکی است ولی فوق العاده خوب است ... خیال نمی کنم در هیچ کتابی درباره دروغ و انواع آن به اندازه این کتاب بحث شده باشد و شاید نظیر این کتاب در دنیا وجود ندارد» (حماسه حسینی : ج 1 ص 19) .

نمونه هایی از روضه های دروغ از نگاه محدث نوری

اشاره

فرمود که چند کلمه در این باب به طریق موعظه و مجادله حسنه نوشته ، شاید سبب تنبه و دست برداشتن از این قبایح شود . ظاهراً جناب ایشان گمان دارند که در عتبات عالیات و بلاد مقدسه ایران این طایفه از این غائله آسوده و دامن عفت ایشان به لوث کذب و افترا آلوده نیست و این خرابی دینی منحصر است در همان بلاد ، غافل از آن که نشر خرابی از سرچشمه در هر جا منتشر شده منتهی به مرکز علم و حوزه اهل شرع اعتاب عالیه است ؛ چه اگر اهل علم مسامحه نمی کردند و مراقب تمیز صحیح و سقیم و صدق و کذب گفتار این طایفه می شدند و از گفتن اکاذیب نهی می کردند کار خرابی به اینجا نمی رسید .(1) محدث نوری در بخشی دیگر از کتاب لؤلؤ و مرجان می گوید : سکوت متمکنین سبب تجرّی و بی مبالاتی این طایفه بی انصاف شده حتی در حرم های شریفه و روضات متبرکه ، خصوص ، حرم صاحب عزا حضرت سید الشهداء - روحنا و روح العالمین له الفداء - در غالب اوقات ، سیّما در اسحار که موسم گریه و ناله و استغفار است به اقسام دروغ های عجیبه و گاهی به آوازهای مطربه ، آن محضر انوار را تاریک نمایند .(2)

نمونه هایی از روضه های دروغ از نگاه محدث نوری اینک به چند نمونه از مرثیه سرایی های دروغین که محدث نوری در

.

1- .لؤلؤ و مرجان : ص 4 .
2- .لؤلؤ و مرجان : ص 321 .

1 . اضافات داستان آمدن طبیب برای معالجه امام علی علیه السلام در بستر شهادت

کتاب «لؤلؤ و مرجان» آورده توجه فرمایید :

1 . اضافات داستان آمدن طبیب برای معالجه امام علی علیه السلام در بسترشهادت نقل کنند از حبیب بن عمرو که رفت خدمت امیر المؤمنین علیه السلام بعد از رسیدن ضربت به فرق مبارکش ، و اشراف و رؤساء قبایل و شرطه الخمیس در محضر انورش بودند . می گوید : وما مِنهُم أحَدٌ إلّا ودَمعُ عَینَیهِ یَتَرَقرَقُ عَلی سَوادِها حُزناً عَلی أمیرِ المُؤمِنینَ علیه السلام . یکایک آنها بر اندوه بر امیرالمؤمنین چشمانشان آکنده از اشک شد . و به فرزندان آن جناب نظر کردم که سرها را به زیر انداخته وما تَنَفَّسَ مِنهُم مُتَنَفِّسٌ إلّا وظَنَنتُ أنَّ شَطایا قَلبِهِ تَخرُجُ مِن أنفاسِهِ . کسی از آنها نبود مگر این که گمان بردم که پاره های قلبش با نفس هایش بیرون می آید . می گوید : اطبا را جمع کردند و اثیر بن عمر ریه گوسفند را باد کرد و داخل آن جراحت کرد و بیرون آورد . دید به مغز سر آلوده است . حاضرین پرسیدند : فَخَرِسَ وتَلَجلَجَ لِسانُهُ ؛ به لکنت افتاد و زبانش بند آمد . مردم فهمیدند و مأیوس شدند ، پس سرها به زیر انداخته آهسته می گریستند از ترس آنکه زنان بشنوند ، جز اصبغ بن نباته که طاقت نیاورد و نتوانست خودداری کند «دُونَ أنْ شَرِقَ بِعَبرَتِهِ» بلند گریست . پس حضرت چشم باز کرد . و بعد از کلماتی حبیب می گوید :

.

گفتم : یا أبَا الحَسَنِ ، لا یَهولَنَّکَ ماتَری ، وإنَّ جُرحَکَ غَیرُ ضائِرٍ ، فَإِنَّ البَرَدَ لا یُزیلُ الجَبَلَ الأَصَمَّ ، ونَفحَهَ الهَجیرِ لا یُجَفِّفُ البَحرَ الخِضَمَّ ، وَالصِّلَّ یَقوی إذَا ارتَعَشَ ، وَاللَّیثَ یَضری إذا خُدِشَ . ای ابوالحسن ، آنچه می بینی ، تو را به هراس نیندازد ، جراحتت آسیبی به تو نمی زند .تگرگ صخره را از جا نمی کند وباد گرم نیمروزی ، اقیانوس را نمی خشکاند . بچه افعی آن گاه نیرومند می شود که مرتعش شود و شیر آن گاه خطرناک می شود که زخمی شود . بعد حضرت جوابی داد و ام کلثوم شنید و گریست . حضرت او را خواست، داخل شد خدمت پدر بزرگوارش . و ظاهر این نقل چنین است که در حضور همه آن جماعت آمد و عرض کرد : أنتَ شَمسُ الطّالِبِیّینَ ، وقَمَرُ الهاشِمِیّینَ، دَسّاسُ کُثُبِهَا المُتَرَصِّدُ ، وأرقَمُ أجِمَّتِها المُتَفَقِّدُ ، عِزُّنا إذا شاهَتِ الوُجوهُ ذُلاًّ، جَمعُنا إذَا المَوکِبُ الکَثیرُ قَلّا ... . تو خورشید خاندان طالب ، و ماه بنی هاشمی ، اژدهایی هستی که در کمین نشسته و مار سهمگینی که مخفی وآماده حمله است، تو عزت مایی وقتی چهره ها از خواری سر افکنده می شوند، تو مایه وحدت و کثرت مایی هنگام کمی ها .تاآخر این خبر مسجع مقفی که از شنیدنش نفس محظوظ می شود و

.

2 . آب آوردن ابا الفضل برای سید الشهدا در کودکی !

لکن صد حیف که اصل ندارد . و در اصل شریف ثقه جلیل عاصم بن حمید خبر عمرو و آمدن جراح را دارد ، ابداً از این کلمات در آن چیزی یافت نمی شود .(1) و همچنین ابو الفرج در مقاتل الطالبیین (2) معالجه اثیر بن عمر را ذکر کرده بدون این شرح و حواشی .(3)

2 . آب آوردن ابا الفضل برای سید الشهدا در کودکی !نمونه دیگری از دروغ در مرثیه سرایی ، داستانی است که محدث نوری آن را در کتاب خود به عنوان نمونه دیگر از دروغ پردازی آورده و شهید مطهری هم می گوید من آن را مکرر شنیده ام و آن داستان ساختگی این است : روزی امیرالمؤمنین علیه السلام در بالای منبر خطبه می خواند ، حضرت سید الشهداء علیه السلام تشنه شد ، آب خواست ، حضرت به قنبر امر فرمود : آب بیاور ، عباس در آن وقت طفل بود ، چون شنید تشنگی برادر را دوید نزد مادر و آب برای برادر گرفت در جامی و آن را بر سر گذاشت و آب از اطراف می ریخت ، به همین قسم وارد مسجد [شد] ، چشم پدر بر او افتاد گریست و فرمود : امروز چنین و روز عاشورا چنان ، و قدری از مصائب او ذکر نمود الخ .(4)

.

1- .ر . ک : الأُصول السته عشر (اصل عاصم بن حمید) : ص 178 ح 140 .
2- .ر . ک : مقاتل الطالبیین : ص 51 .
3- .لؤلؤ و مرجان : ص 260 - 262 .
4- .لؤلؤ و مرجان : ص 299 .

3 . پیمان گرفتن زینب علیها السلام از حبیب بن مظاهر

محدث نوری پس از اشاره به این داستان دروغ ، در تبیین مجعول بودن آن می گوید : «این قصه البته در کوفه بود و اگر در مدینه بود باید اول خلافت آن حضرت باشد ؛ زیرا که قبل از آن مسجد و منبری برای آن حضرت نبود . عمر شریف حضرت ابی عبد اللّٰه علیه السلام در آن زمان زیاده از سی سال بود ، اظهار تشنگی کردن در آن مجلس عام و تکلم کردن در اثناء خطبه مکروه است یا حرام ، با مقام امامت بلکه با اول درجه عدالت بلکه با رسوم متعارفه انسانیت مناسبتی ندارد» . (1) محدث نوری در ادامه برای توضیح بیشتر دروغ بودن این داستان می افزاید که : از آنجا که دروغگو حافظه ندارد ، جاعل این داستان از یک سو حضرت اباالفضل را کودکی خردسال معرفی می کند و از سویی می گوید : در جنگ صفین که دو سه سال پس از این واقعه بوده ، وی هشتاد نفر را به هوا پرتاب می کرد به گونه ای که وقتی نفر هشتادم را به هوا پرتاب کرد هنوز اولی برنگشته بود و هر کدام بر می گشت با شمشیر او را دو حصه می نمود(2) !

3 . پیمان گرفتن زینب علیها السلام از حبیب بن مظاهرنمونه ای دیگر از گزارش های دروغ این که می گویند : جناب زینب علیها السلام در شب عاشورا به جهت همّ و غم و خوف از اعداء در میان خیمه ها سیر می کرد برای استخبار حال اقربا و انصار ،

.

1- .همان .
2- .ر . ک : لؤلؤ و مرجان : ص 299 - 300 .

دید حبیب بن مظاهر اصحاب را در خیمه خود جمع کرده و از آنها عهد می گیرد که فردا نگذارند احدی از بنی هاشم قبل از ایشان به میدان بروند به شرحی طولانی ، آن مخدره مسروراً آمد پشت خیمه ابوالفضل ، دید آن جناب نیز بنی هاشم را جمع کرده و به همان قسم از ایشان عهد می گیرد که نگذارند احدی از انصار پیش از ایشان به میدان رود . مخدره مسرور خدمت حضرت رسید و تبسم کرد ، حضرت از تبسم او تعجب کرد و سبب پرسید ، آنچه دید عرض کرد ... تا آخر خبر که واضعش را در این فن مهارتی بود تمام .(1)

4 . احوال پرسی امام حسین علیه السلام از زین العابدین علیه السلام در روز عاشورانقل کنند با سوز و گداز که در روز عاشورا بعد ازشهادتاهل بیت و اصحاب ، حضرت به بالین امام زین العابدین علیه السلام آمد ، پس از پدر حال معامله آن جناب را با اعدا پرسید ، خبر داد که به جنگ کشید ، پس جمعی از اصحاب را اسم برد و از حال آنها پرسید ، در جواب فرمود : قتل قتل تا رسید به بنی هاشم و از حال جناب علی اکبر و ابوالفضل سؤال کرد ، به همان قسم جواب داد و فرمود : بدان در میان خیمه ها غیر از من و تو مردی نمانده . خلاصه این قصه است و حواشی بسیار دارد و صریح است در آنکه آن جناب از اول مقاتله تا وقت مبارزت پدر بزرگوارش ابداً از

.

1- .همان : ص 264. نیز، ر.ک : معالی السبطین : ج 1 ص 209 .

6 . داستان عروسی حضرت قاسم

حال اقرباء و انصار و میدان جنگ خبری نداشت .(1)

5 . داستان اسب امام حسین علیه السلام خبر عجیب که متضمن است طلب کردن حضرت هنگام عزم رفتن به میدان ، اسب سواری را ، و کسی نبود آن را حاضر کند ، پس مخدره زینب رفت و آورد و آن حضرت را سوار کرد بر حسب تعدد منابر ، مکالمات بسیار بین برادر و خواهر ذکر می شود و مضامین آن در ضمن اشعار عربی و فارسی نیز در آمده و مجالس را با آن رونق دهند و به شور در آرند و الحق جای گریستن است اما نه بر این مصیبت بی اصل ، بلکه در گفتن چنین دروغ واضح و افترا بر امام علیه السلام در بالای منابر و نهی نکردن آنان که متمکنند از نهی کردن به جهت بی اطلاعی یا ملاحظه عدم نقص در بعضی شئونات .(2)

6 . داستان عروسی حضرت قاسم به گفته محدث نوری اولین کسی که این داستان را نوشت ملا حسین کاشفی در کتاب روضه الشهداء است (3) و همان طور که استاد مطهری فرموده اصل داستان صد در صد دروغ است (4) ، چگونه می توان به امام

.

1- .همان : ص 264 - 265. نیز، ر.ک : الدمعه الساکبه : ج 4 ص 351 .
2- .همان : ص 267 .
3- .همان : ص 288. نیز، ر.ک : روضه الشهداء : ص 321-329 .
4- .حماسه حسینی : ج 1 ص 28 .

نسبت داد که در هنگام نبرد با دشمن و در حالی که مجال نماز خواندن هم به امام و یارانش داده نمی شود امام بگوید آرزو دارم عروسی دخترم را ببینم و در همین جا دخترم را برای پسر برادرم عقد می کنم و مراسم عروسی برپا می کنم ؟!

7 . نسبت دادن شعر ابو الحسن تهامی به امام حسین علیه السلام ابو الحسن تهامی (م 416) قصیده ای در رثاء فرزندش سروده که ضمن آن آورده :یا کَوکباً ما کانَ أقصَرَ عُمرَهُ وَکَذا تَکونُ کَواکِبُ الأَسحارِ(1)ای ستاره ای که چه عمر کوتاهی داشت آری ! چنین اند ستارگان سحری محدث نوری می گوید که این شعر را در بالای منبر با صراحت به امام حسین علیه السلام نسبت می دهند که در بالای سر حضرت علی اکبر خواند و خود در بعضی از کتابهای بافته جدید دیدم که در قصهشهادتعلی اکبر به آن حضرت نسبت داده با چند بیت دیگر از آن قصیده .(2)

8 . آمدن زینب علیها السلام به بالین برادر در قتلگاه برخی از مرثیه سرایان به حضرت زینب چنین نسبت داده اند که در آخرین لحظات امام به بالین حضرت آمد و چنین کرد : ورَأَتهُ یَجودُ بِنَفسِهِ ، ورَمَت بِنَفسِها عَلَیهِ وهِیَ تَقولُ : أنتَ أخی ، أنتَ رَجانا ، أنتَ کَهفُنا ، أنتَ حِمانا ، الخ . و ایشان را دید که در حال جان دادن بود ، خود را به روی او انداخت و چنین می گفت : تو برادر منی ، تو امید و پناه گاه ما و امان مایی . محدث نوری این داستان را هم یکی از دروغ های مرثیه سرایان شمرده است .(3)

.

1- .الدر النضید : ص 189 .
2- .لؤلؤ و مرجان : ص 298 - 299 .
3- .همان : ص 268. نیز، ر.ک : تظلم الزهراء : ص 131 و معالی السبطین : ج 2 ص 22 .

اشاره

9 . اسیری در این خانواده نبودخبری است لطیف و متکی بر مقدماتی که احتمال دروغ را از ذهن سامعین محو کند و سند را به ابوحمزه ثمالی بیچاره منتهی کنند که روزی آمد در خانه حضرت امام زین العابدین علیه السلام و در را کوبید ، کنیزکی آمد ، چون فهمید ابو حمزه است خدای را حمد کرد که او را رساند که حضرت را تسلی دهد ، چون امروز دو مرتبه بیهوش شدند ، پس داخل شد و تسلی داد به اینکهشهادتدر این خانواده عادت و موروثی است ، جد و عم و پدر و عم پدر همه شهید شدند . در جواب او را تصدیق نمودند و فرمودند : و لکن اسیری در این خانواده نبود ، آنگاه شمه ای از حالت اسیری عمه ها و خواهران بیان کردند !(1)

10 . چگونگی حضور امام صادق علیه السلام در مجلس عزاداری داستان مجعول دیگری را محدث نوری خلاصه آن را از مرثیه سرایان

.

1- .همان .

دروغ در مرثیه سرایی در عصر حاضر

اشاره

نقل می کند که به گفته ایشان سند آن را به هشام بن حکم مظلوم می رسانند که گفت : روزی بعضی از شیعیان او را دعوت به مجلس عزای جد بزرگوارش کرد ، عذر خواست که باید در آن محضر حاضر باشم . گفت : رخصت بگیر . گفت : نشود که اسم این مطلب را در حضورش برد که طاقت ندارد . گفت : بی اذن بیا ، گفت : روز بعد که مشرف شدم جویا می شوم ، نتوانم راست گفت . بالاخره او را برد ، بعد از آن مشرف شد . حضرت جویا شد ، بعد از تکرار عرض کرد ، فرمود : «گمان داری من در آنجا نبودم (یا در چنین مجالس حاضر نمی شوم)» عرض کرد : جنابت را در آنجا ندیدم . فرمود : «وقتی که از حجره بیرون آمدی در محل کفش ها چیزی ندیدی ؟» عرض کرد : جامه در آنجا افتاده بود . فرمود : «من بودم که عبا بر سر کشیدم و روی زمین افتادم» .(1)

دروغ در مرثیه سرایی در عصر حاضرنمی دانم تلاش های محدث نوری در راه مبارزه با دروغ گویی در مرثیه سرایی تا چه اندازه مؤثر بوده ولی در دوران زندگی ما نیز اگر وضع مرثیه سرایی اسف بارتر از آن چه ایشان توصیف کرده نباشد ، بهتر از آن نیست .

.

1- .همان : ص 269 ، محدث نوری در ادامه این نقل می افزاید : «چون درست حفظ نکردم شاید تحریفی در آن کرده باشم ، خبر مفصل است و بسیار گریه آور ، کاش پایه داشت و احتمال صدق در آن می رفت» .

1 . دعای لیلا برای علی اکبر

«حماسه حسینی» استاد شهید مطهری ، تلاشی است نو برای مبارزه با دروغ پردازی در مرثیه سرایی در دوران معاصر ، استاد ، درباره رواج این آفت در دوران معاصر می گوید : اگر بخواهیم روضه های دروغی را که می خوانند جمع آوری کنیم شاید چند جلد کتاب پانصد صفحه ای بشود ! (1) اینک چند نمونه از مرثیه سرایی های دروغین که علامه مطهری خود در مجلس عزا بوده و شنیده :

1 . دعای لیلا برای علی اکبرداستان مجعول منسوب به امام حسین علیه السلام که هنگامی که علی اکبر به میدان رفت امام به همسرش لیلا فرمود : «برو در خلوت دعا کن برای فرزندت ...» از زمان محدث نوری (2) میان مرثیه سرایان رایج بوده ، استاد مطهری نیز از این داستان به عنوان نمونه دیگر از تحریف وقایع عاشورا یاد می کند و می فرماید : نمونه دیگر از تحریف در وقایع عاشورا که یکی از معروفترین قضایا شده است و حتّی یک تاریخ هم به آن گواهی نمی دهد قصّه لیلا مادر حضرت علی اکبر است . البتّه ایشان مادری به نام لیلا داشته اند ، ولی حتّی یک مورخ نگفته که لیلا در کربلا بوده است . امّا ببینید که

.

1- .حماسه حسینی : ج 1 ص 18 .
2- .لؤلؤ و مرجان : 153 .

2. نذر کردن لیلا برای سلامتی علی اکبر

چقدر ما روضه لیلا و علی اکبر داریم ، روضه آمدن لیلا به بالین علی اکبر . حتّی من در قم ، در مجلسی که به نام آیت اللّه بروجردی تشکیل شده بود که البته خود ایشان در مجلس نبودند ، همین روضه را شنیدم که علی اکبر به میدان رفت ، حضرت به لیلا فرمود که : «از جدّم شنیدم که دعای مادر در حقّ فرزند مستجاب است ، برو در فلان خیمه خلوت موهایت را پریشان کن ، در حقّ فرزندت دعا کن شاید خداوند این فرزند را سالم به ما برگرداند !» اولاً لیلایی در کربلا نبوده که چنین کند . ثانیاً اصلاً این منطق ، منطق حسین نیست . منطق حسین در روز عاشورا ، منطق جانبازی است . تمام مورّخین نوشته اند که هر کس اجازه می خواست ، حضرت به هر نحوی که می شد عذری برایش ذکر کند ، ذکر می کرد ، به جز برای علی اکبر ، فاستأذن فی القتال اباه فأذن له . یعنی تا اجازه خواست ، گفت برو . حال چه شعرها که سروده نشد ! از جمله این شعر که می گوید :خیز ای بابا از این صحرا رویم نک بسوی خیمه لیلا رویم (1)

2. نذر کردن لیلا برای سلامتی علی اکبرنمونه دیگری در همین مورد را که خیلی عجیب است من در همین تهران ، در منزل یکی از علمای بزرگ این شهر ، در چند سال پیش ، از

.

1- .حماسه حسینی : ج 1 ص 25 - 26. نیز، ر.ک : اسرار الشهادات : ج 3 ص 514 .

یکی از اهل منبر که روضه لیلا را می خواند شنیدم و من در آنجا چیزی شنیدم که به عمرم نشنیده بودم . گفت : بعد از اینکه حضرت لیلا رفت در آن خیمه و موهایش را پریشان کرد ، نذر کرد که اگر خدا علی اکبر را سالم به او برگرداند و در کربلا کشته نشود از کربلا تا مدینه را ریحان بکارد . یعنی نذر کرد که سیصد فرسخ راه را ریحان بکارد ! این را گفت و یک مرتبه زد زیر آواز :نَذرٌ عَلَیَّ لَئِن عادوا وإن رَجَعواالَأَزرَعَنَّ طَریقَ التَّفتِ رَیحاناً من نذر کردم که اگر اینها برگردند راه تفت را ریحان بکارم . این شعر عربی بیشتر برای من اسباب شد که این شعر از کجا پیدا شده ؟ بعد به دنبال آن رفتم و گشتم ، دیدم این تفتی که در این شعر آمده کربلا نیست ، بلکه این تفت سرزمین مربوط به داستان لیلی و مجنون معروف است که لیلی در آن سرزمین سکونت می کرده و این شعر مال مجنون عامری است برای لیلی ، و این آدم این شعر را برای لیلا مادر علی اکبر و کربلا می خوانده . تصوّر کنید که اگر یک مسیحی یا یک یهودی یا یک آدم لامذهب آنجا باشد و این قضایا را بشنود ، آیا نخواهد گفت که تاریخ اینها چه مزخرفاتی دارد ؟ آنها که نمی فهمند که این داستان را این شخص از خودش جعل کرده است ، بلکه می گویند - العیاذُ باللّه - زنهای اینها چقدر بی شعور بوده اند که نذر می کردند از کربلا تا مدینه را ریحان بکارند .(1)

.

1- .حماسه حسینی : ج 1 ص 26 - 27 .

3 . داستان پیرزنی که زمان متوکل به زیارت امام حسین علیه السلام می رود

3 . داستان پیرزنی که زمان متوکل به زیارت امام حسین علیه السلام می روداستاد مطهری می گوید : «در ده ، پانزده سال پیش که به اصفهان رفته بودم ، در آنجا مرد بزرگی بود ، مرحوم حاج شیخ محمّد حسن نجف آبادی اعلی اللّه مقامه ، خدمت ایشان رفتم و روضه ای را که تازه در جایی شنیده بودم و تا آن وقت نشنیده بودم ، برای ایشان نقل کردم . کسی که این روضه را می خواند اتفاقاً تریاکی هم بود . این روضه را خواند و بقدری مردم را گریاند که حدّ نداشت . داستان پیرزنی را نقل می کرد که در زمان متوکّل می خواست به زیارت امام حسین برود و آن وقت جلوگیری می کردند و دستها را می بریدند تا اینکه قضیّه را به آنجا رساند که این زن را بردند و در دریا انداختند . در همان حال این زن فریاد کرد : یا ابا الفضل العبّاس ! وقتی داشت غرق می شد سواری آمد و گفت رکاب اسب مرا بگیر . رکابش را گرفت ، گفت : چرا دستت را دراز نمی کنی ؟ گفت : من دست در بدن ندارم ، که مردم خیلی گریه کردند . مرحوم حاج شیخ محمّد حسن تاریخچه این قضیه را این طور نقل کرد که : یک روز در حدود بازار ، حدود مدرسه صدر (جریان ، قبل از ایشان اتّفاق افتاده و ایشان از اشخاص معتبری نقل کردند) مجلس روضه ای بود که از بزرگترین مجالس اصفهان بود و حتّی مرحوم حاج ملّا اسماعیل خواجویی که از علماء بزرگ اصفهان بود در آنجا شرکت داشت . واعظ معروفی می گفت که من آخرین منبری

.

ریشه دروغ در مرثیه سرایی از نگاه محدث نوری

1 . تجویز دروغ در تعزیه !

بودم ، منبری های دیگر می آمدند و هنر خودشان را برای گریاندن مردم اعمال می کردند . هر کس می آمد روی دست دیگری می زد و بعد از منبر خود می نشست تا هنر روضه خوان بعد از خود را ببیند ، تا ظهر طول کشید دیدم هر کس هر هنری داشت بکار برد ، اشک مردم را گرفت . فکر کردم من چه کنم ؟ همانجا این قضیّه را جعل کردم ، رفتم قصّه را گفتم و از همه بالاتر زدم . عصر همان روز رفتم در مجلس دیگری که در چارسوق بود ، دیدم آنکه قبل از من منبر رفته همین داستان را می گوید . کم کم در کتابها نوشتند و چاپ هم کردند !(1) اکنون باید دید که ریشه این دروغ پردازی ها چیست ؟ و چرا عده ای برای گریاندن مردم در مصیبت امام حسین علیه السلام به راحتی بر خدا و رسول و امامان دروغ می بندند و بدین سان تاریخ افتخارآمیز عاشورا را تحریف می کنند .

ریشه دروغ در مرثیه سرایی از نگاه محدث نوری دو عامل عمده ، موجب دروغ پردازی در مرثیه سرایی شده :

1 . تجویز دروغ در تعزیه !خلاصه مطلبی که برای جایز شمردن دروغ در عزاداری برای امام حسین علیه السلام مرحوم نوری از برخی دروغ پردازان نقل کرده این است :

.

1- .حماسه حسینی : ج 1 ص 49 .

احادیثی که توصیه به گریانیدن در مصیبت آن حضرت می کنند مطلق هستند ، بنا بر این هر چه سبب گریه کردن مردم گردد هر چند دروغ باشد ، نیکو است ، و فضای این روایات آن است که آن چه در نکوهش دروغ وارد شده هر چند که در نهایت اعتبار است ولی اختصاص به غیر از ذکر مصیبت ابا عبد اللّٰه دارد !(1) استاد مطهری پس از نقل این مطلب از محدث نوری اضافه می کند : این همان حرفی است که امروزی ها در مکتب «ماکیاول» در آوردند که هدف وسیله را مباح می کند . هدف خوب باشد ، وسیله هر چه شد شد !(2) محدث نوری در پاسخ به این سخن می گوید : به این بیان ، [می]توان بسیاری از معاصی کبیره را مباح بلکه مستحب کرد و برای فساق جاده وسیعی از سوی آن معاصی باز نمود ؛ زیرا که اخبار فضیلت و مدح ادخال سرور در قلب مؤمن و قضای حوایج و اجابت خواهش او و سعی و کوشش در انجاح آن اضعاف اخبار اِبکا است، پس هر فاسقی هر زنی را که دید و خواهش نمود بوسه برویش زند یا... بر زن رواست به مقتضای اخبار استحباب ادخال سرور یا اخبار استحباب قضای حاجت و غیر آنها اجابت نماید و خود را تسلیم کند !... .(3)

.

1- .ر . ک : لؤلؤ و مرجان : ص 272 (تنبیه چهارم) .

2- .حماسه حسینی : ج 1 ص 48 .

3- .لؤلؤ و مرجان : ص 273 - 274 و نیز ، ر . ک : حماسه حسینی : ج 1 ص 49 .

2 . تسامح در ابواب فضایل ، قصص و مصایب

ریشه های اصلیِ دروغ در مرثیه سرایی

اشاره

2 . تسامح در ابواب فضایل ، قصص و مصایب مطلب دیگری که از منظر محدث نوری دومین عامل عمده در دروغ پردازی در مرثیه سرایی است ، تمسک به سیره علما مبنی بر ضبط و نقل روایات ضعیفه در مؤلفات خود و تسامح در ابواب فضایل و قصص و به خصوص مصایب است . ایشان پس از توضیح این شبهه به تفصیل توضیح می دهد که این سخن مغالطه ای بیش نیست و هرگز علمای درستکار که سیرشان در خطوط مستقیمه موازین عدلیه است از کتابی که صاحبش را نشناسند نقل نکنند و نیز از کتابی که مؤلفش بی مبالات و فرقی میان خبر موهون و غیر موهون نگذاشته و در مقام نقل تمیزی برای آنها مقرر نداشته خبری بیرون نیاورند (1). به هر حال تردیدی نیست که تسامح در نقل فضایل ، قصص و مصایب ، مجوز دروغ پردازی و نسبت دادن هر مطلبی که در ابواب و موضوعات یاد شده در هر کتاب یافت ، به اهل بیت علیهم السلام نیست .

ریشه های اصلیِ دروغ در مرثیه سرایی به نظر می رسد آن چه در ریشه یابیِ دروغ پردازی در مرثیه سرایی بدان اشاره شد ، در واقع بهانه دروغ پردازان است ، نه ریشه اصلیِ آن . زیرا هر کس که از کمترین معلومات دینی برخوردار باشد با اندک

.

1- ر . ک : لؤلؤ و مرجان : ص 277 - 302 .

الف - جهل
ب - سوء استفاده از زبان حال

تأمل می داند که اسلام اجازه نمی دهد با دروغ که گناهی کبیره است زمینه گریستن بر امام حسین علیه السلام که مستحب است را فراهم کرد ، یا هر مطلب مکتوب و غیر مکتوبی را بدون بررسی به اهل بیت علیهم السلام نسبت داد . به نظر ما ریشه های دروغ پردازی در مرثیه سرایی امور دیگری است که این گونه بهانه تراشی ها نیز ریشه در آنها دارد ، آن ریشه ها عبارت اند از :

الف - جهل شماری از مرثیه سرایان اگر بدانند آن چه می خوانند دروغ است قطعاً از آن اجتناب می کنند لیکن از آنجا که نه شناخت درستی از تاریخ عاشورا دارند و نه توان و یا حوصله تحقیق و بررسی ، هر مطلبی را در هر کتابی ببینند و یا از دیگری بشنوند ، در صورتی که برای گریاندن مردم مفید تشخیص دهند ، بدون تأمل در صحت و سقم آن ، مورد استفاده قرار می دهند . بنا بر این ، نخستین گام برای اصلاح مرثیه سرایی ، آموزش مرثیه سرایان و زنده کردن روح تحقیق در آنان و همچنین معرفی منابع معتبر و غیر معتبر تاریخ عاشورا به آنها است .

ب - سوء استفاده از زبان حال بهره گیری از زبان حال در مرثیه سرایی با دو شرط بی اشکال ، و در

.

واقع نوعی هنرمندی در ذکر مصیبت است : شرط اول این که : مرثیه سرا ، توان تشخیص حال کسی را که می خواهد زبان حال او را بیان کند داشته باشد ، و این توان در صورتی تحقق می یابد که سراینده زبان حال ، اطلاع کافی از هدف نهضت حسینی ، تاریخ عاشورا ، و خصوصیات روحیِ کسی که حال او را می خواهد بازگو نماید داشته باشد . شرط دوم این که : سخنی را به امام حسین علیه السلام و اهل بیت او نسبت ندهد ، بلکه تصریح کند آن چه می گویم تشخیص من است . متأسفانه بدون در نظر گرفتن دو شرط یاد شده ، بسیاری از مرثیه سرایان مطالبی را خصوصاً به صورت شعر به امام و اهل بیت آن بزرگوار نسبت می دهند که واقعیت ندارد . به نظر می رسد سوء استفاده از زبان حال در مرثیه سرایی یکی از عوامل راه یافتن دروغ به مقتل های مکتوب باشد . از باب نمونه شعر معروف منسوب به امام حسین علیه السلام :إن کانَ دینُ مُحَمَّدٍ لَم یَستَقِم إلّا بِقَتلی یا سُیوفُ خُذینی این شعر البته از نظر مضمون ایرادی ندارد ولی انتساب آن به امام دروغ است ، این سخن بخشی از قصیده ای است از یکی از شعرای عرب به نام شیخ محسن الهویزی ، که در رثاء امام حسین علیه السلام ضمن این ابیات آمده :أعطَیتُ رَبِّیَ مَوثِقاً لا یَنتَهی إلّا بِقَتلی فَاصعَدی وذَرینیإن کانَ دینُ مُحَمَّدٍ لَم یَستَقِم إلّا بِقَتلی یا سُیوفُ خُذینیهذا دَمی فَلتُروَ صادِیَهُ الظُّبامِنهُ وهذا لِلرِّماحِ وَتینی (1)با پروردگارم عهدی بسته ام که انجام نمی شودجز با کشته شدنم ، پس مرا بالا ببر و بیفکناگر دین محمد استوار نماندجز به کشته شدن من ، ای شمشیرها مرا برگیریداین خون من است ، پس شمشیرهایی تشنه از آن سیراب شوندو این رگ گردنم آماده برای نیزه هاست . بدیهی است که شاعر ، این ابیات را به عنوان زبان حال امام گفته ، لیکن به تدریج به عنوان سخن امام رواج یافته است . همچنین ، جمله مشهور منسوب به آن حضرت :إنَّ الحَیاةَ عَقیدَةٌ و جِهادٌ همانا زندگی عقیده و جهاد است . این جمله مصرعی از سروده شاعر متأخر احمد شوقی است و تمام بیت چنین است :قِف دونَ رَأیِکَ فِی الحَیاهِ مُجاهِداًإنَّ الحَیاةَ عَقیدَةٌ وجِهادُ (2)در راه باورت ایستادگی و مجاهدت کن که زندگی ، باور و مجاهدت است

.

1- .ر . ک : مستدرکات اعیان الشیعه : ج 3 ص 191 .

2- .الموسوعه الشوقیه : ج 3 ص 228 .

گفتنی است که این بیت شعار روزنامه «الجهاد» در مصر بوده است .(1)

.

1- .الجهاد نام روزنامه صبح گاهی بوده به سرپرستی محمد توفیق دیاب ، ارگان حزب الوفد مصر که از سال 1931 تا 1938 م منتشر می گردید .

ج - تلاش برای ارائه مصیبتی نو !به صورت شغل در آمدن مرثیه سرایی از یک سو ، و یکنواخت بودن مجالس عزاداری و مستمعان از سویی دیگر به طور طبیعی ایجاب می کند که مرثیه سرایان دائماً در صدد یافتن مصیبتی جدید در باره واقعه کربلا باشند ، و از آنجا که مصایب کربلا محدود است ، تلاش برای دست یابی به مصایب جدید ، زمینه ساز ورود انواع دروغ ها و مطالب سست در عرصه مرثیه سرایی است . برای مبارزه با این خطر باید نوآوری در ارائه مصایبی که در منابع معتبر آمده ، جایگزین تلاش برای یافتن مصایب جدید گردد .

د - دنیاطلبی اصلی ترین و خطرناکترین ریشه های دروغ در مرثیه سرایی ، دنیاطلبی است ، در حدیثی از پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه و آله آمده :حُبُّ الدُّنیا رَأسُ کُلِّ خَطیئَهٍ ، ومِفتاحُ کُلِّ سَیِّئَهٍ ، وسَبَبُ إحباطِ کُلِّ حَسَنَهٍ . (1)

.

1- .إرشاد القلوب: ص 21. نیز، ر.ک: دنیا و آخرت از نگاه قرآن وحدیث: ج 1 ص 382 ح 578.

6 . بدعت در نحوه عزاداری

دنیا دوستی سرآمد هر خطایی و کلید هرگناه و مایه از میان رفتن هر خوبی است . گفتنی است که انواع انگیزه های غیر الهی از مرثیه سرایی ، چه کسب درآمد مادی باشد و چه تحصیل شهرت و محبوبیت و چه غیر آنها ، دنیاطلبی است و تا این ریشه خطرناک علاج نشود ، و تا اخلاص برای مرثیه سرایان حاصل نگردد ، همه تلاش ها برای اصلاح امر مرثیه سرایی عقیم خواهد ماند .

6 . بدعت در نحوه عزاداری آسیب هایی که تاکنون برشمردیم ، آفاتی بود که محتوای مجالس عزاداری سید الشهدا را تهدید می کنند ، اما شماری از آفات مربوط به شکل و چگونگی عزاداری می شوند . از نظر فقهی ، عبادات اعم از واجب و یا مستحب ، توقیفی است ، بدین معنا که اصل عبادت و چگونگی آن باید توسط ادله شرعی اثبات شود ، در غیر این صورت ، عملی که به عنوان عبادت انجام می شود ، بدعت محسوب می گردد و نه تنها مطلوب نیست بلکه ممنوع و محرم است . استحباب عزاداری برای سالار شهیدان بر پایه ادله قطعیه ثابت است و با عنایت به آثار و برکات فردی و اجتماعی آن از بزرگترین عبادات محسوب می گردد ، اما در مورد چگونگی انجام این عبادت ، معیار ، عزاداری های مرسوم در عصر صدور و روایات مربوط به

.

عزاداری است . بلکه می توان گفت : اطلاق این روایات ، شامل انواع عزاداری های مرسوم در اعصار مختلف نیز می گردد ، مشروط به این که آن چه رایج شده صدق عزاداری کند و موجب وهن مکتب اهل بیت و یا همراه با انجام عملی نامشروع نباشد . بنا بر این ، آن چه در شماری از مجالس عزاداری به تدریج مرسوم شده ، مانند : استفاده از ابزار موسیقی ، آهنگ های مبتذل ، تشبه مرد به زن ، و همچنین قمه زدن ، بدعت در عزاداری محسوب می شود . به ویژه قمه زدن که در عصر حاضر موجب تبلیغات سوء بر ضد پیروان اهل بیت و وهن مکتب تشیع است ، رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه اللّٰه خامنه ای در این باره می فرماید : قمه زدن هم از کارهای خلاف است ... نمی شود در مقابل این کار غلط سکوت کرد ، ... کار غلطی است که عده ای قمه به دست بگیرند و به سر خودشان بزنند و خون بریزند . کجای این حرکت عزاداری است ؟! البته ، دست بر سر زدن عزاداری است . شما بارها دیده اید ، کسانی که مصیبتی برایشان پیش می آید ، بر سر و سینه خود می کوبند . این نشانه عزاداری است ، اما شما تا به حال کجا دیده اید که فردی به خاطر رویکرد مصیبت عزیزترین عزیزانش با شمشیر بر مغز خود بکوبد و خون جاری کند ؟ کجای این کار عزاداری است ؟! قمه زدن سنّتی جعلی است . از اموری است که مربوط به دین نیست و بلاشک ، خدا هم از انجام آن راضی نیست ، علمای سلف دستشان بسته بود و نمی توانستند بگویند : «این کار غلط و خلاف است» .

.

امروز روز حاکمیت اسلام است و روز جلوه اسلام است . نباید کاری کنیم که آحاد جامعه اسلامی برتر ، یعنی جامعه محب اهل بیت علیهم السلام که به نام مقدس ولی عصر - ارواحنا فداه - به نام حسین بن علی علیه السلام و به نام امیر المؤمنین علیه السلام مفتخرند در نظر مسلمانان و غیر مسلمانان عالم ، به عنوان یک گروه آدم های خرافی بی منطق معرفی شوند ... قطعاً این یک بدعت است .(1) و آخرین سخن در این باب ، این که فرهنگ عاشورا اگر آن گونه که هست و بدون تحریف به جهانیان عرضه شود ، از قدرت اعجازآمیزی برخوردار است که می تواند به نظام سلطه و استکبار در جهان ، پایان دهد و بدینسان نه تنها امت مسلمان ، بلکه همه مستضعفان جهان را از ستم چپاولگران ، زورمداران و غارتگران بین المللی رهایی بخشد و به گفته رهبر انقلاب اسلامی آیت اللّه خامنه ای : امروز حسین بن علی علیه السلام می تواند دنیا را نجات دهد ، به شرط آن که با تحریف ، چهره او را مغشوش نکنند .(2) یادم نمی رود در دوران ریاست جمهوری ، ایشان شبی نخستین رهبر جهاد اسلامی فلسطین شهید دکتر فتحی شقاقی را به منزل خود دعوت کردند ، جمعی از روحانیون و مسئولان کشور نیز حضور

.

1- .بیانات حضرت آیت اللّه خامنه ای در جمع روحانیون استان «کهکیلویه وبویر احمد» در آستانه ماه محرم «17 / 3 / 1373» .

2- .سخنان ایشان در دیدار روحانیون وعاظ در آستانه ماه محرم «3 / 3 / 1374» .

داشتند ، یکی از حضار از شهید دکتر فتحی شقاقی پرسید که تا چه اندازه به موفقیت راه خود اطمینان دارید ؟ وی با این که پیرو مذهب اهل سنت بود پاسخی داد که همه را در بهت و شگفتی فرو برد . پاسخ او این بود که : ما اصولاً به این موضوع فکر نمی کنیم ! ما موفقیت و پیروزی خود را در انتخاب راه حسین بن علی علیه السلام می دانیم ، هدف ما انجام تکلیف الهی است ! باری ، همه پیروان راستین اهل بیت و علاقمندان آگاه سید الشهداء در پاسداری از فرهنگ اصیل عاشورا در برابر توطئه دشمنان آگاه و تحریف دوستان ناآگاه ، مسئولند . اما بی تردید ، مسئولیت مراجع تقلید ، فرهیختگان ، عالمان دین باور ، گویندگان ، نویسندگان و مرثیه سرایان متعهد ، سنگین تر است . (ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ) .(1)

.

1- .تکاثر : آیه 8 .

فصل چهارم : مجالس عزاداری هدفمند

1 . خدا محوری

.

.

فصل چهارم : مجالس عزاداری هدفمندبا عنایت به فلسفه عزاداری سید الشهدا ، و آسیب هایی که ممکن است آن را فراگیرد و باید از آن پرهیز داشت مجالس عزاداری آن حضرت در صورتی می توانند عزاداران را در جهت این هدف ، هدایت کنند که دارای سه ویژگی باشند :

1 . خدا محوری مجاهدت سید الشهدا و همه شهدای راه حق و فضیلت در طول تاریخ برای آشنا کردن با خداوند متعال و استقرار یگانه پرستی در سایه حکومت دینی در جهان بود ، بنا بر این بدون معرفت صحیح دینی نمی توان تحلیل درستی از نهضت عاشورا ارائه کرد و از این رو خدامحوری و پیوند دل ها با خدا و ارزش های معنوی باید اساس برنامه های مجالس عزاداری و سخنرانی ها و مرثیه سرایی ها باشد و این درس بزرگی است که امام حسین علیه السلام برای ارائه آن به عموم مسلمانان به خصوص پیروان خود ، در عصر تاسوعا از دشمن یک

.

2 . ارائه تاریخ و تحلیل صحیح از حادثه عاشورا

شب مهلت خواست . برپایه گزارش منابع معتبر تاریخی عصر نهم محرم ابن سعد دستور حمله به یاران امام را صادر کرد ، آن حضرت هنگامی که آمادگی سپاه دشمن برای درگیری را ملاحظه کرد به برادرش عباس علیه السلام فرمود :إرجِع إلَيهِم ، فَإِنِ استَطَعتَ أن تُؤَخِّرَهُم إلی غُدوَةٍ وتَدفَعَهُم عِندَ العَشِيَّةِ ؛ لَعَلَّنا نُصَلّی لِرَبِّنَا اللَّيلَةَ ، ونَدعوهُ ونَستَغفِرُهُ ، فَهُوَ يَعلَمُ أنّی قَد كُنتُ اُحِبُّ الصَّلاةَ لَهُ ، وتِلاوَةَ كِتابِهِ ، وكَثرَةَ الدُّعاءِ وَالاِستِغفارِ !(1) به سوی آنان بازگرد و اگر توانستی آنها را تا صبح به تأخیر بینداز و امشب بازشان گردان، شاید که امشب برای خدایمان نماز بخوانیم و او را بخوانیم و از وی آمرزش بخواهیم که او خود می داند من نماز برای او، تلاوت کتابش و دعا و استغفار فراوان را دوست دارم. و بدین سان ، شب عاشورا ، آخرین شب انس امام حسین علیه السلام و اصحابش با انیس ذاکران بود : فَباتَ الحُسَينُ علیه السلام تِلكَ اللَّيلَةَ [لَيلَةَ عاشوراءَ] راكِعاً ساجِداً باكِياً مُستَغفِراً مُتَضَرِّعاً ، وباتَ أصحابُهُ ولَهُم دَوِيٌّ كَدَوِيِّ النَّحلِ .(2) شب در رسید و حسین علیه السلام شب عاشورا را به رکوع و سجود و گریه و استغفار و تضرّع و زاری پرداخت و یارانش زمزمه ای مانند آوای

.

1- .ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : بخش هشتم / فصل یکم : شب را مهلت گرفتن برای نماز، دعا و استغفار .

2- .مقتل الحسین ، خوارزمی : ج 1 ص 251. نیز ، ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : بخش هشتم / فصل یکم : شب راز و نیاز .

زنبور [بدون وقفه]داشتند. از عالم ربانی آیت اللّه میرزا جواد تهرانی (رضوان اللّه علیه) نقل شده است که ایشان خطاب به جمعی از روحانیون اهل منبر می فرمود : کاری کنید که خدا در مجلس امام حسین علیه السلام فراموش نشود ! و این نکته ای است بس مهم و قابل توجه و تأمل ، در واقع فراموش شدن خدا در مجلس امام حسین علیه السلام آفت خطرناکی است که مانع آشنایی عزاداران با فلسفه عزاداری و روح نهضت حسینی می گردد .

2 . ارائه تاریخ و تحلیل صحیح از حادثه عاشورابدون تحلیل واقع بینانه از نهضت عاشورا امکان ندارد که عزاداران با اهداف بلند عزاداری آشنا شوند و در آن مسیر گام بردارند ، از این رو گویندگان و مرثیه سرایان در مجالس عزاداری سید الشهدا باید بر پایه تحلیل درست واقعه عاشورا ، سخنرانی و مرثیه سرایی خود را تنظیم نمایند ، و بدین منظور استفاده از منابع معتبر در تبیین این حادثه ، و اجتناب از آسیب های مجالس عزاداری ضروری است و بهترین راه برای رسیدن به این هدف ، خواندن متن مقتل از منابع معتبر است . به فرموده رهبر انقلاب اسلامی آیت اللّه خامنه ای : اگر برای ذکر مصیبت کتاب «نفس المهموم» محدث قمی را باز کنید و از رو بخوانید ، برای مستمع گریه آور است و همان عواطف جوشان را

.

3 . تبلور عاطفه و ارادت به اهل بیت علیهم السلام

به وجود می آورد ، چه لزومی دارد که ما به خیال خودمان ، برای مجلس آرایی کاری کنیم که اصل مجلس عزا از فلسفه واقعی اش دور بماند ؟(1) و بدین سان مرثیه سرایی برای سید الشهدا اگر توأم با اخلاص و صداقت باشد ، کاری است بس ارزشمند و اگر هدف مجلس آرایی و دنیاطلبی باشد بسیار زیانبار و خطرناک است .(2)

.

1- .سخنان معظم له در جمع روحانیون استان کهکیلویه و بویر احمد در آستانه ماه محرم «17 / 3 / 1370» .

2- .در این باره ، یکی از مراجع تقلید معاصر ، رؤیای صادقه آموزنده ای را از استاد خود ، فقیه بزرگوار، آیه اللّه سیّد عبد الهادی شیرازی رحمه اللّه علیه نقل کرده که خلاصه آن ، چنین است : هنگامی که خبر درگذشت آیه اللّه سیّد جعفر شیرازی (برادر همسر آیه اللّه سیّد عبد الهادی شیرازی، که ظاهراً در اواخر عمر ، برای معالجه به تهران آمد و به عالم بقا پیوست و قبر وی، در حرم حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام ، نزدیک مزار ابو الفتوح رازی است) به آیه اللّه آقا سیّد عبد الهادی شیرازی رسید ، من کنار استاد بودم . ایشان ، سر خود را نزدیک گوش من آورد و فرمود : قضیّه ای در باره آقا سیّد جعفر دارم که تا زنده بود ، نگفتم . اکنون که فوت شده ، می گویم : شبی خواب دیدم که در بیرونیِ منزل (همان جا که محل تدریس بنده است) ، دو کرسی گذاشته اند. بعد، حضرت سیّد الشهدا علیه السلام و عبّاس علیه السلام وارد شدند و روی این دو کرسی نشستند . عبّاس علیه السلام ، دفتری را باز کرد و من ، متن آن را می دیدم . امام حسین علیه السلام ، به یکی از نام هایی که در آن دفتر بود ، اشاره کرد و فرمود : «این اسم را قلم بزن !» . عبّاس علیه السلام ، آن نام را قلم زد . بعد، امام علیه السلام فرمود : «جای آن ، نام آقا سیّد جعفر را بنویس !» . عبّاس علیه السلام ، نام ایشان را نوشت و دفتر را بست و رفتند . مرحوم آیه اللّه شیرازی ، سپس فرمود : من از عظمت آن رؤیا ، تا صبح نخوابیدم . فردای آن روز ، وقتی آقا سیّد جعفر آمد ، به ایشان گفتم : من دیشب ، خوابی دیدم که از عظمت آن ، تا صبح نخوابیدم . ایشان گفت : زود داستان خوابت را بگو . من هم آن خواب را برای آقا سیّد جعفر ، نقل کردم

. ایشان، با شنیدن آن ، منقلب شد و گفت : قضیّه ، این است که من دیشب (شب اوّل محرّم) ، در حرم بودم . بعد به این فکر افتادم که من ، یک عمر برای امام حسین علیه السلام گریه کرده ام ؛ امّا کسی را نگریانده ام و این اجر ، نصیب من نشده است . این موضوع ، فکر مرا مشغول کرد . رفتم و جستجو کردم و کتاب جلاء العیون مجلسی را پیدا کردم . به خانه آمدم و زن و بچّه ام را دور هم جمع کردم و گفتم : از امشب ، من می خوانم و شما هم گریه کنید . ایشان ، پس از نقل این رؤیا ، اضافه کرد که : رؤیای آیه اللَّه شیرزای ، در همان شب ، یعنی شبِ اوّل محرّم و برپایی نخستین جلسه سیّد جعفر بوده و من ، هر وقت برای زیارت به حرم حضرت عبد العظیم علیه السلام می آیم ، قبر ایشان را نیز زیارت می کنم .

3 . تبلور عاطفه و ارادت به اهل بیت علیهم السلام تحلیل صحیح نهضت حسینی نمی تواند جایگزین تلاش و به کارگیری هنر در جهت جوشش عواطف و احساسات مردم نسبت به حادثه خونین کربلا گردد ، در سازندگی معنوی ، عاطفه و احساسات نقش ویژه ای دارد که هیچ چیز دیگر نمی تواند جای آن را پر کند و لذا اهل بیت علیهم السلام تأکید ویژه ای در مورد گریاندن و گریستن بر مصایب سید الشهدا داشتند ، و خود نیز با تشویق مرثیه سرایان و استماع مرثیه آنان (1) زمینه گسترش این فرهنگ را در میان پیروان خود فراهم می کردند ، چنان که از یکی از شعرای معاصر امام باقر علیه السلام به نام کمیت نقل شده که پس از مرثیه سرایی نزد آن حضرت و گریستن آن

.

1- ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : بخش یازدهم / فصل دوم : مصیبت خوانی برای حسین علیه السلام ، و فصل چهارم : گریستن و گریاندن بر سید الشهدا و یارانش / ثواب گریه بر آنان.

بزرگوار ، فرمود :ما مِن رَجُلٍ ذَكَرَنا أو ذُكِرنا عِندَهُ ، فَخَرَجَ مِن عَينَيهِ ماءٌ ولَو قَدرَ مِثلِ جَناحِ البَعوضَهِ ، إلّا بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيتاً فِى الجَنَّهِ ، وجَعَلَ ذلِكَ حِجاباً بَينَهُ وبَينَ النّارِ.(1) هیچ کس نیست که ما را یاد کند و یا در نزدش یاد شویم و از چشمانش اشکی بیاید، هر چند که به اندازه بال پشه، مگر این که خداوند، برایش خانه ای در بهشت بنا می کند، و آن را میان او و آتش حجاب قرار می دهد . مرثیه سرای هنرمند آن است که با تکیه بر منابع معتبر و بر پایه تحلیل و تبیین صحیح حادثه عاشورا ، بیشترین نقش را در تبلور عاطفه و احساسات مردم نسبت به سالار شهیدان ایفا نماید ، و بدین سان خدامحوری و ارادت به خاندان رسالت را در جامعه گسترش دهد .

.

1- .کفایه الأثر : ص 248 ، بحار الأنوار : ج 36 ص 390 ح 2 .

فصل پنجم : کتاب شناسی تاریخ عاشورا و عزاداری

اشاره

فصل پنجم : کتاب شناسی تاریخ عاشورا و عزاداری درباره تاریخ عاشورا و بویژه عزاداری و مقتل کتاب های بسیاری در طول تاریخ نگاشته شده است که این خود نشان از اهتمام عالمان و محققان شیعی بدین مسأله است.(1) این منابع در اعتبار و دقت در نقل و تحلیل یکسان نیستند و می توان آنها را به دو دسته کلی قابل استناد و ضعیف تقسیم کرد . این تقسیم بندی در کتاب های در دسترس قابل انجام است ، اما دسته دیگری به نام منابع مفقود را نیز باید در نظر داشت ، منابعی که تنها در فهرست ها به آنها اشاره شده و اکنون به آنها دسترسی مستقیم نداریم ، هر چند برخی اخبارشان به کتاب های دیگر راه یافته است . بنا بر این با سه گروه منبع ، مُواجهیم: 1 . منابع قابل استناد، 2. منابع غیر قابل استناد ، 3 . منابع معاصر .

.

1- .جهت آگاهی بیشتر ر . ک : کتاب شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام ، محمّد اسفندیاری ، کتاب شناسی امام حسین علیه السلام ، نجفقلی حبیبی، (در کتاب اول بیش از هزار کتاب معرفی شده و در کتاب دوم 879 اثر معرفی شده است) .

مقصود ما از منابع قابل استناد ، آن دسته مآخذی هستند که هویت تاریخی داشته و نویسندگان آنها ، معلوم ، سرشناس و از عالمان روشمند بوده اند ، هر چند دیده نقد خود را بر یک یک روایات آنان باز نگاه می داریم . منابع غیر قابل استناد و ضعیف را منابعی داستانی ، بی سند و بی پشتوانه تاریخی می دانیم که اخبار گزارش شده در آنها را تنها به شرط یافتن مؤیدات تاریخی و تقویت به وسیله دیگر مآخذ ، می پذیریم . ما ابتدا به معرفی توصیفی منابع مهم قابل استناد می پردازیم و همین کار را درباره منابع ضعیف اما مشهور به انجام می رسانیم و سپس منابع معاصر را به اجمال مورد بررسی قرار می دهیم .(1)

.

1- .ما در معرفی خود از کتاب ، تأملی در نهضت عاشورا ، از آقای رسول جعفریان ، کتاب شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام از آقای محمد اسفندیاری و عاشورا پژوهی نوشته آقای محمد صحتی سردرودی استفاده کرده ایم .

1 . منابع قابل استناد

(1)منابع قابل استنادخوشبختانه منابع متعدد و قابل اتکایی از پنج قرن نخست به دست ما رسیده که به گزارش نهضت عاشورا پرداخته اند . این منابع را می توان به دو دسته مستقل و مشتمل تقسیم نمود : منابعی که ویژه گزارش دهی نهضت عاشورا و حماسه سازان این واقعه بی نظیر است و منابعی که تنها بخش و فصل هایی از آنها ، درباره قیام امام حسین علیه السلام است . ما در اینجا همه این منابع را به ترتیب تاریخی گزارش می کنیم . گفتنی است این منابع از اعتبار یکسانی برخوردار نیستند ، اما همه آنها قابلیت ارجاع و استناد را دارند و به وسیله پژوهش های تاریخی روشمند قابل بررسی و پذیرش اند : 1 . طبقات الکبری ، ابن سعد (متوفی 230) 2 . انساب الاشراف ، بلاذری (متوفی 279) 3 . اخبار الطوال ، دینوری (متوفی 283) 4 . تاریخ الطبری (متوفی 310) این کتاب از مهمترین منابع قیام حسینی است.

.

5 . الفتوح ، ابن اعثم کوفی (متوفی حدود 314) 6 . مقاتل الطالبیین ، ابوالفرج اصفهانی (متوفی 356) 7 . المعجم الکبیر، طبرانی (متوفی 360) 8 . شرح الأخبار ، قاضی نعمان (متوفی 363) 9 . کامل الزیارات ، ابن قولویه (متوفی 368) 10 . الامالی، صدوق (متوفی 381) 11 . الارشاد ، مفید (متوفی 413) 12 . روضه الواعظین ، ابن فتال نیشابوری (متوفی 508) 13 . اعلام الوری ، طبرسی (متوفی 548) 14 . مقتل الحسین، خوارزمی (متوفی 568) 15 . تاریخ دمشق ، ابن عساکر (متوفی 571) 16 . المناقب، ابن شهر آشوب (متوفی 588) 17 . الکامل فی التاریخ ، ابن اثیر (متوفی 630) 18 . مثیر الأحزان ، ابن نما (متوفی 645) 19 . تذکره الخواص ، سبط ابن جوزی (متوفی 653) 20 . الملهوف علی قتلی الطفوف (اللهوف)، سید بن طاووس (متوفی 664) 21 . کشف الغمه ، اربلی (متوفی 692) 22 . سیر اعلام النبلاء ، ذهبی (متوفی 748)

.

2 . منابع غیر قابل استناد

اشاره

(2)منابع غیر قابل استنادحادثه عاشورا از پیشامدهای شگفت تاریخ است. قهرمانانی اندک شمار در برابر خیل عظیم جنگجویان سفاک و بیرحم تا واپسین لحظه حیات و آخرین قطره خون مقاومت کردند و از همه چیز در راه محبوب خود گذشتند. این مقاومت شجاعانه و فداکاری قهرمانانه، از آغازین لحظه های پیدایش ، در درازنای تاریخ و تاکنون، چشم ها را خیره کرده و زبان ها و قلم ها را به سوی خود کشیده است. تاریخ نگاران و سیره نویسان، از نخستین کسانی بودند که به گزارش این واقعه با بسیاری از رخدادهای پیرامونی و حادثه های جزیی آن پرداختند و حتی آن دسته مورّخان حکومتی که نان امویان را می خوردند نتوانستند، آفتاب دلاوری ها، رشادت ها و حماسه سرایی های این تعداد به ظاهر اندک و به باطن، با همه انسانیت انسان ها برابر، را نادیده و یا آن را زیر ابر تیره، گیرند. کتاب های تاریخ و سیره ، چه در میان شیعیان و چه اهل سنّت و حتی غیر مسلمانان ، واقعه عاشورا را به عنوان یک نقطه عطف و یک پیشامد مسلّم گزارش

.

کرده و ارکان و وقایع اصلی آن از مشهورات، متواترات و قطعیات تاریخی است، اما تفصیل ها و جزئیات آن، مانند هر واقعه تاریخی دیگری با تفاوت هایی در نقل ها و یا کاستی ها و مبالغه هایی قابل انتظار همراه بوده است. این در حالی است که با گذشت زمان و دورتر شدن از اصل واقعه، انتظار تغییر و تحریف بیشتر می شود ، نکته ای که قاعده لزوم مراجعه به منابع کهن و نزدیک تر به حادثه تاریخی را مدلّل می سازد. خوشبختانه منابع کهن تاریخی و سیره نگاری چنان دقیق و با تفصیل به عاشورا و کربلاء پرداخته اند که غرض ورزی ها، اشتباهات و کم دقتی های همزاد انسان، را به آسانی نشان می دهد. مبنای ما در سنجش اعتبار و سندیت کتاب های نوشته شده در دوره های بعد، همین منابع کهن و مشترکات تاریخی در کنار حفظ معیارهای نقد متون و اسناد تاریخی است. همچنین از آن رو که حادثه عاشورا، یکی از سرخ ترین جلوه های گل فام امامت شیعه است، گزارش ها و مآخذ پیرامون عاشورا را باید با سنجه عصمت امام علیه السلام نیز سنجید و سیره رفتاری امامت شیعه را بر آنچه به آنان نسبت می دهند حاکم کرد . بر این اساس، کتاب ها و منابعی که گزارش های خود را نقادی نکرده و آنها را با منابع اصلی تاریخی برابر ننموده و یا به تعارض آنها با سیره و کرامت و شخصیت امام حسین علیه السلام و یارانش توجه نکرده اند، دچار ضعف گشته و از گردونه اعتبار و نقل و استناد خارج می شوند.

.

هر اندازه تعداد این گزارش های بدون اصل و سند و یا نامتجانس با شخصیت کرامتمندانه و عزتمندانه عاشورائیان در کتابی بیشتر باشد، بر ضعف آن افزوده می شود و هر اندازه این گزارش ها کمتر، کتاب از اعتبار بیشتر بهره مند می گردد . این بدان معناست که نقد ما در این عرصه، متوجه به کتاب و محتوای آن است و نه نویسنده و گردآورنده آنها، چه، برخی از مؤلفان این گونه کتاب ها جزو کسانی هستند که از سرِ شیفتگی به این حماسه تاریخی و شخصیت اعجاب انگیز امام حسین علیه السلام و همراهانش و به پاس قدردانی از فداکاری های آنان، قلم به دست گرفته و بدون آن که تخصص اصلی آنها تاریخ و سیره باشد، در عرصه ای قلم زدند که تفاوت اصلی با اندوخته های علمی آنها مانند فقه و تفسیر قرآن داشت. احساس دَین به امام حسین علیه السلام با شوری که از مطالعه نهضت عاشورا به هر انسانی دست می دهد، آمیخته شد و این مؤلفان شیفته را گاه به تساهل در رویارویی با گزارش های بی پایه کشاند و سبب شد آنان حتی به گزارش های شفاهی که از زبان این و آن و یا برخی واعظان و مرثیه خوانان شنیده اند، اعتماد کنند و افزوده هایی ناسازگار با واقعه اصلی عاشورا و در تعارض با اهداف آن را در کتاب های خود بیاورند ، تا چه رسد به کتاب های کم اعتبار، مجهول و یا حتی مجعول . زمینه ها و عامل هایی چند، نیز این جریان را شدت بخشید که از

.

جمله آنها، پیدایش سبک داستان پردازی و ارائه قرائت جذاب و مخاطب محور ، از واقعه عاشورا بود. سبکی که برپایه گرایش طبیعی انسان به حکایت و نقل زیبایی وقایع روی داده، شکل گرفت و میل فطری آدمیان به بزرگ داشتن و بزرگتر کردن قهرمانان خود، به آن کمک نمود . در این میان کسانی آیات و روایات باز دارنده از دروغ پردازی را با جعل اصطلاح «زبان حال» کنار زدند و یا حتی در برخی نمونه های معدود، دروغ را تجویز کردند. راه یافتن این زبان تخیلی، احساسی و داستانی به منبر و مرثیه و تعزیه ، چرخه نقل شفاهی و نگارش کتبی را کامل کرد و پس از مدّتی آنچه به عنوان یک مرثیه یا مداحی و نقل حکایت و به منظور برانگیختن احساسات ساخته و خوانده شده بود، به کتاب ها راه یافت و از سوی برخی که میان منابع کهن و نزدیک به واقعه عاشورا با کتاب هایی که قرنها پس از آن به نگارش درآمده اند تفاوت چندانی نمی نهند، به صورت یک سند تاریخی و قابل ذکر درآمد. این ها، همه افزون بر اشتباهات ناخواسته انسانی است که در نقل های تاریخی پیش می آید، مانند خطای حافظه در نقل شفاهی و خطای باصره در هنگام نوشتن که به گاه نگارش و قرائت نسخه ها پیش می آید ، بویژه اگر نسخه، مغلوط و یا بدخط باشد . آنچه مایه امیدواری پژوهشگران است، شکل هرمی این جریان ناخجسته است. به این معنا که هر چند ممکن است تعداد کتاب های کنونی که مطالب

.

1. مقتل منسوب به ابومخنف

آمیخته از درست و نادرست دارند، فراوان به نظر رسد، اما پی یابی جریان نقل آنها، پژوهشگر را به تعداد انگشت شماری از منابع مشخّص می رساند که سرچشمه ورود این ادبیات تخیّلی و بدون پشتوانه تاریخی به جریان گزارش دهنده حماسه کربلا هستند. محققان این مجموعه با بررسی صدها گزارش و مأخذیابی مرحله به مرحله هر یک از نقل ها، این چند کتاب معدود را شناسایی کرده و ساختار و ضعف های آنها را گوشزد کرده اند. این بدان معنا نیست که همه مطالب این کتاب ها نادرست و تحریف شده است، چه در این کتاب ها، گزارش های معتبر از کتاب های کهن و اصلی تاریخ و سیره نیز نقل شده است. مقصود ما آن است که بسیاری از گزارش های نادرست و یا بدون منبع و پشتوانه تاریخی در این کتاب ها یافت می شود ، که برخی با عملکرد و سیره رفتاری امام حسین علیه السلام و اهل بیت گرامیش ناسازگار است و برخی تنها احتمال وجودشان در منابع به ما نرسیده می رود ، وبدین جهت مطالب این گونه کتاب ها بدون ارزیابی قابل استناد نیستند، این منابع عبارت اند از:

1. مقتل منسوب به ابومخنف ابو مخنف ، لوط بن یحیی بن سعید ، در گذشته به سال 158 هجری قمری ، از مورّخان مورد اعتماد و از اصحاب امام صادق علیه السلام است ، او به احتمال فراوان شیعه و مقبول مورّخان فریقین است و از این رو

.

تاریخ نگاران و سیره نویسان متعدد از کتاب او درباره قیام امام حسین علیه السلام نقل کرده اند . از این میان می توان به محمد بن عمر واقدی (م 207) و محمد بن جریر طبری (م 310) در تاریخش ، ابن قتیبه (م 322) در الامامه والسیاسه ، ابن عبدربّه (م 328) در العقد الفرید ، علی بن حسین مسعودی (م 345) شیخ مفید (م 413) در الارشاد و نیز النصره فی حرب البصره ، شهرستانی (م 548) در الملل والنحل ، خوارزمی (م 568) در مقتل الحسین و در آخرین حلقه ها به ابن عساکر (م 571)(1) ، در تاریخ دمشق ، ابن اثیر (630) در الکامل ، سبط ابن جوزی (م 654) در تذکره الخواص و ابوالفداء (م 732) اشاره کرد(2) . سوگمندانه اصل کتاب ابومخنف ناپیدا شده و ما تنها می توانیم از جمع آوری گزارش های این مورّخان ، به بخشی از کتاب او دست بیابیم . در دوره معاصر آقای حسن غفاری و محمد هادی یوسفی غروی به این کار همّت گماشته و آن بخش از کتاب ابو مخنف را که طبری در تاریخ خود گزارش کرده ، گردآورده و با نام های «مقتل الحسین» و «وقعه الطّف» منتشر ساخته اند .

.

1- .ابن عساکر بسیار کم از ابومخنف نقل می کند ، ولی در بخش معرفی زینب دختر امام حسین علیه السلام ، تصریح می کند که کتاب ابو مخنف را خوانده است (ر.ک : تاریخ دمشق : ج 69 ص 168) .

2- .ر . ک : مقدمه وقعه الطّف : ص 9 .

پیشتر از این دو ، کتابی به نام مقتل ابی مخنف منتشر شده است که نه تنها دلیلی بر صحّت انتساب آن به مؤلف در دست نیست ، بلکه تفاوت فراوان و آشکار مطالب آن با نقل طبری از ابومخنف ، قرینه نادرستی این انتساب است . دلیل دیگر ، وجود برخی مطالب موهن به شخصیت بزرگوارانه امام حسین علیه السلام است که تألیف آنها از نویسنده ای مشهور و موثّق همچون ابومخنف ، بسی بعید است . جالب توجه آن که میان این کتاب چاپ شده ناشناخته ، با متن برخی نسخه های خطی آن تفاوت بیش از حدّ متعارفی به چشم می آید و اعتماد به آن را از میان می برد .(1) متأسفانه، نیاز به مقتل أبی مخنف ،موجب شده، بسیاری به همین نسخه متداول و رایج روی آورده و بیشتر مطالب آن را نادانسته به أبو مخنف نسبت دهند . گفتنی است که در دو سده اخیر ، بسیاری از محدثان ، مورخان و کتابشناسان ، پس از تأیید ابو مخنف و کتاب اصلی او ، کتاب کنونی، متداول و در دسترس «مقتل ابومخنف» را بی اعتبار و غیر قابل استناد دانسته اند . از این میان می توان به محدّث نوری ،(2) میرزا محمد

.

1- .نسخه ای از این کتاب در آخر بحار الأنوار به چاپ رسیده و یک نسخه خطی به تاریخ 1130 نیز در کتابخانه دار الحدیث نگاهداری می شود .این نسخه خطی برخی از اشتباهات فاحش نسخه چاپی متداول را ندارد ، مانند سند کتاب در آغاز متن چاپی ، ص 24 و روایت از کلینی در همان ، ص 25 .

2- .لؤلؤ و مرجان : ص 236 .

2. نور العین فی مشهد الحسین علیه السلام

ارباب ،(1) حاج شیخ عباس قمی ،(2) سید عبدالحسین شرف الدین ،(3) سید حسن امین (4) و شهید قاضی طباطبایی (5) اشاره کرد .(6)

2. نور العین فی مشهد الحسین علیه السلام نور العین ، مقتلی منسوب به ابو اسحاق اسفرائنی است و این عنوان منصرف به ابراهیم بن محمد بن ابراهیم اسفرائنی ، فقیه شافعی و در گذشته به سال 417 یا 418 هجری است ، اما هیچ یک از منابع کهن ، تألیف چنین کتابی را در شرح حال او گزارش نکرده اند .(7) در میان کتابشناسان متأخر ، ابتدا اسماعیل پاشا(8) و پس از او شیخ آقا بزرگ تهرانی (9) و یوسف الیان سرکیس (10) این کتاب را به او منسوب داشته اند . آنچه نظر اسماعیل پاشا را کم اعتبار می کند ، اشاره وی به

.

1- .أربعین حسینیه : ص 9 .

2- .نفس المهموم : ص 9 ، الکنی والألقاب : ج 1 ص 155 ، هدیه الأحباب : ص 45 .

3- .مؤلّفو الشیعه فی صدر الإسلام : ص 41 .

4- .مستدرکات أعیان الشیعه : ج 6 ص 255 .

5- .تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهدا علیه السلام : ص 60 ، 76 ، 219 ، 222 .

6- .برای آگاهی بیشتر درباره این کتاب و دیگر منابع مرتبط ، ر . ک : محمّد اسفندیاری ، کتابشناسی تاریخی امام حسین علیه السلام : ص 70 .

7- .ر . ک : طبقات الشافعیه : ج 4 ص 256 ، وفیات الأعیان : ج 1 ص 28 ، تبیین کذب المفتری : ص 243 ، سیر أعلام النبلاء : ج 17 ص 352 ، البدایه والنهایه : ج 12 ص 30 .

8- .هدیه العارفین : ج 1 ص 8 .

9- .الذریعه : ج 17 ص 72 - 73 .

10- .معجم المطبوعات العربیه : ج 1 ص 436 .

3 . روضه الشهداء

مأخذ خود ، وفیات الاعیان است ، حال آن که ما چنین مطلبی را در وفیات الاعیان نیافتیم و اسماعیل پاشا خود در کتاب دیگرش ، ایضاح المکنون ، کتاب را بدون ذکر مؤلف آن معرفی کرده است .(1) کتابشناسان معاصر مانند سید عبدالعزیز طباطبایی رحمه اللّه علیه نیز بر این اعتقادند که این کتاب را بر اسفرائنی بربسته اند ؛ زیرا اسلوب و سبک آن با کتاب های تألیف شده در قرن چهارم ، یعنی سال های تدریس و تألیف اسفرائنی ، همسان نیست .(2) و نکته آخر آن که مطالب کتاب ، بدون سند و مأخذ است و گاه چنان غیر معتبر و دور از عقل است (3) که تألیف آن را از سوی یک فقیه دانشمند، بعید می سازد واز این رومحققان خبره در سیره و تاریخ امام حسین علیه السلام را به انکار آن سوق داده است .(4)

3 . روضه الشهداءکمال الدین حسین بن علی واعظ کاشفی (م 910) مبتکر سبک قصه پردازی و پردازش پندگونه از وقایع تاریخی است . او که سنی

.

1- .ایضاح المکنون : ج 2 ص 685 .
2- .ر . ک : أهل البیت فی المکتبه العربیه : ص 655 .
3- .مانند آن که اسب امام حسین علیه السلام به تنهائی 26 سواره و 9 اسب را کشت (ص 51) و یا جنگ از روز سوم محرم شروع شد و امام در همان روز سوم هزار نفر را کشت (ص 36) و اموری دیگر ، ر . ک : ص 7 ، 37 ، 41 ، 44 ، 48 و... .
4- .مانند شهید قاضی طباطبایی که آن را در ضعف وجعل مانند مقتل منسوب به ابو مخنف و سراسر قصه می خواند (تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهدا علیه السلام) و نیز میرزا محمّد ارباب در (أربعین حسینیه : ص 272) و فضل علی قزوینی در (الإمام حسین وأصحابه : ج 1 ص 150) .

بودن و یا شیعه بودنش معلوم نیست شیفته اهل بیت علیهم السلام بود و برای جذب عوام ، حوادث تاریخی بویژه ، حادثه عاشورا را با نثری دلپسند به داستان درآورد و در این میان مطالب معتبر و غیر معتبر و مستند و بدون سند را با هم درآمیخت . سبک جدید، فارسی بودن و انگیزه مؤلف برای خواندن کتاب در مجالس عزا ، موجب شد تأليف كاشفى نه یک اثر تاریخی که یک اثر تبلیغی و حتی تخیّلی ، شمرده شود . متأسفانه عدم توجه به این مطلب و قرائت و استنساخ متکرر آن - تا آنجا که سخنرانان مجالس سوگواری امام حسین علیه السلام را ، «روضه» خوان نامیدند- ، زمینه ورود بسیاری از اطلاعات نادرست این کتاب را به فرهنگ عاشورا فراهم ساخت و در موارد متعددی «زبان حال» ، جانشین «زبان قال» حماسه سرایان کربلا گشت . مصحّح و حاشیه نگار کتاب ، علامه ابوالحسن شعرانی نیز در مقدمه اش بر کتاب به این موضوع اشاره کرده است : «از نقل ضعیف در روضه الشهداء عجب نباید داشت ، چون در ادای مقصود واعظ ، قوی است ، اگر چه برای مقصود مورّخ کافی نیست»(1) . پیش از شعرانی ، نیز ، میرزا عبداللّه افندی ، همکار عالم و کتابشناس علامه مجلسی رحمه اللّه علیه ، اکثر روایات این کتاب و بلکه همه آن را مأخوذ از کتب غیر مشهوره و غیر قابل اعتماد دانسته (2) ، سید محسن امین نیز این

.

1- .مقدمه روضه الشهداء : ص 6 .
2- .ریاض العلماء : ج 2 ص 190 .

سخن را تأیید نموده است .(1) محدّث نوری برخی گزارش های کتاب را بدون پشتوانه تاریخی خوانده (2) و شهید مطهری آن را پر از دروغ ،و تألیف و نشر این کتاب را مانع مراجعه به منابع اصلی و مطالعه تاریخ واقعی امام حسین علیه السلام دانسته است .(3) شهید قاضی طباطبایی نیز مطالب آن را در مقام تعارض با مقاتل معتبر ، ساقط و بی ارزش می داند .(4) نمونه های متعددی از این گونه اخبار غیر قابل باور را می توان در جای جای کتاب دید .(5)

4 . المنتخب فی جمع المراثی و الخطب فخرالدین بن محمد علی بن احمد طریحی (م 1085) مؤلف مجمع البحرین ، مجموعه ای از احادیث و مراثی درباره امام حسین علیه السلام و برخی دیگر از امامان را گرد آورد و به قصد گریاندن مؤمنان و تشویق به سوگواری، آنها را به صورت جُنگ سامان داد . المنتخب تاریخ نگاری علمی زندگی یا قیام امام حسین علیه السلام نیست ،اکثر مطالب کتاب بدون ذکر مأخذ و احادیث آن به صورت مرسل آمده و غث و سمین در آن

.

1- .أعیان الشیعه : ج 6 ص 122 .
2- .لؤلؤ و مرجان : ص 287 .
3- .حماسه حسینی : ج 1 ص 54 .
4- .تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهدا علیه السلام : ص 36 .
5- .مانند بیست و دو هزار زخم در پیکر امام حسین علیه السلام (ص 60) ، و چسبیدن سر بر تنِ فرزندان مسلم بن عقیل (ص 241) و حضور هاشم مرقال در کربلا (ص 301) و قصه زعفر جنّی (ص 321) و عروسی قاسم (ص 346) .

5 . محرق القلوب

به هم درآمیخته است .واز این روآن را متناسب با هدف و شیوه مؤلف ، المجالس الطریحیه و یا المجالس الفخریه نیز نامیده اند . ضعف دیگر کتاب اختلافات موجود در نسخه های متفاوت آن است که می تواند نشانگر، تصرّفات بعدی در آن باشد .(1) محدّث نوری منتخب طریحی را مشتمل بر مطالب موهون و غیر موهون می داند(2) و میرزا محمد ارباب قمی ، مسامحات فراوان در آن را گوشزد کرده و روایات مختص آن را معتبر ندانسته است .(3) برخی مطالب ضعیف کتاب قابل تردید و ردّ هستند که خوانندگان را به صفحات ذیل ارجاع می دهیم .(4)

5 . محرق القلوب محرق القلوب ، نوشته ملا مهدی نراقی (م 1209 ق) است . او با اقتباس از روضه الشهداء ، به عرضه مطالبی دست یازید که به گونه ای شورانگیز ، عواطف و احساسات مردم را به سوی واقعه کربلا سوق دهد ، اما چون مأخذ نراقی ، روضه الشهداء ، کتابی ضعیف و مخلوط از مطالب درست و نادرست بود ، نوشته او نیز بر اخبار ضعیف

.

1- .ر . ک : سخن شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه : ج 22 ص 420 .

2- .لؤلؤ و مرجان : ص 287 .

3- .اربعین حسینیه : ص 64 .

4- .مانند کشته شدن بیش از ده هزار سوار کار در عاشورا (ص 450) و مخلوط کردن سه جریان شهادت حضرت عباس و آب آوردن برای طفل ابا عبد اللّه و شهادت حضرت علی اکبر (ص 43) و ... .

و غیر معتبر مشتمل گشت . نراقی خود به ضعیف بودن برخی گزارش های کتابش تصریح کرده (1) و از این رو مورد انتقاد برخی از عالمان پس از خود قرار گرفته است . میرزا محمّد تنکابنی برخی از اخبار آن را مظنون یا مقطوع الکذب دانسته (2) و محدث نوری با ابراز شگفتی از تألیف چنین کتابی از چنان عالم بزرگی ، برخی مطالب آن را منکر نامیده است .(3) شهید مطهری نیز نراقی را فقیه بزرگی خوانده ولی او را در تاریخ عاشورا ، صاحب اطلاع نمی داند و برخی مطالب او را نقد کرده است .(4) گفتنی است انتساب کتاب به نراقی، مشهور و تردیدی در آن نرفته (5) ، اما محتمل است که آن را در اوایل سنّ تحصیل و پیش از رسیدن به مراتب کمال علمی ، نوشته باشد .

6 . اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات «اسرار الشهاده»آغا بن عابد دربندی شیروانی مشهور به فاضل دربندی (م 1285 یا 1286) از نویسندگانی است که افزون بر رشته تخصصی خود ، فقه ، در دیگر رشته ها ، مانند تاریخ عاشورا نیز کتاب نوشت . او با جمع

.

1- .مقدمه محرق القلوب ، به نقل از : عاشورا پژوهی : ص 406 .
2- .قصص العلماء : ص 133
3- .لؤلؤ و مرجان : ص 245 .
4- .ر . ک : حماسه حسینی : ج 1 ص 28 .
5- .ر . ک : الذریعه : ج 4 ص 461 و ج 20 ص 149 و ج 21 ص 359 و ایضاح المکنون : ج 2 ص 443 و هدیه العارفین : ج 2 ص 352 .

اخبار قوی و ضعیف و به قصد حل اختلاف و تحلیل آنها یکی از بزرگ ترین نگاشته ها را درباره واقعه عاشورا سامان داد . او شیفته امام حسین علیه السلام بود و انگیزه زیبایی در نگارش این کتاب داشت ، اما به دلیل استفاده از منابع ضعیف در کنار منابع اصلی و نقل برخی گزارش های بدون سند نتوانست مقتل معتبری ارائه دهد . او همچنین مبنای نادرستی برگزید و براساس آن از کتاب هایی که مشتمل بر اخبار مظنون الکذب بودند نیز نقل کرد . مبنای او این بود که نشانه های کذب هر چند به درجه ظنّ برسد ، مانع نقل نیست و نقل چنین اخباری در بیان سیره و تاریخ ، بی اشکال است . محدّث نوری یکی از منابع ضعیف دربندی را نسخه بدون سروته ، مجهول و پر از دروغی می داند که سید عربِ روضه خوانی برای کسب تأیید نزد عالمان نجف آورده و سپس به دست دربندی می رسد . نسخه ای که به گفته محدث نوری ، از کثرت اشتمال بر اکاذیب واضحه و اخبار واهیه احتمال نمی رود که از مؤلّفات عالمی باشد .(1) سخن محدّث نوری را بسیاری از عالمان دیگر تأیید کرده اند و بسیاری از نقل های نادرست و غیر قابل باور کتاب را به عنوان گواه ارائه کرده اند . از این میان می توان به میرزا محمد تنکابنی (2) ، شاگرد

.

1- .لؤلؤ و مرجان : ص 251 .

2- .«اخبار غیر معتبره در این کتاب (أسرار الشهادات) بسیار و ضعاف بلکه اخباری که مظنون ، کذب آنها است بلکه گویا بعضی از آنها قطعی الکذب باشند و این مایه کسر قدر آن کتاب گردید» (قصص العلماء : ص 108) .

فاضل دربندی ، محدّث نوری (1) ، شیخ ذبیح اللّه محلاتی (2) ، سید محسن امین (3) ، میرزا محمدعلی مدرس تبریزی (4) ، شیخ آقا بزرگ تهرانی (5) و استاد علامه شهید مرتضی مطهری (6) ، اشاره نمود . گفتنی است بسیاری از تحلیل های نویسنده کتاب برای قابل

.

1- .«کار به آنجا رسید که [مخالفان] در کتب خود نوشته اند که : شیعه بیت کذب است . و اگر کسی منکر شود ، کافی است ایشان را برای اثبات این دعوی ، آوردن کتاب أسرار الشهاده را به میدان» (لؤلؤ و مرجان : ص 289) .

2- .«فاضل دربندی در أسرار الشهاده خبر طولانی راجع به عطش سکینه و آب آوردن بریر و پاره شدن مشک و ریختن آب نقل کرده است . حقیر چون به کلی اعتماد بر آن کتاب ندارم ، فلذا عنان قلم از نقل آن باز کشیدم .» (ریاحین الشریعه : ج 3 ص 272) .

3- .و بالجمله قد أکثر فی مؤلّفاته النقلیه من الأخبار الواهیه ، بل أورد ما لا تقبله العقول ولم تصدّقه النقول» (أعیان الشیعه : ج 2 ص 88) .

4- .به حکم انصاف، این کتاب او بلکه دیگر تألیفاتی که در موضوع مقتل نگارش داده همانا در اثر آن همه محبت مفرط که داشته است حاوی غثّ و سمین بوده [است] .» (ریحانه الأدب : ج 2 ص 217) .

5- .«من شدّه خلوصه و صفاء نفسه نقل فی هذا الکتاب اُموراً لا توجد فی الکتب المعتبره ، وإنّما أخذها عن بعض المجامیع المجهوله اتّکالاً علی قاعده التسامح فی أدلّه السنن» (الذریعه : ج 2 ص 279) .

6- .«در شصت ، هفتاد سال پیش مرحوم ملا آقای دربندی پیدا شد ؛ تمام حرفهای روضه الشهداء را به اضافه چیزهای دیگری پیدا کرد و همه را یک جا جمع کرد و کتابی نوشت به نام أسرار الشهاده . واقعاً مطالب این کتاب انسان را وادار می کند که به اسلام بگرید» (حماسه حسینی : ج 1 ص 55 و ص 106) .

7 . ناسخ التواریخ

پذیرش کردن گزارش هایی است که به سادگی قابل قبول نیستند .(1)

7 . ناسخ التواریخ میرزا محمدتقی سپهر ، مشهور به لسان الملک (م 1297 ق) از شاعران و منشیان دربار قاجار است . او در کنار کار دیوانی ، مأمور شد تا کتابی را درباره تاریخ جهان از آدم علیه السلام تا آن زمان ، بنگارد .(2) کتابی که همه آنچه را گفته اند و امکان وقوع دارد ومحال نیست ، در خود جای دهد هر چند دور از ذهن باشد . او این تفصیل را در بخش مربوط به امام حسین علیه السلام حفظ کرده و از این رو «هر قصّه را که در کتب معارف مورّخین و محدّثین»(3) دیده ، آورده است . او هر چند، گاه به گاه به نقد پاره ای منقولات دست می یازد ، اما خود نیز اشتباهات تاریخی دارد و مطالب ضعیف به کتابش راه یافته است و از این رو با وجود استفاده اهل منبر و مرثیه از آن ، نمی توان متفردات آن را معتبر دانست . شهید قاضی طباطبایی اشتباهات آن را فراوان دانسته و محتویات بدون مدرک آن را قابل اعتماد ندانسته است .(4) شهید مطهری نیز هر چند

.

1- .گزارش های غیر قابل باور مانند کشته شدن بیست و پنج هزار نفر به دست حضرت عباس و 330 هزار نفر به دست امام حسین علیه السلام و یا قصه پردازی درباره چگونگی بیرون آمدن امام حسین علیه السلام از مدینه که به زیّ پادشاهان شبیه کرده است و یا ارائه رقم 000/600/1 نفری برای سپاه عمر سعد ، (ص 345) .

2- .لغت نامه دهخدا : مدخل سپهر کاشانی .

3- .ناسخ التواریخ : ج 1 ص 378 .

4- .تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهدا علیه السلام : ص 97 و ص 12 .

8 . عنوان الکلام

مؤلّف را متدین خوانده ، اما تاریخش را چندان معتبر ندانسته و برخی از اشتباهات تاریخی او را گوشزد کرده است .(1)

8 . عنوان الکلام ملا محمد باقر فشارکی (م 1314) از فقیهان قرن سیزدهم و چهاردهم اصفهان است . رشته اصلی او فقه اما صاحب منبر وعظ و خطابه نیز بوده است . او بدون آن که قصد بیان تاریخ عاشورا را داشته باشد در پایان سخنرانی هایش چند جمله ای ذکر مصیبت می کرد . او سپس بخشی از این سخنرانی ها را که در شرح دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان بود به نگارش درآورد و سپس دو عشریه که نوشته های ویژه مصائب امام حسین علیه السلام و در قالب مجالس دهگانه بود به آن افزود . فشارکی در مقام تاریخ نویسی نیست و قصدش ذکر مصیبت و گریاندن مردم است ، از این رو در بسیاری از موارد سندی برای گفته های خود ارائه نمی دهد و حتی گاه با وجود تصریح به نبودن برخی مطالب در کتب معتبر و مشهور(2) ، تنها به گمان و احتمال ، آن را نقل می کند .

.

1- .فلسفه تاریخ : ص 14 ، حماسه حسینی : ج 2 ص 107 . استاد مطهری این نکته را بر مؤلف ناسخ التواریخ خرده می گیرد که نوشته : اسب امام حسین علیه السلام چهل تن را با لگد و دندان کشت و سپس به خیمه امام حسین علیه السلام بازگشت و چندان سر خود را به زمین کوبید که جان از تنش بیرون شد .

2- .ر . ک : عنوان الکلام : ص 294 .

9 . تذکره الشهداء

کتاب عنوان الکلام مرجع و مستند کتاب های پژوهشی و تاریخی واقع نشده ، اما به دلیل ذکر برخی مواعظ حدیثی و داستانی گاه مورد استناد اهل منبر قرار می گیرد . تأخر زمانی مؤلف ، نقص ارجاع علمی به کتب و منابع و گزارش های منفرد و بدون شاهد(1) کتاب را می توان دلیل عدم استفاده علمی از آن دانست .(2)

9 . تذکره الشهداءملا حبیب شریف کاشانی (م 1340 ق) از عالمان و فقیهان پر نویس قرن چهاردهم است . او نزدیک به 200 نوشته دارد که از جمله آنها ، تذکره الشهداء است . کار اصلی شریف کاشانی فقه و علوم وابسته به آن بوده ، اما به دلیل شیفتگی به امام حسین علیه السلام تاریخ مفصّلی در شرح حال شهیدان عاشورا نگاشت . شریف کاشی در این کتاب از همه گونه منابع قوی و ضعیف ، نقل کرد و از این رو با وجود ردّ برخی اخبار از سوی مؤلّف ، تعدادی از روایت های ضعیف در کتاب باقی مانده است . این اخبار پشتوانه تاریخی ندارند وقرائن دیگری در کنار آنها وجود ندارد و از این رو همه گزارش های کتاب قابل اعتماد

.

1- .برای آگاهی از متفرّدات بدون پشتوانه تاریخی کتاب ، ر . ک : ص 81 و 268 : مرثیه مادر علی اصغر برای طفل شیرخوارش ، ص 265 و 326 : بیرون کشیدن پیکر علی اصغر از قبر و جدا کردن سر او از بدن و مطالب دیگر در صفحات : 194 ، 280 ، 282 ، 320 و ... .

2- .ر . ک : الذریعه : ج 15 ص 268 ، شماره 1740 و ص 353 ، شماره 2267 ، معجم المؤلفین : ج 9 ص 91 ، اعیان الشیعه : ج 9 ص 332 .

نیست . نمونه های گزارش های متفرّد و تأیید ناشده این کتاب را می توان در صفحات متعددی مشاهده کرد . گفتنی است برخی از این اخبار محال و یا خارق العاده نیستند ، اما سند و منبع قابل اتکایی ندارند .(1)

10 . معالی السبطین محمد مهدی حائری مازندرانی از نویسندگان قرن چهاردهم (م 1385) دو کتاب دیگر نیز درباره اهل بیت علیهم السلام دارد که یکی با نام «شجره طوبی» و دیگری «الکوکب الدرّی فی احوال النبیّ والبتول والوصیّ» است . مرحوم حائری مازندرانی در کتاب «معالی السبطین» اندکی به شرح حال امام حسن و بقیه کتاب را به امام حسین علیه السلام پرداخته است . او مطالب کتاب را با داستان و شعر درهم آمیخته و آن ها را به شکل مطالب مناسب مجالس سوگواری عرضه کرده است . او مطالب تاریخی ، حدیثی و گوناگون را نقل می کند تا زمینه مناسبی برای گزارش مقتل و وقایع عاشورا ، فراهم آورد و در این میان از نقل مطالب ضعیف و استفاده از کتب و منابع غیر قابل اعتماد - مانند روضه

.

1- .ر . ک : ص 218 و 222 : مسموم بودن و سه شعبه داشتن تیر اصابت کرده به گلوی حضرت علی اصغر ، ص 270 : حرکت نکردن اسب برای رسیدن به قتلگاه عباس ، ص 296 تا 299 : شروع جنگ از روز سوم محرم ، ص 325 و 443 : سوغات و یادگاری آوردن برای دختر امام حسین علیه السلام و امّ البنین ، ص 365 : آمدن صدا از حلقوم بریده و نیز ص 24 ، 156 ، 411 و ... .

الشهداء ، اسرار الشهادات ، منتخب طریحی و ... - خودداری نمی کند . شهید قاضی طباطبایی که با مؤلف آشنایی و مکاتبه داشته نیز نقلیات کتاب را چندان قابل اعتماد نمی داند و آن را آمیخته از صحیح و ضعیف خوانده و از این رو ناظر کتاب را به دقت در آن فرا می خواند .(1) نمونه هایی از اخبار ضعیف و حتی متفرد کتاب را می توان در این صفحات دید .(2)

.

1- .تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیّد الشهدا علیه السلام : ص 206 .

2- .مانند این که امام حسین علیه السلام وقتی دید علی اکبر به میدان می رود سه بار مُشرف به مرگ شد ! (ج 1 ص 254) یا عمه ها و خوهران علی اکبر از رفتن وی به میدان ممانعت کردند ! (ج 1 ص 254) یا حضرت زینب قبل از آمدن امام خودش را روی جنازه علی اکبر انداخت چون می دانست اگر او فرزندش را کشته ببیند روح از بدنش مفارقت می کند (ج 1 ص 254) یا خروج لیلی از خیمه با سر برهنه پس از شهادت علی اکبر (ج 1 ص 255) .

3 . منابع معاصر

(3)منابع معاصرمنابع پس از قرن 9 و 10 آن اندازه متعددند که نمی توان به همه آنها پرداخت . اما به گونه ی کلی می توان گفت اعتبار این کتب ، تابع اعتبار منابع مورد استفاده آنها است . به سخن دیگر ، هر اندازه گزارش کتب متأخر و معاصر متکی به کتاب های کهن تر و معتبرتر باشد و در نقل خود دقت کرده و رعایت امانت بیشتری کرده باشد ، قابل اعتمادتر خواهد بود . نمی توان کتابی مانند «الکبریت الاحمر» را با وجود عالم بودن نویسنده آن ، محمدباقر بیرجندی (1276 - 1352 ق) که کتاب خود را با تتبع فراوان گردآورده معتبر و یا غیر معتبر دانست ؛ زیرا برخی منابع آن ، قابل اعتماد و برخی ضعیف هستند و هر چند مؤلف گاه به نقد برخی گزارش ها پرداخته ، اما نقل بدون داوری مطالب از کتابهای ضعیف نیز در آن کم نیست . گفتنی است بر همین اساس اعتبار بحارالأنوار ، نفس المهموم و منتهی الآمال بیشتر است ؛ زیرا اکثر گزارش های آنها قابل قبول و مستند به کتب کهن و معتبر هستند ، به ویژه آن که محدث قمی رحمه اللّٰه علیه با عنایت به منابع غیر قابل استناد در پاره ای

.

از موارد به ارزیابی روایات نیز پرداخته و لذا استفاده از آنها بلا مانع است ، مشروط به این که مطالبی که در این کتابها از اهل بیت علیهم السلام نقل شده به منبع گزارش نسبت داده شود ، نه به اهل بیت علیهم السلام . نتیجه این سخن آن است که تنها به دلیل وجود یک گزارش تاریخی در کتاب های معاصر ، هر چند مشهور و مورد توجه ، نمی توان آن را یک سند قابل اتکای تاریخی دانست و به استناد آن ، مطلبی را به اهل بیت علیهم السلام نسبت داد ، بلکه باید منبع آن نیز معلوم و سنجیده گردد .

.

فصل ششم : تحلیلی در باره متفرّدات منابع متأخّر

دلایل بهره نبردن از منابع متأخّر

اشاره

فصل ششم : تحلیلی در باره متفرّدات منابع متأخّرمطالعه تفصیلیِ گزارش های مربوط به واقعه عاشورا ، که در منابع کهن آمده (1) ، این پرسش را برای پژوهشگر پدید می آورد که : چرا شماری از مطالب مشهوری که در منابع متأخّر آمده اند و بسیاری از مرثیه سرایان در تبیین واقعه عاشورا مطرح می کنند ، در این منابع نیست ؟ آیا مُتفرّدات منابع متأخّر(2) ، معتبر نیستند و اصولاً این گزارش ها اساسی ندارند؟ و یا دلیل دیگری در این باره وجود دارد؟

دلایل بهره نبردن از منابع متأخّردر فصول گذشته نکاتی در این باره بیان شد ؛ ولی با توجّه به اهمّیت موضوع و برای روشن تر شدن پاسخ پرسش های یاد شده ، در این جا نیز به دلایل عدم استفاده ما از منابع متأخّر و نیامدن شماری از گزارش های مشهور واقعه عاشورا در دانش نامه امام حسین علیه السلام و در این فرهنگ نامه ، می پردازیم :

.

1- .ر.ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : ج 3 - ج 8 .
2- .گزارش هایی که تنها در منابع متأخّر آمده اند و در منابع کهن ، اثری از آنها نیست .

1 . ارائه مستند واقعه عاشورانخستین دلیل بهره نگرفتن از منابع متأخّر در دانش نامه امام حسین علیه السلام ، ارائه تاریخ معتبر و مستند زندگی آن امام هُمام و بویژه واقعه عاشوراست . از این رو ، روش ما در نگارش این دانش نامه ، بهره گیری از کهن ترین منابع قرن اوّل تا هفتم و بعضاً تا قرن نهم هجری بوده است . بر این اساس ، گزارش هایی که در مصادر بعدی آمده اند و ریشه در منابع اصلی و کهن ندارند ، مورد استناد ما قرار نگرفته اند . البتّه این سخن ، بِدان معنا نیست که هر چه در منابع کهن وجود دارد ، معتبر است ؛ بلکه مقصود ، این است که مطالب منابع جدیدی که ریشه در مصادر اصلی ندارند ، اساساً قابل استناد نیستند ، و گر نه ، اعتبار مطالب منابع کهن و قابل استناد نیز منوط به ارزیابی های لازم است ، چنان که ما در دانش نامه امام حسین علیه السلام ، موارد قابل توجّهی از مطالب این منابع را مورد نقد قرار داده ایم .

2 . عدم نیاز به گزارش مُتفرّدات منابع متأخّرچنان که پیش از این اشاره کردیم تاریخ عاشورا ، بیش از هر موضوع دیگری ، دارای منابع معتبر و قابل استناد است و اصولاً نیازی به گزارش های منابع غیر قابل استناد ، نیست .(1)

.

1- .ر.ک : فصل پنجم .

3 . تمایز روشن گزارش های منابع کهن و منابع جدید

یک نکته

3 . تمایز روشن گزارش های منابع کهن و منابع جدیداین نکته ، تنبّه آفرین است که گزارش منابع کهن تا قرن نهم در باره واقعه عاشورا ، تفاوت و تمایز روشنی با گزارش کتاب های سده های پس از آن دارد ، از جمله این که : الف - در منابع سده های اخیر ، صدها بلکه هزارها گزارش نو دیده می شوند که در منابع کهن ، اثری از آنها نیست . ب - شیوه ای که مصادر ضعیفِ سده های اخیر برای گزارش واقعه عاشورا انتخاب کرده اند ، شیوه داستان سرایی به جای نقل مستندِ تاریخی است . از این رو ، گزارش های کوتاهِ منابع اصلی ، در این گونه کتاب ها ، به داستان هایی بلند با جزئیات فراوان ، تبدیل شده اند . ج - بسیاری از منابع یاد شده ، برای تحریک عواطف مردم ، حتّی تا مرز نادیده گرفتن عزّت و کرامت خاندان رسالت ، پیش رفته اند .

یک نکته ممکن است در دفاع از گزارش های منابع سده های اخیر ، گفته شود : نبودن این گزارش ها در منابع اصلیِ فعلی ، دلیل عدم استناد آنها نیست ؛ زیرا ممکن است تهیّه کنندگان آنها به منابعی دسترسی داشته اند که نزد آنها معتبر بوده ؛ امّا به دست ما نرسیده است . پاسخ این سخن ، این است که : اوّلاً ، هیچ یک از نویسنده های

.

اقسام گزارش منابع متأخّر

کتاب های ضعیف مشهور،ادّعا نکرده اند که به نسخه ای معتبر دسترسی داشته اند که دیگران از آن بی بهره بوده اند و معمولاً گزارش های آنان ، مستند نیست ، وگاه گزارش های خود را مستند به کتاب هایی نظیر خود کرده اند (که بعضاً همین استنادها هم نادرست است (1)) . ثانیاً ، این گونه کتاب ها در پاره ای از موارد ، گزارش های خود را به منابع معتبر ، مستند می کنند ؛ امّا با مراجعه به منابع یاد شده ، مشخّص می شود که استناد آنها اشتباه است .(2)

اقسام گزارش منابع متأخّرگزارش های منابع متأخّر را به سه دسته می توان تقسیم کرد : دسته اوّل ، گزارش هایی که خلاف واقع بودن آنها ، روشن و قطعی است ؛ مانند : شماری از مطالب کتاب های روضه الشهداء ؛ أسرار الشهاده

.

1- .مانند ماجرای ترک صحنه کربلا توسّط برخی اصحاب در شب عاشورا که الدمعه الساکبه (ج 4 ص 271) از کتاب نور العین نقل می کند ؛ ولی در این کتاب ، یافت نشد و مانند به احتضار افتادن امام علیه السلام هنگام میدان رفتن علی اکبر که معالی السبطین (ج 1 ص 254) از شیخ جعفر شوشتری نقل می کند که در کتاب های وی یافت نشد و مانند سه شعبه بودن تیری که بر علی اصغر وارد شد که تذکره الشهداء (ص 218) از مقتل منسوب به ابو مخنف نقل می کند که در آن پیدا نشد .

2- .مانند ماجرای هلال بن نافِع در شب عاشورا ، که کتاب الدمعه الساکبه (ج 4 ص 272) به شیخ مفید رحمه اللّه علیه نسبت می دهد ؛ ولی در هیچ یک از کتاب های مفید و غیر او از قدما ، چنین مطلبی نیامده است یا مانند ماجرای نماز شب خواندن زینب علیها السلام در شب یازدهم به صورت ایستاده ، که وفیات الأئمّه (ص 440) از کتاب مثیر الأحزان نقل می کند ، ولی در آن جا وجود ندارد .

و المنتخب، طُرَیحی و سایر منابع متأخّر ضعیفی که در مبحث «آسیب شناسی مرثیه سرایی و عزاداری» ، مورد اشاره قرار گرفت و ریشه یابی گردید . دسته دوم ، گزارش هایی که متن آنها ایرادی ندارد ؛ ولی نه تنها دلیلی بر صحّت آنها ارائه نشده ، بلکه به دلیل آن که در منابع اصلی دیده نمی شوند و در کنار مطالبی قرار دارند که دروغ بودن آنها واضح است ، واقعیت داشتن آنها ، جدّاً مورد تردید است . دسته سوم ، گزارش هایی که در منابع اصلی تاریخی و حدیثی نیز وجود دارند . به نظر ما ، تنها دسته سوم از گزارش های منابع متأخّر ، قابل نقل و استنادند ، و اگر کسانی این نظریه را نمی پذیرند و به دلیل هیجان انگیز بودن متفرّداتِ منابع ضعیف و برای گرم کردن مجالس ، نمی توانند از نقل آنها صرف نظر کنند ، بهره گیری از این دانش نامه ، حدّ اقل این فایده را برای آنها خواهد داشت که بتوانند مطالب دستِ اوّل را که در منابع کهن آمده ، از گزارش هایی که در منابع اصلی وجود ندارند ، تفکیک کنند تا بویژه در نسبت دادن سخنی به اهل بیت علیهم السلام برای امری مستحب ، مرتکب حرامِ مسلّم و نهیِ قطعیِ (وَ لَا تَقْفُ مَا لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ)(1)نگردند .

.

1- .(از چیزی که نمی دانی ، پیروی نکن) (اسرا : آیه 36) .

نمونه هایی از متفرّدات منابع متأخّر

1 . فتوای شُرَیح قاضی در باره امام حسین علیه السلام

2 . نوازش دختر مسلم

نمونه هایی از متفرّدات منابع متأخّراکنون برای نمونه ، به شماری از گزارش هایی که در منابع متأخّر آمده یا در زبان مرثیه سرایانْ شهرت یافته اند ، امّا در منابع اصلی دیده نمی شوند ، به طور اجمال ، اشاره می کنیم :

1 . فتوای شُرَیح قاضی در باره امام حسین علیه السلام در منابع اصلی،نقش شُرَیح قاضی در ماجرای دستگیری وشهادتهانی بن عروه بیان شده است (1)؛ امّا آنچه شهرت یافته که وی ، فتوای قتل امام حسین علیه السلام را صادر کرده ، تنها در منابع متأخّر (مانند : تذکره الشهداء(2) که در قرن چهاردهم نگارش یافته) دیده می شود .

2 . نوازش دختر مسلم در کتاب المنتخب، طُرَیحی ، ضمن گزارش رسیدن خبرشهادتمسلم علیه السلام به امام حسین علیه السلام در راه کوفه ، آمده است : مسلم ، دختری یازده ساله داشت که همراه حسین علیه السلام بود . حسین علیه السلام زمانی که از مجلس برخاست ، به سمت خیمه آمد ، آن دخترک را نوازش کرد و به خود ، نزدیک نمود و چون همان گونه که با یتیمان رفتار می کنند ، به سر و پیشانی او دست کشید ، به دخترک ، احساس

.

1- .ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام :بخش هفتم / فصل چهارم / گرفتار شدن هانی و ماجرای او .
2- .تذکره الشهداء: ص 279 .

3 . دستور خاموشی در شب عاشورا

ناخوشی دست داد . پس گفت : عمو جان ! قبلاً ندیده بودم که با من ، چنین کنی . گمان می کنم که پدرم بهشهادترسیده است ! پس حسین علیه السلام نتوانست خود را نگاه دارد ، گریست و فرمود : «دخترم ! من ، پدر تو اَم و دخترانم ، خواهران تو اَند ...» .(1) ظاهراً منبع اصلی این گزارش ، کتاب روضه الشهداء(2) است که صاحب کتاب المنتخب ، آن متن را تعریب کرده است ؛ ولی این گزارش ، در منابع کهن و قابل استناد ، نیامده است .

3 . دستور خاموشی در شب عاشورامشهور است که در شب عاشورا ، امام حسین علیه السلام دستور داد که چراغ ها را خاموش کنند تا هر کس که می خواهد ، برود . پس چراغ ها را خاموش کردند و همراهان امام علیه السلام شروع به رفتن کردند . ظاهراً اصل این ماجرا ، برگرفته از کتاب ضعیف الدمعه الساکبه است که مطلبی را از کتابی ضعیف تر از خود ، یعنی کتاب نور العین ، نقل می کند(3) و این گزارش را به سکینه علیها السلام نسبت می دهد که گفته است : من در شبی مهتابی ، در وسط چادر نشسته بودم که از پشت آن ، صدای گریه و شیون شنیدم . دامن کشان ، از خیمه بیرون رفتم و ناگهان ، پدرم را دیدم که نشسته و یارانش دورش هستند . پدرم می گریست و شنیدم که می گفت : «بدانید که با من بیرون آمدید ، چون می دانستید که من به سوی مردمی می روم که با من از دل و زبان ، بیعت کرده اند ؛ امّا اوضاع ، کاملاً دگرگون شد ؛ چون شیطان بر آنها چیره گشت و خدا را از یادشان برد ، و اکنون ، جز کشتن من و کشتن هر که در راه من تلاش می کند ، و نیز اسارت خانواده ام پس از غارتشان ، هدفی ندارند . من نگرانم که شما نسبت به آنچه می دانید ، خجالت بکشید . نیرنگ زدن ، در نزد ما اهل بیت ، حرام است . پس هر یک از شما که دوست ندارد بماند ، برود . شب ، تاریک است و راه ، باز و زمان ، به هنگام . و هر کس به ما کمک کند ، همراه ما در بهشت خواهد بود و از خشم خدای مهربان ، در امان . جدّم پیامبر خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود : «پسرم حسین ، در سرزمین کربلا ، تنها و بی کس و تشنه و غریب ، کشته می شود . هر که به او کمک کند ، به من کمک کرده است و نیز به فرزند او قائم - که خداوند در فَرَج او تعجیل نماید - کمک کرده است . هر کس با زبانش به ما کمک کند ، در قیامت با حزب ما خواهد بود» . به خدا

سوگند ، هنوز سخن پدرم به پایان نرسیده بود که جمعیت ، ده تا و بیست تا ، پراکنده شدند و با او جز 71 نفر نماند . به پدرم نگاه انداختم که سرش به زیر بود . اشک گلوگیرم شد ... .(4)

.

1- .المنتخب ، طریحی : ص 364 . گفتنی است که مسلم بن عقیل ، هم پسر عموی امام حسین علیه السلام است و هم شوهر خواهر ایشان ، بدین ترتیب ، ایشان ، دایی فرزندان مسلم و به دختر مسلم ، مَحرم است .

2- .روضه الشهداء : ص 252 .

3- .گفتنی است که این مطلب را در کتاب نور العین نیافتیم .

4- .الدمعه الساکبه : ج 4 ص 271 .

گفتنی است که دستور خاموش کردن چراغ ها توسّط امام علیه السلام ، حتّی در مَقتل های ضعیف هم دیده نشده است ، چنان که هیچ منبع معتبری ، گزارش نکرده که شب عاشورا ، کسی از یاران امام علیه السلام ، از ایشان جدا شده باشد ؛ بلکه به عکس ، در مقابل پیشنهاد امام علیه السلام مبنی بر ترک کربلا ، همگی ضمن حقیر شمردن مرگ ، دلیرانه سرود مقاومت سر دادند و با سخنانی شورانگیز در ابراز جانبازی در راه خدا، حماسه ای جاوید آفریدند.(1)

.

1- .ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : بخش هشتم / فصل یکم : پاسخ خانواده و یاران امام .

4 . داستان هلال و حبیب و آوردن اصحاب به کنار خیمه اهل بیت

4 . داستان هلال و حبیب و آوردن اصحاب به کنار خیمه اهل بیت کتاب الدمعه الساکبه ، داستان مفصّل و شورانگیزی را گزارش کرده که اجمال آن ، این است که در واقعه عاشورا ، شبی امام حسین علیه السلام از خیمه ها بیرون آمد . هلال بن نافِع برای پاسداری از جان امام علیه السلام به دنبال ایشان راه افتاد . امام علیه السلام وقتی متوجّه وی شد ، بعد از گفتن مطالبی ، به وی پیشنهاد داد که کربلا را ترک کند و خود را نجات دهد ؛ امّا او این پیشنهاد را نپذیرفت . هلال می گوید : سپس امام علیه السلام از من جدا شد و به خیمه خواهرش وارد شد . زینب علیها السلام که از وفاداری یاران امام علیه السلام دچار تردید شده بود ، به ایشان گفت : برادرجان ! انگیزه یارانت را آزموده ای؟ من می ترسم که تو را در هنگام حمله و برخورد نیزه ها ، تسلیم دشمن کنند !

.

در این جا امام علیه السلام به گریه افتاد و فرمود : «هلا ! به خدا سوگند ، آنها را ارزیابی کرده و آزموده ام . در میان آنان ، جز انسان سرافرازِ سرسخت نیست ، که اشتیاقشان به مرگ در راه من ، همانند اشتیاق کودک به شیر مادر است ...» . در ادامه ، از هلال ، نقل شده که با شنیدن این سخنان ، به گریه افتاد . پس حبیب بن مُظاهر را خبر کرد و حبیب ، در همان دلِ شب ، یاران امام علیه السلام را صدا زد و آنها را اطراف خیمه اهل بیت امام علیه السلام ، جمع کرد و آنها با سخنان عجیب و شگفت انگیزی ، حمایت خود را از ایشان اعلام کردند . در این حال ، زنان از خیمه ها بیرون آمدند و گریه سر دادند و از آنها ، تقاضای حمایت کردند . در باره این داستان مفصّل - که نگارنده الدمعه الساکبه ، آن را در بیش از دو صفحه بیان کرده - ، باید گفت که هیچ اثری از آن در منابع معتبر ، دیده نمی شود و احتمالاً ، وی نخستین کسی است که این ماجرا را گزارش کرده است . البتّه وی این گزارش را به شیخ مفید ، نسبت داده ؛ (1) ولی این مطلب ، در هیچ یک از کتب موجود شیخ مفید و بلکه در هیچ کتاب معتبر دیگری نیز وجود ندارد . ضمناً باید توجّه داشت که هلال بن نافع - که این گزارش به او نسبت داده شده - ، از یاران امام علیه السلام نیست ؛ بلکه از سپاه دشمن است و نام صحابی امام ، «نافع بن هلال» بوده است .

.

1- .الدمعه الساکبه : ج 4 ص 272 .

فهرستِ شماری دیگر از متفرّدات منابع متأخّر

فهرستِ شماری دیگر از متفرّدات منابع متأخّراگر بخواهیم متفرّدات منابع متأخّر در باره واقعه عاشورا را همانند نمونه های پیش گفته گزارش کنیم ، چه بسا لازم باشد که کتابی در این باره تالیف گردد .(1) از این رو ، برای آگاهی پژوهشگران ، تنها فهرستوار به شماری دیگر از آنها اشاره می کنیم : - گزارش سخنرانی منسوب به امام علیه السلام پس از نماز ظهر عاشورا ؛(2) - گزارش حضور جابر بن عُروه غِفاری (از اصحاب پیامبر صلی اللّه علیه و آله) در کربلا و فرمایش امام به او که : شکر اللّه سعیک یا شیخ ؛ خداوند ، تلاش تو را پاداش دهد ، ای پیرمرد ! ؛(3) - گزارش ملاقات حبیب بن مُظاهر با مسلم بن عَوسَجه در مغازه عطّاری در بازار کوفه برای خرید رنگ مو ، و چگونگی رسیدن حبیب به کربلا و ابلاغ سلام زینب علیها السلام به وی هنگام ورودش به کربلا ،(4) - گزارش همبازی بودن زُهَیر بن قین با امام حسین علیه السلام در کودکی ، در دوران حیات پیامبر صلی اللّه علیه و آله ، و این که او در همان زمان ، خاک های زیر قدم های امام علیه السلام را بوسیده و مورد ملاطفت پیامبر صلی اللّه علیه و آله قرار گرفته

.

1- .بلکه به گفته شهید مطهری : «اگر بخواهیم روضه های دروغی را که می خوانند ، جمع آوری کنیم ، شاید چند جلد کتاب پانصد صفحه ای بشود» (حماسه حسینی : ج 1 ص 18) .

2- .مقتل الحسین منسوب به ابی مخنف : ص 105 ، أسرار الشهادات : ج 2 ص 266 (تقریباً با همان الفاظ از مقتل الحسین منسوب به ابی مخنف) .

3- .مقتل الحسین منسوب به ابی مخنف : ص 115 .

4- .أسرار الشهادات : ج 2 ص 591 .

است (1)؛ - بسیاری از گزارش های معالی السبطین ، اسرار الشهادات و عنوان الکلام در بارهشهادتعلی اکبر علیه السلام ،(2) - گزارش این که امام حسین علیه السلام ، علی اصغر را روی دست گرفت و به سپاه کوفه فرمود : «وی را یک جرعه آب دهید که از غایت تشنگی ، شیر در پستان مادرش نمانده» ؛(3) - گزارش اختلاف افتادن در لشکر عمر بن سعد در باره آب دادن به علی اصغر و دستور ابن سعد به حَرمَله برای قطع نزاع ؛ (4) - گزارش سخن حرمله به مختار ، با این مضمون که : «اکنون که مرا می کُشی ، بگذار کارهای خود را بگویم تا قلبت را بسوزانم : من ، سه تیر سه شاخه زهرآلود داشتم . یکی را به گلوی علی اصغر زدم ، دومی را به قلب حسین ، و با سومی ، گلوی عبد اللّه بن حسن را هدف گرفتم» ؛(5) - گزارش تبسّم علی اصغر به امام حسین علیه السلام پس از تیر خوردنش ، (6) - گزارش آمدن شیر در سینه مادر علی اصغر ، پس از خوردن آب

.

1- .مجالس المواعظ: ص 59 ، المنتخب ، طریحی : ص 196 (نام زهیر بن قین در آن نیست) .

2- .معالی السبطین : ج 1 ص 254 ، أسرار الشهادات : ج 2 ص 514 ، عنوان الکلام : ص 282 .

3- .روضه الشهداء : ص 342 .

4- .مصرع الحسین علیه السلام : ص 181 .

5- .سوگ نامه آل محمّد صلی اللّه علیه و آله : ص 535 (به نقل از: منهاج الدموع : ص 411) .

6- .محرق القلوب : ص مقابل ص 105 .

در شب یازدهم محرّم ، و این که وی پستان های خود را سرِ دست گرفته و گفته : «نورِ دیده ، علی اصغر ! کجایی که پستان های من ، پُر از شیر است ؟» ؛(1) - گزارش بیرون آورده شدن قُنداقه علی اصغر از زیر خاک و جدا کردن سر او و به نیزه کردن آن ؛(2) - گزارش سفارش امیر مؤمنان علیه السلام در شب 21 ماه رمضان به عبّاس علیه السلام که : «مبادا در روز عاشورا آب بخوری ، در حالی برادرت حسین ، تشنه است!» ؛(3) - گزارش توصیه امیر مؤمنان علیه السلام به فرزندان خود در باره امام حسن علیه السلام و سپردن امام حسین علیه السلام به عبّاس علیه السلام به عنوان امانت خدا و پیامبر صلی اللّه علیه و آله و فاطمه علیها السلام و خودِ ایشان ؛(4) - گزارش سخن حضرت عبّاس علیه السلام به امام حسین علیه السلام که : «می خواهم یک بار دیگر صورتت را ببینم ؛ ولی حرمله تیر بر چشمان من زده است» ؛(5) - گزارش سخن فاطمه کِلابی (اُمُّ البَنین) که وقتی به خانه امیر

.

1- .عنوان الکلام : ص 268 و123 تقریبا با همان الفاظ .

2- .عنوان الکلام : ص 54 و 265 و 326 .

3- .معالی السبطین : ج 1 ص 277 .

4- .شعشعه الحسینی : ج 2 ص 60 .

5- .تذکره الشهداء : ص 272 . ملّا حبیب اللّه شریف کاشانی ، در ادامه کلام خود ، این مطلب را این گونه رد می کند : «بسیار ضعیف است و در کتب مشهوره نیست» .

مؤمنان علیه السلام رفت ، تقاضا کرد که ایشان ، او را «فاطمه» خطاب نکند تا فرزندان زهرا علیها السلام به یاد مادرشان نیفتند؛ (1) - گزارش ماجرای جلوگیری برخی از اهل بیتِ امام علیه السلام از حرکت اسب ایشان و تقاضای پایینِ آمدنِ از اسب و یا بوسیدن زیرِ گلوی ایشان ، (2) و نیز گفتن جمله «مَهلاً مهلاً ، یا ابن الزهراء!» . گفتنی است که این جمله ، حتّی در منابع ضعیف هم یافت نشد . تنها در أسرار الشهادات آمده است که : فأرادَ علیه السلام أنْ یَخرُجَ مِنَ الخیمه ، فلَصَقَت بِهِ زَینبُ علیها السلام فقالت : مَهلاً یا أخی ! توقَّف حتّی أُزَوِّدَ مِن نَظَری و اُوَدّعَک . (3) امام علیه السلام تصمیم گرفت که از خیمه بیرون برود ، که زینب علیها السلام خود را به اوچسبانْد و گفت : برادرجان ! آهسته ! درنگ کن تا تو را کاملاً ببینم و با تو خداحافظی کنم . - گزارش سراسیمه آمدن زینب علیها السلام نزد امام زین العابدین علیه السلام در خیمه ، پس ازشهادتامام حسین علیه السلام و پرسیدن علّت دگرگون شدن اوضاع عالَم ، و سخن امام علیه السلام به وی که : «ای عمّه ! دامن خیمه را بالا بزن» و نگاه کردن امام علیه السلام به سر بُریده پدر و مخاطب قرار دادن زینب علیها السلام که : «ای عمّه ! مُهیّای اسیری باشید ، که پدرم را شهید

.

1- .این مطلب را در هیچ مصدر معتبر یا غیر معتبری نیافتیم و اساساً در منابع معتبر ، هیچ گفتگویی از این بانو با امیر مؤمنان علیه السلام یا فرزندان ایشان در هیچ موردی ثبت نشده است .

2- .أنوار المجالس : ص 98 ، تذکره الشهداء : ص 311 .

3- .أسرار الشهادات : ج 3 ص 56 .

کردند» ؛(1) - گزارش های مربوط به هجوم به خیمه ها ، مانند: تصریح به کتک خوردن اهل حرم امام علیه السلام (2) و کشیدن زیرانداز از زیر امام زین العابدین علیه السلام و بر زمین افکندن ایشان ،(3) و زیرِ دست و پا ماندن برخی از کودکان (4) و دستورِ امام زین العابدین علیه السلام به عمّه اش زینب علیها السلام که : «عَلَیکُنَّ بِالفرار ؛ بر شما بادْ فرار!» در پاسخ چاره جویی او ،(5) و سرشماری کودکان کاروان در پایان کار و مشخّص شدن این که دوتن از آنان در نقطه ای جان داده اند ،(6) - گزارش چگونگی آمدن بنی اسد برای دفن اجساد شهدا و این که امام زین العابدین علیه السلام در باره کمک آنان در دفن پدر بزرگوارش فرمود: «مَعی مَن یُعینُنی ؛ همراه من ، کسی هست که مرا یاری کند» و خطاب به پدرش فرمود : «أمّا الدُنیا فَبَعدک مُظلمه ؛ دنیا پس از تو ، تاریک است» و این که روی قبر پدر با انگشت نوشت : «هذا قَبرُ حُسَینِ بنِ عَلِیٍّ بنِ أبی طالِبٍ الَّذی قَتَلوهُ عَطشاناً غَریباً ؛ این ، قبر حسین بن علی بن ابی طالب است که

.

1- .تذکره الشهداء : ص 347 .
2- .المنتخب ، طریحی : ص 183 ، عنوان الکلام : ص 213 .
3- .نور العین : ص 53، مقتل الحسین منسوب به ابی مخنف : ص 154 ، معالی السبطین : ج 2 ص 51 .
4- .وفیات الأئمّه : ص 160 .
5- .معالی السبطین : ج 2 ص 52 .
6- .معالی السبطین : ج 2 ص 53 .

او را تشنه و غریب ، کُشتند» (1)؛ - گزارش سخن زینب علیها السلام خطاب به جسد برادر : «هل أنت أخی؟ هل أنت ابن أبی ؟ ؛ آیا تو برادر منی ؟ آیا تو پسر پدر(2) منی ؟»(3) و بوسه زدنش بر حنجر و رگ های بُریده برادر(4) و گفتن «اللّهمّ تقبّل منّا هذا قلیل القربان ؛ خداوند ! این قربانی اندک را از ما بپذیر» (5)؛ - گزارش های مربوط به شماری از اقدامات سَکینه در کربلا به عنوان کودکی خردسال ،(6) در صورتی که بر پایه گزارش منابع قابل استناد ، وی در آن هنگام ، ازدواج کرده و همراه شوهرش به کربلا آمده بود (7)؛ - گزارش مسلمِ جَصّاص در باره حضور اهل بیت امام علیه السلام در کوفه، نان و خرما دادن کوفیان به کودکان آنها و جلوگیری اُمّ کلثوم علیها السلام از این اقدام به دلیل حرمت صدقه بر آنها و نیز این که زینب علیها السلام سرش را به چوب مَحمل زد و اشعاری خواند که با این بیت ، آغاز می شود :

.

1- .الدمعه الساکبه : ج 5 ص 13 . نیز، ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام: فصل سوم / سخنی درباره کفن و دفن شهدا .
2- .اکنون در افواه ، لفظ «مادر» به جای «پدر» ، مشهور است .
3- .شعشعه الحسینی : ج 2 ص 127 .
4- .الخصائص الحسینیّه : ص 180 ، تذکره الشهداء : ص 363 ، معالی السبطین : ج 2 ص 32 .
5- .کبریت احمر : ص 376 (به نقل از : الطراز المُذهّب) ، عنوان الکلام : ص 57 .
6- .أسرار الشهادات : ج 2 ص 581 - 583 و 402 ، عنوان الکلام : ص 302 .
7- .ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام :بخش یکم / فصل ششم : فرزندان .

«یا هِلالاً لِما استتمّ کمالاً... ؛ ای هلالی که کامل نشده ... !» ؛(1) - گزارش منسوب به امام زین العابدین علیه السلام که در پاسخ این پرسش که : «در طول سفر ، کجا به شما سخت تر گذشت ؟» ، سه بار فرمود:

.

1- .نور العین : ص 55 ، المنتخب ، طریحی : ص 463 ، مقتل الحسین منسوب به ابی مخنف : ص 158 - 161 . گفتنی است که محدّث قمی رحمه اللّه علیه در باره این خبر می نویسد : «ذکرِ محامل و هودج در غیرِ خبر مسلم جصّاص نیست و این خبر را گر چه علّامه مجلسی نقل نموده است ، ولی مأخذ نقل آن ، المنتخب، طریحی و کتاب نور العین است که حالِ هر دو کتاب بر اهل فنّ حدیث ، مخفی نیست و نسبت دادن سر شکستن به جناب زینب علیها السلام و اشعار معروف نیز از آن مخدّره - که عقیله هاشمیّین و عالمه غیر معلَّمه و رضیعه ثَدْیِ نبوّت و صاحب مقام رضا و تسلیم است - بعید است» (منتهی الآمال : ص 483) . افزون بر آنچه محدّث قمی رحمه اللّه علیه بیان نموده ، سه نکته دیگر نیز در این باره ، قابل توجّه است : نکته اوّل ، دادن هدیه و صدقه مستحب به هاشمی توسّط غیر هاشمی ، اشکالی ندارد . نکته دوم ، چگونه می توان باور کرد که زینب علیها السلام در ملأ عام در میان هزاران کوفی ، سر خود را به محمل بزند و خون جاری شود و این موضوع ، حدود هزار سال ، مسکوت بماند و پس از این مدّت طولانی ، در برخی از منابع بسیار ضعیف ، آن هم از یک نفر ، گزارش شود ؟! شایان ذکر است که همه کتاب های ضعیفی که این مطلب را از مسلم جَصّاص نقل کرده اند ، به موضوع «زدن سر به چوب محمل» اشاره ندارند . برای نمونه ، این مطلب در کتاب نور العین و نسخه چاپی مقتل الحسین علیه السلام منسوب به ابی مخنف، نیامده و تنها در المنتخب، طریحی و یک نسخه خطّی از مقتل یاد شده ، گزارش شده است . نکته سوم ، زینب علیها السلام قطعاً کاری بر خلاف توصیه مؤکّد امام حسین علیه السلام انجام نمی دهد ؛ زیرا بر اساس آنچه منابع معتبر ، گزارش کرده اند ، امام علیه السلام به ایشان سفارش فرمود : «یا اُخیّه ! إنّی اُقسم علیک فأبرّی قسمی . لا تشقی علیّ جَیباً و لا تخمشی علیّ وجهاً ؛ خواهرم ! تو را سوگند می دهم و بدان ، عمل کن . بر [مرگ]من ، گریبان چاک مده و صورتْ مخراش» (ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : بخش هشتم / فصل یکم / حال زینب در شب عاشورا) .

«امان از شام !» ؛(1) - گزارش های ریختن آب و آتش و خاکستر بر سر اهل بیت امام حسین علیه السلام و افتادن آتش بر عمامه امام زین العابدین علیه السلام و سوختن سر ایشان در شام ؛(2) گزارش بستن اهل بیت امام علیه السلام به ریسمانی که یک طرف آن به امام زین العابدین علیه السلام بسته بود و طرف دیگر آن به زینب علیها السلام و ... ؛(3) - گزارش هایی که حاکی اند قنداقه زینب را هنگامی که در کودکی آرام نمی گرفت ، در دامن حسین علیه السلام گذاشتند و آرام شد ،(4) یا این که زینب علیها السلام در کودکی ، در آفتاب خوابیده بود و حسین علیه السلام که او را چنین دید ، مانع تابش نور آفتاب به او شد ... تا این که ماجرای کربلا پیش آمد و بدن امام علیه السلام در آفتاب ماند... ؛(5) این گزارش که زینب علیها السلام هنگام ازدواج با عبد اللّٰه بن جعفر ، شرط ضمنِ عقد کرد که او را از مسافرت با امام حسین علیه السلام منع نکند ،(6) یا این که امام حسین علیه السلام در وداعِ آخر به وی فرمود : «مرا در نافله شب ،

.

1- .عنوان الكلام : ص 118 .

2- .تذكره الشهداء : ص 411 .

3- .المنتخب ، طريحى : ص 473 .

4- .شجره طوبى : ج 2 ص 153 .

5- .أنوار المجالس : ص 40 .

6- .وفيات الأئمّه عليهم السلام : ص 433 .

فراموش مکن» ،(1) یا این که زینب علیها السلام شب یازدهم یا در برخی منازل راه شام ، نماز شبش را نشسته خواند(2) و هنگامی که به مدینه بازگشت ، شوهرش عبد اللّٰه بن جعفر ، او را نشناخت؛(3) و صدها گزارش دیگر ، از این قبیل . کوتاه سخن ، این که علّتِ عدم اعتماد ما بر متفرّدات منابع متأخّر درباره واقعه عاشورا و تاریخ زندگی امام حسین علیه السلام ، معتبر نبودن و قابل استناد نبودن آنهاست ، هر چند ممکن است برخی از آنها ، در واقع ، درست باشند ، امّا دلیلی یا دستِ کم ، قرینه ای بر صحّت آنها وجود ندارد . بر این اساس ، می توان گزارش هایی را که اشکال عقلی و نقلی ندارند ، با استناد به منابع آنها نقل کرد . البتّه برای آن که شنونده گم راه نشود ، اشاره به ضعفِ منبع ، ضروری است ، هر چند با توجّه به این که رعایت این نکات ، عملاً برای همه میسور نیست ، توصیه مؤکّد ما ، خودداری کامل از نقل گزارش های مستند به منابع ضعیف است .

.

1- .وفیات الأئمّه علیهم السلام : ص 441 .

2- .معالی السبطین : ج 2 ص 133 ، وفیات الأئمّه علیهم السلام : ص 441 ، شجره طوبی : ج 2 ص 153 .

3- .در این باره ، هنوز هیچ مدرکی ، هر چند ضعیف ، یافت نشده است .

ص: 120

. .

فهرست منابع و مآخذ1 . الأخبار الطوال ، أحمد بن داوود الدينَوَرى (م 282 ق) ، تحقيق : عبد المنعم عامر ، قم : منشورات الشريف الرضى ، 1409 ق ، اوّل. 2 . أربعين حسينيه ، محمّد أرباب ، تهران : اسوه ، 1372 . 3 . الإرشاد فى معرفه حجج اللّه على العباد ، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م 413 ق) ، تحقيق : مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، 1413 ق ، اوّل . 4 . إرشاد القلوب ، الحسن بن محمّد ديلمى (م 711 ق) ، بيروت : مؤسسه الأعلمى ، 1398 ق ، چهارم . 5 . الاُصول الستّه عشر ، عدّه من الرواه ، قم : دار الشبسترى ، 1405 ق ، دوم . 6 . إعلام الورى بأعلام الهدى ، الفضل بن الحسن الطبرسى (م 548 ق) ، تحقيق : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، 1417 ق ، اوّل. 7 . أعيان الشيعه ، السيّد محسن الأمين الحسينى العاملى الشقرائى (م 1371 ق) ، به كوشش : السيّد حسن الأمين ، بيروت : دار التعارف ، 1403 ق ، پنجم. 8 . الإقبال بالأعمال الحسنه فى ما يعمل مرّه فى السنه ، على بن موسى الحلّى (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقيق : جواد القيّومى ، قم : مكتب الإعلام الإسلامى ، 1414 ق ، اوّل. 9 . اكسير العبادات فى أسرار الشهادات = أسرار الشهاده ، آغا بن عابد الشيروانى المعروف بالفاضل الدربندى ، تحقيق : محمّد جمعه بادى و عباس ملاعطيه الجمرى ، قم : دار ذوى القربى ، 1420 ق . 10 . الاحتجاج على أهل اللجاج ، أحمد بن على الطبَرسى (م 620 ق) ، تحقيق : إبراهيم البهادرى ومحمّد هادى به ، تهران : دار الاُسوه ، 1413 ق ، اوّل . 11 . الإمام الحسين عليه السلام وأصحابه ، فضل على القزوينى ، تحقيق : السيد أحمد الحسينى ، قم : محمود شريعت المهدوى ، 1415 ق . 12 . الإمامه والسياسه (المعروف بتاريخ الخلفاء) ، عبد اللّه بن مسلم الدينورى (ابن قتيبه) (م 276 ق) ، تحقيق : على شيرى ، قم : مكتبه الشريف الرضى ، 1413 ق ، اوّل. 13 . الأمالى ، محمّد بن الحسن الطوسى (م 460 ق) ، تحقيق : مؤسسه البعثه ، قم : دار الثقافه ، 1414 ق ، اوّل. 14 . الأمالى ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقيق : مؤسسه البعثه ، قم : مؤسسه البعثه ، 1407 ق ، اوّل. 15 . أنساب الأشراف ، أحمد بن يحيى البلاذرى (م 279 ق) ، تحقيق : سهيل زكّار و رياض زركلى ، بيروت : دار الفكر ، 1417 ق ، اوّل. 16 . اهل بيت در قرآن و حديث ، محمّد محمّدى رى شهرى ، ترجمه : حميدرضا شيخى و حميدرضا آژير ، قم : دارالحديث ، 1379ش ، اوّل . 17 . أهل البيت فى المكتبه العربيه ، السيد عبد العزيز

الطباطبایی (ت 1308 - 1374) ، قم : مؤسسه آل البیت علیهم السلام ، 1417 ق . 18 . إیضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون ، اسماعیل پاشا البغدادی (1839 - 1920 م) ، بیروت : دارالکتب العلمیه ، 1413 ق . 19 . بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار علیهم السلام ، محمّد باقر بن محمّد تقی المجلسی (العلّامه المجلسی) (م 1111 ق) ، بیروت : مؤسسه الوفاء ، 1403 ق ، دوم . 20 . البدایه والنهایه ، إسماعیل بن عمر الدمشقی (ابن کثیر) (م 774 ق) ، تحقیق : مکتبه المعارف ، بیروت : مکتبه المعارف . 21 . بشاره المصطفی لشیعه المرتضی ، محمّد بن محمّد الطبری (م 525 ق) ، نجف : المطبعه الحیدریّه ، 1383 ق ، دوم . 22 . تاریخ الطبری (تاریخ الاُمم والملوک) ، محمّد بن جریر الطبری (م 310 ق) ، تحقیق : محمّد أبو الفضل إبراهیم ، مصر : دار المعارف . 23 . تاریخ مدینه دمشق ، علی بن الحسن بن هبه اللّٰه (ابن عساکر الدمشقی) (م 571 ق) ، تحقیق : علی شیری ، بیروت : دار الفکر ، 1415 ق ، اوّل. 24 . تاریخ الیعقوبی ، أحمد بن أبی یعقوب (ابن واضح الیعقوبی) (م 284 ق) ، بیروت : دار صادر . 25 . تأملی در نهضت عاشورا ، رسول جعفریان ، قم : انصاریان ، 1381 ش . 26 . تبیین کذب المفتری ، لأبی القاسم علی بن الحسین الدمشقی المعروف بابن العساکر (ت 499 - 571 ق) ، دمشق : دارالقلم ، 1399 ق . 27 . تحف العقول عن آل الرسول صلی اللّٰه علیه و آله ، الحسن بن علی الحرّانی (ابن شعبه) (م 381 ق) ، تحقیق : علی أکبر الغفّاری ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، 1404 ق ، دوم . 28 . تحقیق درباره اول أربعین حضرت سید الشهدا علیه السلام ، شهید محمّد علی قاضی طباطبایی (1291 - 1358) ، تهران : وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، 1382 ش . 29 . التذکره الحمدونیه ، محمّد بن الحسن بن حمدون (ت 495 - 592 ق) ، تحقیق : احسان عبّاس ، بیروت : دار صادر ، 1996 م . 30 . تذکره الخواصّ (تذکره خواصّ الاُمّه فی خصائص الأئمّه علیهم السلام) ، یوسف بن قُرغلی (سبط ابن الجوزی) (م 654 ق) ، به مقدمه : السیّد محمّد صادق بحر العلوم ، تهران : مکتبه نینوی الحدیثه . 31 . تذکره الشهداء ، ملا حبیب الله شریف الکاشانی (ت 1262 - 1340) ، تحقیق و نشر : تهران : مؤسسه شمس الضحی ، 1384 ش . 32 . التذکره فی أحوال الموتی واُمور الآخره ، محمّد بن أحمد القرطبی (م 671 ق) ، تحقیق : مجدی فتحی السیّد ، طنطا : دار الصحابه للتراث ، 1415 ق ، اوّل. 33 . ثواب الأعمال وعقاب الأعمال ، محمّد بن علی ابن بابویه القمی (الشیخ الصدوق) (م 381 ق) ، تحقیق : علی أکبر الغفاری ، تهران : مکتبه الصدوق . 34 . الجمل والنصره لسیّد العتره فی حرب البصره ، محمّد بن محمّد بن النعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (م 413 ق) ، تحقیق : السیّد علی میر شریفی ، قم : المؤتمر العالمی لألفیّه الشیخ المفید ،

1413 ق ، اوّل . 35 . حماسه حسینی ، شهیدمرتضی مطهری، (1299-1358)، تهران: صدرا، 1371ش. 36 . الخرائج والجرائح ، سعید بن عبد اللّه الراوندی (قطب الدین الراوندی) (م 573 ق) ، تحقیق : مؤسسه الإمام المهدی(عج) ، قم : مؤسسه الإمام المهدی(عج) ، 1409 ق ، اوّل . 37 . الخصال ، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م 381 ق) ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، 1414 ق ، چهارم . 38 . دانش نامه عقاید اسلامی از نگاه قرآن و حدیث ، محمّد محمّدی ری شهری [و همکاران] ، قم : دارالحدیث ، 1385 . 39 . دعائم الإسلام وذکر الحلال والحرام والقضایا والأحکام ، النعمان بن محمّد التمیمی المغربی (م 363 ق) ، تحقیق : آصف بن علی أصغر فیضی ، مصر : دار المعارف ، 1389 ق ، سوم . 40 . دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث ، محمّد محمّدی ری شهری ؛ با همکاری سید رسول موسوی ، مترجم : حمیدرضا شیخی ، قم : دارالحدیث ، 1384 ش . 41 . دیوان محتشم کاشانی ، به کوشش : مهرعلی گرگانی ، کتابفروشی محمودی . 42 . الذریعه إلی تصانیف الشیعه ، محمّد محسن بن علی المنزوی (آقا بزرگ الطهرانی) (م 1348 ق) ، بیروت : دارالأضواء ، 1403 ق ، سوم . 43 . روضه الشهداء ، ملّا حسین واعظ کاشفی سبزواری (م 910 ق) ، قم : نوید اسلام . 44 . روضه الواعظین ، محمّد بن الحسن الفتّال النیسابوری (م 508 ق) ، تحقیق : حسین الأعلمی ، بیروت : مؤسسه الأعلمی ، 1406 ق ، اوّل . 45 . ریاحین الشریعه ، ذبیح اللّه محلاتی ، تهران : دارالکتب الاسلامیه . 46 . ریاض العلماء وحیاض الفضلاء ، میرزا عبد اللّه أفندی الإصبهانی (ق 12 ق) ، تحقیق : السیّد أحمد الحسینی ، قم : مکتبه آیه اللّه المرعشی العامّه ، 1401 ق ، اوّل . 47 . ریحانه الأدب ، محمّد علی المدرس (م 1373 ق) ، تبریز : مکتبه الخیام ، دوم . 48 . سیر أعلام النبلاء ، محمّد بن أحمد الذهبی (م 748 ق) ، تحقیق : شُعیب الأرنؤوط ، بیروت : مؤسسه الرساله ، 1414 ق ، دهم . 49 . شجره طوبی ، محمّد مهدی حائری مازندرانی (1300 - 1385 ق) ، قم : دارالقلم ، 1425ق . 50 . شرح الأخبار فی فضائل الأئمّه الأطهار ، النعمان بن محمّد المصری (القاضی أبو حنیفه) (م 363 ق) ، تحقیق: السید محمّد الحسینی الجلالی ، قم: مؤسسه النشر الإسلامی ، 1412 ق ، اوّل . 51 . طبقات الشافعیه ، عبد الرحیم بن حسن الإسنوی (م 772 ق) ، تحقیق : عبد اللّه الجبوری ، بغداد : مطبعه الإرشاد ، 1971م ، اوّل .

.

ص: 122

..

ص: 123

..

ص: 124

..

52 . الطبقات الکبری ، محمّد بن سعد (کاتب الواقدی) (م 230 ق) ، بیروت : دار صادر . 53 . العقد الفرید ، أحمد بن محمّد الأندلسی (ابن عبد ربّه) (م 328 ق) ، تحقیق : أحمد الزین و إبراهیم الأبیاری ، بیروت : دار الأندلس ، 1408 ق ، اوّل. 54 . عنوان الکلام ، محمّد باقر فشارکی ، تهران : اسلامیه . 55 . عیون أخبار الرضا علیه السلام ، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م 381ق)، تحقیق : السیّد مهدی الحسینی اللاجوردی ، تهران : منشورات جهان. 56 . غرر الحکم ودرر الکلم ، عبد الواحد الآمدی التمیمی (م 550 ق) ، تحقیق : میر جلال الدین محدّث اُرمَوی ، تهران : دانشگاه تهران ، 1360 ش ، سوم . 57 . الفتوح ، أحمد بن أعثم الکوفی (م 314 ق) ، تحقیق : علی شیری ، بیروت : دار الأضواء ، 1411 ق ، اوّل. 58 . فلسفه تاریخ ، شهید مرتضی مطهری (1299-1358ق) ، تهران : صدرا ، 1371ش. 59 . قصص العلماء ، محمّد بن سلیمان تنکابنی (1234 - 1302 ق) ، مشهد : بنیاد پژوهشهای اسلامی ، 1380 . 60 . الکافی ، محمّد بن یعقوب الکلینی الرازی (م 329 ق) ، تحقیق : علی أکبر الغفّاری ، بیروت : دار صعب ودار التعارف ، 1401 ق ، چهارم . 61 . کامل الزیارات ، جعفر بن محمّد بن قولویه (ابن قولویه) (م 367 ق) ، تحقیق : جواد القیّومی ، قم : نشر الفقاهه ، 1417 ق ، اوّل. 62 . الکامل فی التاریخ ، علی بن محمّد الشیبانی الموصلی (ابن الأثیر) (م 630 ق) ، تحقیق : علی شیری ، بیروت : دار إحیاء التراث العربی ، 1408 ق ، اوّل. 63 . الکبریت الأحمر فی شرائط المنبر ، محمّد باقر بیرجندی (1238 - 1312 ق) ، تحقیق : محمّد شعاع فاخر ، بیروت : دار الحوراء . 64 . کتاب شناسی امام حسین علیه السلام ، نجفقلی حبیبی ، تهران : مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه اللّه علیه ، 1374 ش . 65 . کتاب شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام ، محمّد اسفندیاری ، تهران : وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سازمان چاپ و انتشارات ، 1380 ش . 66 . کشف الغمّه فی معرفه الأئمّه ، علی بن عیسی الإربلی (م 687 ق) ، تصحیح : السیّد هاشم الرسولی المحلّاتی ، بیروت : دار الکتاب ، 1401 ق ، اوّل. 67 . کفایه الأثر فی النصّ علی الأئمّه الإثنی عشر ، علی بن محمّد الخزّاز القمّی (ق 4 ق) ، تحقیق : السیّد عبد اللطیف الحسینی الکوه کمری ، قم : بیدار ، 1401 ق . 68 . کمال الدین وتمام النعمه ، محمّدبن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م 381ق) ، تحقیق : علی أکبر الغفّاری ، قم : مؤسسه النشر الإسلامی ، 1405 ق ، اوّل . 69 . الکنی والألقاب ، عبّاس القمّی (م 1359 ق) ، تهران : مکتبه الصدر ، 1397 ق ، چهارم .

70 . الکوکب الدری فی احوال النبی والبتول والوصی ، محمّد مهدی الحائری المازندرانی (1261 - 1344 ق) ، قم : المکتبه الحیدریه ، 1995 م. 71 . لغت نامه ، علی اکبر دهخدا (ت 1956 م) ، تهران : دانشگاه تهران - دانشکده ادبیات ، چاپ چاپخانه سیروس ، 1968 م . 72 . لؤلؤ و مرجان ، محدّث نوری . 73 . مثیر الأحزان ، محمّد بن جعفر الحلّی (ابن الحلّی) (م 645 ق) ، قم : مدرسه الإمام المهدی(عج). 74 . المحاسن ، أحمد بن محمّد البرقی (م 280 ق) ، تحقیق : السیّد مهدی الرجائی ، قم : المجمع العالمی لأهل البیت علیهم السلام ، 1413 ق ، اوّل . 75 . محرق القلوب ، ملّا مهدی نراقی . 76 . المزار الکبیر ، محمّد بن جعفر المشهدی (ق 6 ق) ، تحقیق : جواد القیّومی الإصفهانی ، قم : قیّوم ، 1419 ق ، اوّل. 77 . مستدرکات أعیان الشیعه ، السیّد حسن الأمین ، بیروت - دار التعارف ، 1408 ق . 78 . المصباح فی الأدعیه والصلوات والزیارات ، إبراهیم بن علی العاملی الکفعمی (م 900 ق) ، قم : منشورات الشریف الرضی . 79 . مصباح المتهجّد ، محمّد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) (م 460 ق) ، تحقیق : علی أصغر مروارید ، بیروت : مؤسسه فقه الشیعه ، 1411 ق ، اوّل. 80 . المعجم الکبیر ، سلیمان بن أحمد اللخمی الطبرانی (م 360 ق) ، تحقیق : حمدی عبد المجید السلفی ، بیروت : دار إحیاءالتراث العربی ، 1404 ق ، دوم . 81 . معجم المطبوعات العربیه والمعربه ، یوسف الیاس سرکیس (ت 1351 ق) ، کتابخانه آیه اللّه مرعشی نجفی - قم ، 1410 ق . 82 . معجم المؤلفین (تراجم مصنّفی الکتب العربیه) ، لعمر رضا کحّاله (معاصر) ، نشر مکتبه المثنی ، دار إحیاء التراث العربی : بیروت . 83 . معرفی و نقد منابع تاریخ عاشورا ، سید عبداللّه حسینی ، قم : پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ، 1386 ش . 84 . معالی السبطین ، محمّد مهدی مازندرانی (م 1344 ق) ، تبریز : مکتبه القرشی ، 1356 ق . 85 . مفتاح الجنان فی الأدعیه والأعمال ، مجهول المؤلّف . 86 . مقاتل الطالبیّین ، علی بن الحسین الأصبهانی (أبوالفرج) (م 356 ق) ، تحقیق : السیّد أحمد صقر ، قم : منشورات الشریف الرضی ، 1405 ق ، اوّل . 87 . مقتل أبو مخنف = وقعه الطف ، لأبی مخنف لوط بن یحیی الغامدی (م 157 ق) ، تحقیق : محمّد هادی الیوسفی ، قم : مؤسسه النشر الاسلامی ، 1367 ش . 88 . مقتل الحسین علیه السلام ، موفّق بن أحمد المکّی الخوارزمی (م 568 ق) ، تحقیق : محمّد السماوی ، قم : مکتبه المفید . 89 . الملل والنحل ، محمّد بن عبد الکریم الشهرستانی (م 548 ق) ، بیروت : دار المعرفه ، 1406 ق . 90 . الملهوف علی قتلی الطفوف ، علی بن موسی الحلّی (السیّد ابن طاووس) (م 664 ق) ، تحقیق : فارس تبریزیان ، تهران : دار الاُسوه ، 1414 ق ، اوّل. 91 . مناقب آل أبی طالب (المناقب لابن شهر آشوب) ، محمّد بن علی

المازندرانی (ابن شهرآشوب) (م 588 ق) ، قم : المطبعه العلميّه . 92 . مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام (المناقب للكوفی) ، محمّد بن سليمان الكوفی القاضی (م 300 ق) ، تحقيق : محمّد باقر المحمودی ، قم : مجمع إحياء الثقافه الإسلاميّه ، 1412 ق ، اوّل . 93 . المنتخب للطريحی ، لفخر الدين طريح بن محمّد الرماحی (ت 1058 ق) ، قم : منشورات الرضی ، 1362 ش . 94 . منتهی الآمال ، حاج شيخ عبّاس قمی (1254 - 1319 ق) ، قم : مؤسسه انتشارات هجرت ، 1410 ق . 95 . الموسوعه الشوقيه ، احمد شوقی . 96 . مؤلّفو الشيعه فی صدر الإسلام ، عبد الحسين شرف الدين (1873 - 1958 م) ، بغداد : مكتبه الاندلس ، [1385 ق] . 97 . ناسخ التواريخ ، محمّد تقی خان سپهر (ت 1297 ق)، تصحيح : محمّد باقر بهبودی ، تهران - كتابفروشی اسلاميه . 98 . النصره فی حرب البصره ، المفيد . 99 . نفس المهموم ، حاج شيخ عبّاس قمّی (ت 1359 ق) ، قم : ذوی القربی ، 1421 ق . 100 . نور العين فی مشهد الحسين عليه السلام ، لأبی اسحاق الاسفراينی (ت قرن 10 ق) ، تونس - چاپخانه منار . 101 . وفيات الأعيان ، أحمد بن محمّد البرمكی (ابن خَلِّكان) (م 681 ق) ، تحقيق : إحسان عبّاس ، بيروت : دار صادر . 102 . هديه الأحباب فی ذكر المعروف بالكنی والألقاب والأنساب ، حاج شيخ عباس قمّی ، تهران : امير كبير ، 1363 ش . 103 . هديه العارفين ، إسماعيل پاشا البغدادی (1839 - 1920 م) ، بيروت : دارالكتب العلميه ، 1413 ق .

.

..

ص: 127

..

ص: 128

..

ص: 129

..

ص: 130

فهرست تفصیلی .

ص: 131

..

ص: 132

..

ص: 133

..

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 09132000109
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109